

LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 6 - 1981



السلامة والرفاهية

Ketabton.com



د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې عومي منشي، د انقلابي شورا رئيس او صدراعظم ببرک کارمل په هغه پرتمين ميټنگ کې وينا کوي چې د خواجه رواش په کارنيزيون کې چې د هوايي او مدافع هوايي قواو د قومانداني او دکابل کارنيزيون د قطعاتو د افسرانو وړو ضابطانو او سربازانو له خوا جوړ شوی ؤ .

اقتصاد و قايه مهمه

تحت ر ياست ببرک کارمل منشي عومي کمیټه مرکزي حزب د موکراتيک خلق افغانستان رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموکراتيک افغانستان شوراي

وزيران روز چهار شنبه ۲۳ نور در مقر شوراي انقلابي ارگ جلسه نمود . در آغاز جلسه ببرک کارمل اعضاء شوراي و زيران را به مسئوليت هاي سنگين شان در قبال جامعه و مردم و تبديل دستگاه اداره دولتي بیک دستگاه واقعا خدمت گذار براي مردم و پيشرفت اجتماعي و اقتصادي کشور متوجه ساختند .

سلام هاي گرم و تمنيات نيک ببرک کارمل منشي عومي کمیټه مرکزي حزب دموکراتيک خلق افغانستان رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموکراتيک افغانستان را بارع شيعي عضو علي البدل کمیټه مرکزي حزب و عضو شوراي انقلابي روز ۲۴ نور ملي محفلي بهر دم زحمتکش ولسوالی

شيدند ولايت هرات رسانيد که از طرف صد ها نفر از مردم آنجا با شور و شعف انقلابي استقبال گرديد .

• • •

د افغانستان د خلک د موکراتيک گوند د مرکزي کمیټې د عومي منشي د افغانستان د دموکراتيک جمهوريت د انقلابي شورا د رئيس او صدراعظم ببرک کارمل له خوا -

فرانسي د جمهوري رئيس په توگه د جلا تمهات فرانوا ميتران د تاکلي کيدو له امله پاريس ته د ده په نامه د مبارکي تيلگرام مخابره شويدي .

• • •

بجواب تلگرام هاي تبريکيه ببرک کارمل منشي عومي کمیټه مرکزي حزب دموکراتيک خلق افغانستان ، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري د موکراتيک افغانستان بهناسبت سي و ششمين سالگرد آزادي مردم مجارستان تلگرام هاي متنايه از طرف يانوش کا دار منشي اول کمیټه مرکزي حزب سو سياليت کارگري مجارستان پال او سينزي رئيس هيات رئيسه جمهوري مردم مجارستان و گيورگسي لازار رئيس شوراي و زيران آنکشور دکابل موا ملت ندوده است .



د مرکزي کمیټې عومي منشي، د انقلابي شورا رئيس او صدراعظم ببرک کارمل ديوانسريه سينه دمدال ليقولويه حال کې .

د افغانستان د خلک د مو کراتیک گوند د مرکزې کمیټې عهومي منشي د انقلابي شورا رئيس او صدر اعظم ببرک کارمل د شور ۲۱ نيمه له غرمې مخکې د خواجه ر و ا ش په کارنيز يون کې د افغانستان د ديموکرا تیک جمهوريت د و سله وال پوځ د وسلې وسايطو او تجهيزاتو نندار تون وکوت اوور پسې په هغه غونډه کې گډون وکړ چې د هوايي او هوايي مدافعي پوځ د افسرانوسر تير او منسو بينو او دکابل کارنيز يون د قطعاتو او موسسو داستازو له خوا شموي وه .



د سياسي بيرو غړي د انقلابي شورا مرستيال او د صدر اعظم مرستيال سلطانعلي کشته د کله چې د چکوسلواکياکي دملي ورځي په مناسبت دهغه هيواد لوی سفير ته مبارکي وايي . په عکس کې د گوند د مرکزې کمیټې د سياسي بيرو غړي دستگير پنجشيري هم ليدل کېږي .

عنواني ببرک کار منشي عهومي کمیټه مرکزې حزب د مو کراتیک خلق افغانستان رئيس شوراي انقلابي و صدر اعظم جمهوري دموکراتیک افغانستان تلگرام تبر يکيه بڼه مناسبت سو مين سالگرد انقلاب شکو همند نور از طرف صدام حسين ر نيس جمهور عراق بکابل موا صلت کرده است .

رئيس جمهور عراق طی اين تلگرام تبريکت گرم و صميمانه مردم عراق را ب مردم افغانستان تقديم نموده صحت و سلامت شخص ببرک کارمل را باپيروي هاي مزيد مردم افغانستان تهنا کرده است .

د خلک د يمو کراتیک گوند د مرکزې کمیټې د سياسي بيرو غړي د انقلابي شورا مرستيال د گوند د سياسي بيرو او مرکزې کمیټې ځينو کارکو و نکو او په کابل کې د دو ستو هيوادو سفيرانو او پوځي آ تشو گون کړی وو .

سره د شوروي اتحاد دوستي او کلتوري اړيکو د ټولنو داتحادیې د رئيس اود شوروي اتحاد او افغانستان د دوستي د پو لني د رئيس ا تنو نوف په نامه مسکوته دمبارکي تيلگرام مخابره شويدي .



يوشمير هغه د انقلاب سپاهيان چې د انقلابي هدفونو د توضيح له پاره ځينو ولاياتو ته لاړل .

د نور ملي او دموکراتیک انقلاب او په تيره بيا دهغه نوی پړاو د هيواد مليوني او زيار ايستونکي پرگني د فيودالي وراسته نظام داستبداد او ظلم له جف خغه خلاص کړل او د ټولو هيوادوالو خلکو او په تيره بيا د هيواد دمبارزو خوانانو رسالت دی چې د انقلاب د بشپړتيا او دهغه دارزښتونو د دفاع په لار کې زهواره مبارزه وکړي .

پیکار و آزادی

واقعیت اینست که امپریالیست های امریکایی با ارتجاع داخلی منطقه و رهبران چین سخت در زدو بند اند تا در راه انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی خلق افغانستان سنگ اندازی کنند ، شهر دهاات، مکاتب و مساجد را در آتش بکشند، زنان اطفال و پیر مردان ما را وحشیانه به قتل برسانند و دست آورد های انقلاب ثور را از میان بردارند .

شنبه ۲۶ ثور ۱۳۶۰ - ۱۶ می ۱۹۸۱

سی و ششمین سالگرد

پیروزی بر فاشیسم

نهم ماه می به مثابه بزرگترین پیروزی تاریخی انسان و انسانیت ، بر فاشیسم هتلری این طفل گشیف سرمایه داری امپریالیستی ست .

نهم ماه می روز فتح و غلبه نهایی بر فاشیسم این پدیده ملعون زاینده نظام استبداد وستم انسان بالای انسان میباشد .

غلبه بر فاشیسم نتیجه تلاش و مبارزه مشترک همه نیروهای ضدفاشیستی است اما نیرو های آزادی خواه ، انسان دوست و مرفی درین نبرد نقش قاطع داشتند که سهم اتحاد شوروی در ین زمینه خیلی برجسته و برازنده است .

زیرا این روز با خون رشید ترین و پرمعندترین فرزندان اتحاد شوروی رنگین شده است که همه جهان بشریت مرهون قهرمانی و فداکاری ارتش سرخ شوروی این پاسداران آزادی ، انسان و انسانیت می باشد .

بتاریخ ۲۲ جون ۱۹۴۱ فاشیست های آلمانی جنگ اعلان نشده یی را علیه کشور شوراهای برآه انداختند و با پنج میلیون سرباز و نیروی های مسلح به اتحاد شوروی حمله ور شدند و زندگی صلح آمیز و سازنده آنها را برهم زدند .

بعد از ۱۴۱۸ روز نبرد رویاروی و مسلحانه در برابر اردوی سرخ شوروی به جنگ افروزان تاب مقاومت و نبرد نماند و در تحت نبرد غلبه ناپذیر ارتش شوروی خورد و خمیر شدند تا کذب به تسلیم بلا قید و شرط گردیدند و خلق های جهان و به ویژه خلق قهرمان اتحاد شوروی دوست صدیق خلق هارا که در جنگ کبیر

میهنی بیش از بیست میلیون پیرو برنا و کودک خود را از دست داده بودند اندکی آرامی بخشید . مگر تا هنوز هیولای فاشیسم را مردم جهان

از یاد نبرده اند و هنوز کوره های آدم سوزی وارد گاه های مرگ آفرین فاشیستان مانند آشویتس و جدان هراسان با احساس دمی - آزارد ، و آنها با تمام گوشت و پوست خویش احساس نموده اند که فاشیسم با صلح و دوستی

و ترقی و تحول دشمن آشتی ناپذیر بوده و هر جا که مشعلی از نفیست و تحول روشن میشود فاشیست های هتلری به « استریک » و خشتناک دچار شده و با تمام هیله و نیرنگ و بکار بردن اعمال غیر انسانی متصل می شوند از کشت و کشتار فجیعانه گرفته تا آتش سوزی و غیره اعمال تروریستی رو گردان نیستند .

فاشیسم با منافع انسانی و حیاتی توده های مردم و خلق های سراسر جهان دشمنی عمیق و بنیادی دارد در آن عده از کشور های جهان که این نظام اختناق و ترور و آدم کشی ولو برای مدت محدود و د هم مستقر بوده

بدترین و فجیع ترین شکنجه های روحی و جسمی را بر باشندگان آن تحمیل نموده و می نمایند و باندهای فاشیستی و نیوفاشیستی با مشتعل نمودن آتش اینجا و آنجا میخواهند امنیت ، صلح و حیات روز مره انسان هارا به خطر اندازد و با این عمل خود جنبش های آزادی بخش ملی خلق های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین را خفه نماید اما باید ملتقت بود که تصمیم این رزمنده مردان و زنان قاطع و شکست ناپذیر است و آنها بیکه پاسدار

صلح و دوستی و عاشق نفیست و تحول اند در امر اعاده صلح و دموکراسی و تامین دیتانت از هیچ گونه مبارزه دست نمی گیرند .

اگر کشور های مرفی و صلح دوست جهان از روز نهم ماه می تجلیل و بزرگداشت بعمل می آورند از ین جهت نیست که آتش انتقام جویی را در نزد انسان ها شعله و رسازند . بلکه از سبب آنست که جراحات خونین

و وحشیگری های فاشیسم هتلری در خاطره ها معو نشود و بشریت انسان دوست و عقل های سلیم اجازه ندهد که فاشیسم جهان خوار که نظام های ترور و اختناق و ظلم و استبداد

زاینده آنست به شکل نیوفاشیسم و یا با تغییر قیافه بشریت را بار دیگر سو گوار سازد . زیرا جنگ دوم جهانی که فاشیسم این طفل نااهل سر مایداری آنرا برآه انداخت و یک عده زیاد

انسان ها را برای همیشه داغدار و ماتم دار ساخت به یقین که نسل های بعدی نیز خاطرات جان کای آنرا از یاد نمی برد و ناچاران است قصه های از قصه های این گشتار بی رحمانه و غیر انسانی فاشیسم نقل مجالس و محافل خواهد بود .

مردم ما که از کشتار و آدم سوزی ، ظلم و بی عدالتی و ترور و اشغالگری فاشیسم و نیو فاشیسم آگاه اند لازم است تا همراه با همه خلق های صلح دوست جهان علیه فاشیسم این دانه سرطانی بر زمین و تا آخرین قطره خون برای دور نمودن این سایه شوم در مجاهده و مبارزه باشند .

پیروز باد صلح
نابود باد فاشیسم و نیو فاشیسم .

در این شماره



سره میاشت از شما و برای شما

گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان بلغاریا .

زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ و جنگ افروزان .

چهره واقعی زن در آئینه تمام نمایشی اندیشه پرو لتری

کار گران جهان روز اول می را باشکوه میندی خاصی تجلیل می نما یند

اعتیاد با ادویه مخدره ، بحیثیک سرطانی اجتماعی

زبان وسیله پیوند عاطفی انسان .

شرح پستی : اول و پستی چارم ، همچنان صفحات متن را در صفحه ۲۲ مطالعه فرمایند .

تصحیح ضروری

در صفحه ۳ ستون سوم سطر سوم بجای سطر دوم خوانده شود .

تجربہ

یکسال از پیشنهادات صلح ۱۴ ماه می گذشت

ایفا نموده است. طرح این پیشنهادات فاقد روحیه صریح تاکتیکی و عوامفریبانه بوده و از سرشت عمیق سیاست دولت انقلابی ما منشاء می گیرد. مادر جهت بکسری نشانیدن این پیشنهادات که ظاهراً هیچکس آنرا صریحاً رد ننموده است بارها کوشیده ایم یکی دوبار دولت پاکستان با اظهارات مبهم و سردرگم که بعداً معلوم شد ریاکارانه بوده است اظهار آمادگی خود را در جهت انجام مذاکرات اعلام داشته ولی متأسفانه هیچ گام عملی بی در جهت آغاز مذاکرات و یا کوشش در راه تهیه مقدمات آن، بسر نداشته و کورکورانه بدرگاه قصر سفید چشم دوخته و سیاست ما چرا چو یانه آنرا تعقیب نمود.

هر بار یک پاکستان با همین اظهارات مبهم و معشوش هم تمایل خود را در جهت تبارز داده است، مقامات ذیصلاح قصر سفید با دستپاچگی دست بکسار شده اند تا درین زمینه موانع را ایجاد نمایند.

ما آنچه را می بایست انجام دهیم انجام دادیم اگر دولت های همجوار واقعاً خواهان حل مسالمت آمیز معضلات کنونی پیرامون او ضاع افغانستان هستند بایست پیشنهادات مشخص معقول و واقعینانه ما را که بدون تحمیل قید و شرط قبلی مطرح گردیده است بپذیرند در غیر آن نخواهند توانست تمایلات ناسالم جنگ طلبانه و آتش افرو زانه خود را در زیر پرده پرد و دو غبار آنها مانت و ابهامات بپوشانند.

سر مقاله حقیقت انقلاب ثور

های کشور های همجوار حل نماییم. ما به صراحت مطرح ساختیم که طری این مذاکرات در صورت ارائه تضمین قابل اعتبار در جهت ختم تجاوزات ازین سرزمین ها علیه کشور ما و عدم تکرار مجدد آنها مسأله برگشت نیرو های محدود نظامی اتحاد شوروی که بنا به درخواست مقامات قانونی و صلاحیتدار کشور ما بغاطر طرد و دفع تجاوز خارجی به کمک مردم ما شتافته اند حل خواهد گردید.

بعدا این پیشنهادات در مواقع مختلف شکل مکملتری را بخود گرفته و بیکی از واقعیت های سر سخت و انکارناپذیر مناسبات جاری بین المللی نه تنها در سطح منطقه ما بلکه در مقیاس جهانی مبدل گردید.

دولت انقلابی افغانستان با احساس مسوولیت عمیق و شرافتمندانه با طرح این پیشنهادات و وظیفه انسانی صلح جو یانه خود را در برابر مردمان منطقه و جهان

درین جهت از هیچگونه تلاش لازم درین نورزیده است. ولی هستند نیرو هایی در منطقه ما که واقعیت انقلاب افغانستان و پیامد های اجتناب ناپذیر دو جوب آنرا به نفع توده های ملیونی زحمتکش نمی پذیرند و از هیچگونه امکانی جهت افزایش تشنج تحریک و تفتین و توطئه علیه مادیست بردار نیستند.

تمام پیچیدگی های وضع کنونی و تمام ضایعاتی که ازان بر می خیزد ناشی از همین نیت ما چرا چو یانه و انتقام جویانه و سیاست غیر واقعینانه همین محافل و نیرو های ارتجاعی منطقه ما می باشد.

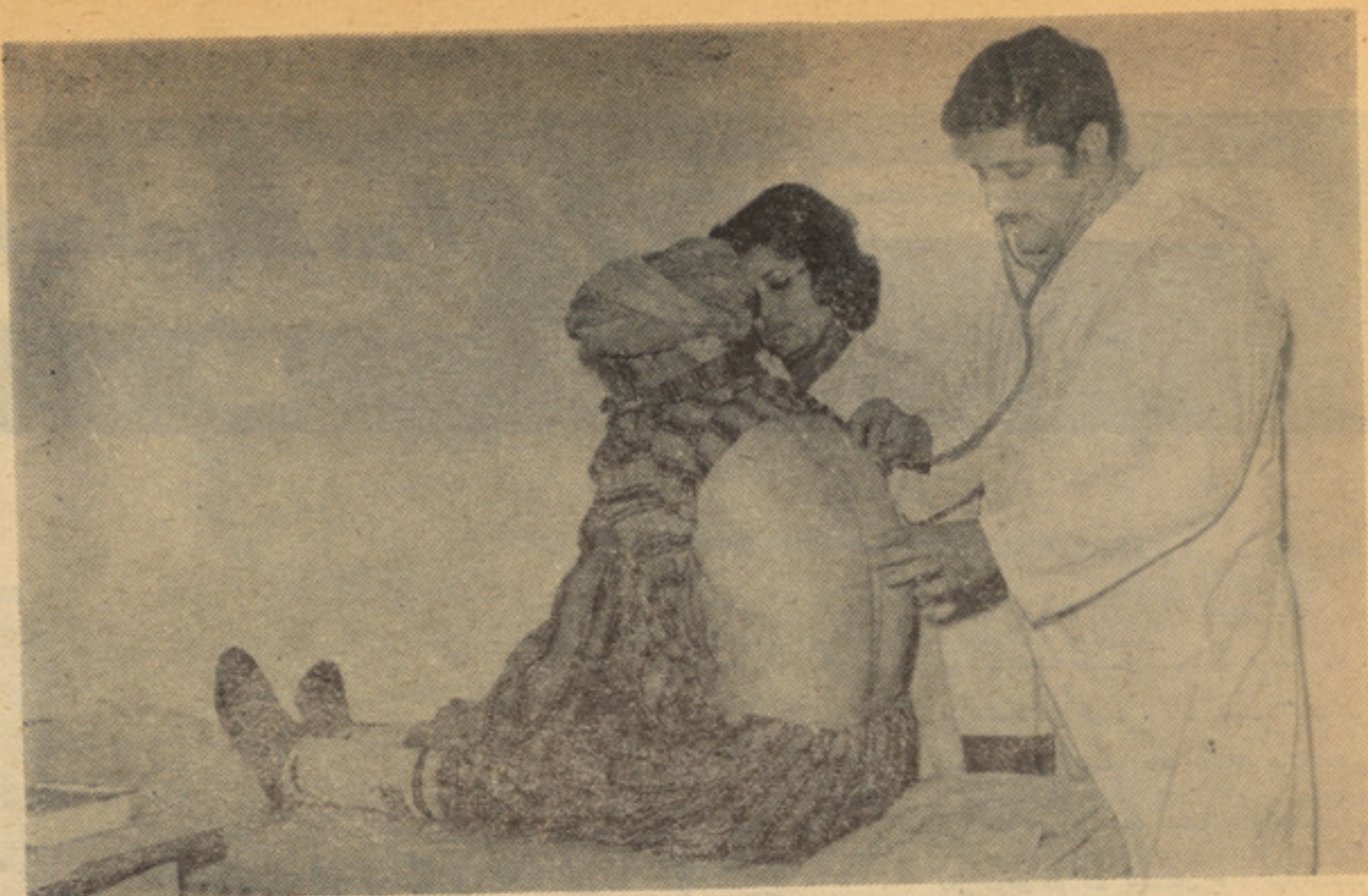
ما بتاريخ ۱۴ ماه می ۱۹۸۵ به صراحت اعلام داشتیم که حاضر هستیم تمام معضلات عمده کنونی را که باعث کشیدگی او ضاع پیرامون افغانستان گردیده است در پشت میز مذاکره بیاوریم

مادر شماره گذشته اعلامیه و وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان بمناسبت سپری شدن یک سال از ارائه پیشنهادات مشهور صلح آمیز مورخه ۱۴ ماه می دولت ج. د. را به نشر سپردیم اعلامیه جدید وزارت امور خارجه ج. د. با تاکید صریح و صادقانه روی اصل جستجوی راه های حل مسالمت آمیز او ضاع ایجاد شده پیرامون کشور ما یکبار دیگر کشورهای همجاری را که در برابر راه حل مسالمت آمیز و وضع کنونی منطقه بخصوص در ارتباط با او ضاع کشور ما سنگ اندازی می نمایند به مسوولیت سنگین شان در برابر تاریخ و سر نوشت خلق های منطقه متوجه ساخته و یکبار دیگر نیت صادقانه دولت انقلابی ما را در جهت یافتن یک راه حل منطقی مسالمت آمیز و به نفع توده های مردم کشور های منطقه مطرح ساخت.

درواقع کشور ما به صلح بمشابه نیاز مبرم زمان، نیاز عاجل مردم ما در جهت اعمار جامعه نوین و نیاز انسانی توده ها عمیقاً علاقمند بوده و

در و لایات و هم از راه لاتری به مصیبت رسیدگان و محتاجان کمک نقدی و یا جنسی داده است که این امداد شامل معادل هفتاد و نه میلیون افغانی، بیش از چهار هزار و شصت تن گندم، پنجاه و سی تن آرد، بیست و پنج تن برنج، اضافه از سصد و بیست و هشت تن روغن، پنجاه و سه تن شیر بودری، شصت تن بوره، یک تن چای و هشتاد و چهار تن حبوبات دیگر می گردد.

در بخش خدمات لاتری بیش از دو ازمده و نیم میلیون افغانی برای بیش از یکصد و نه هزار نفر بر ندگان جواز گو ناگون مدد رسانی شده و در ساحه مسایل صحتی با توجه به پائین بودن سطح آگاهی و دانش صحتی، فقر مسلط در جامعه عدم شرایط حفظالصحه فردی و محیطی که در مجموع خود منجر به بروز انواع بیماری های مسری و غیر مسری در میان جامعه می گردد و نظر داشت این نکته که امکانات و زارت صحت عامه نیز برای رسیدگی به همه این ناسا ما نسا



دکتوران موظف سرهمیانت همیشه در خدمت هموطنان کم بضاعت ما هستند.

نوشته: س. ر. هاشمیار

سرهمیانت از شما و برای شما

* در سال گذشته بیش از یک میلیون و هشتصد هزار هموطن مریض ما از طریق کلینیک ها و شفاخانه های سرهمیانت زیر تدای قرار گرفته اند.

محدود می باشد در نزده کلینیک و د و شفاخانه مربوط به این سازمان که دکتوران به گونه داو طلب در آن فعالیت می کنند بیش از یک میلیون و هشتصد و چهار هزار نفر از هموطنان ما به مصرف اضافی از پنج میلیون و دو صد هفتاد هزار افغانی، تدای، پانسمان، پیچکاری گردیده وادویه نیز برای شان توزیع شده است.

است بلکه هر روز ساحه کار و خدمات اجتماعی خود را گسترش بیشتر داده و توانسته است اعتماد مردم را به خود جلب و ساحه امداد آنان را وسعت بخشد.

چنانکه این موسسه در جریان سال ۱۳۵۹ نزدیک به یکصد میلیون افغانی را از طریق مرکز جمعیت، کلینیک های صحتی، مرستونها و نمایندگی های سرهمیانت

سرهمیانت ها از آغاز تا سپس خود تاکنون بر اساس مشی بشرخواهانه و صلح طلبانه می که دارند در سطح جهانی نقش عمده ای در جبران ناسامانیهای ناشی از جنگ ها، قحطی، گرسنگی، زلزله، سیلاب و حوادث دیگر از این مانند داشته و دارند. این سازمان ها که در پر نیسب های جهان شمول خود، بشر دوستی، عدم تعلق، بیطرفی، استقلال، شفقت و وحدت را پذیرفته و بر اساس آن کار می کنند هدف عمده آنان را خدمت گذاری واقعی و راستین به نیازمندان تشکیل می دهد. در کشور ما نیز سرهمیانت به عنوان یک سازمان خیریه در سطح ملی و جهانی نقش ارزنده در تحقق آرزوهای انسانی داشته و بالخصوص بعد از پیروزی انقلاب نود و هر حله نوین تکاملی آن نه تنها تمام ناسامانیها و ناهنجاری های موجود شرایط گذشته را از دامن خود بر چیده

هشتم می که مصادف است با عهده هم توار روز جهانی سرهمیانت هاهمه ساله زیر عنوان و شعاری جداگانه به وسیله همه کشور های عضولیک جهانی و در میان همه ملت های گیتی تجلیل و بزرگداشت میگردد و یکبار دیگر در این روز از یکسویه خدمات فراموش نشدنی ابرمرد بزرگ با عاطفه تاریخ هانری دونانت بنیانگذار موسسات صلیب سرخ، هلال احمر و سرهمیانت ها ارج گذاشته میشود و از سوی دیگر وسایل ارتباط جمعی میکوشند بانسانا ندهی شرایط و بر رسی از واقعات و حوادث طبیعی و غیر طبیعی که منجر به بی خانمان شدن، آواره گشتن، صدمه دیدن از جنگ، قحطی و گرسنگی و ده ها مشکل دیگر از این مانند برای توده های وسیع انسانی می گردد زمینه های تازه را برای به وجود آوری امکانات گسترده تر کمک رسانی به انسان درمانده در هر کجایی که است و بدون در نظر داشت تبعیض های نژادی و یا مسایل سیاسی فراهم آورند.



مستحقینیکه از کمک های سرهمیانت برخوردار شده اند.

جمعیت افغانی سره میاشت در سال گذشته معادل بیش از نود و هفت میلیون افغانی کمک نقدی و جنسی به هموطنان نیازمند داده است



صحنه‌ای از قرعه کشی تکت لاتری سره میاشت

و یاجنگی صد ها زخمی و مصدوم را از خود به جای می گذا رد و یا قحطی و گرسنگی تهدید تازه‌یی برای مرگ غده‌یی تا ا میسد فراهم می آورد ، دست کمک از آستین بر میکشید و به داد همه این محتا جان می‌رود و زندگی ساز دو باره آ نها می گردد ، بر همین اساس است که باید این ساز مان هارا مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار دهیم تا به این تر تیب آ نها توانایی گسترده ساختن هر چه بیشتر ساحه خدمات انسانی را بیا بند و مگر نه در صورتی که ما در برابر آنها بی تفاوت بهمانیم طبیعی است که قدرت کمک رسانی و مدد دهی آ نها نیز در اثر کمی بود جهوناتوانایی های پولی رو به ضعف می گذا رد بیا یم به این نکته بیند یشیم که خا دلّه انسان را خبر نمی کند و در هر آن وهر لحظه امکان وقوع واقعه نا مطلوب غیر متر قبه و ویرانکن زندگی برای همه ما وجود دارد و با ید این نکته را از یاد نبریم که انسان در برابر هموع خود و جایی دارد و ر سالتی که باید به انجام آ ید و مگر نه

توکز معنت د یگران بی غمی

نشانید که تا عت نهیستد آ دمی

تنها برای بیش از چهار هزار نفر که در این کانون ها جمع آ وری و ا با ته و ا عا شه می گردند شرایط کا ملا انسانی مهیا آمده بلکه با زمینه سازی های تازه تر بیوی و تعلیمی و انکشاف روز افزون شعب صنعتی آن تلاش گردیده تا این جمع بی خانواده که در اثر حوادث کانون های پر مهر فا میل خود را از دست داده اند در فضای پر مهر و عطوفت ز ندگی کرده کمبود های شان رفع و برای تامین ز ندگی آ ینده شان اقداماتی سود مند به عمل آ ید .

باتوجه به همه این خدمات و آ ر مان های وای انسانی افغانی سره میاشت و همه سره میاشت های جهان است که در می یابیم شعار سره میاشت با شما و برای شما چه مفهوم وسیع و معنوی انسانی دارد و چگونه این ساز مان ها در مواقعی که خانواده‌یی همه دار و ندار خود را از دست می دهد ، قصبه‌یی و یران می گردد آ تش سوزی به وقوع می پیوندد و محلی را در کام شعله های سوزان خود فرو می کشد ، کوهی آ تشگشان می شود و شهر و روستایی را با خاک یکشان می سازد ، سیلا بسی بیرحمانه جمعی خانواده را بی پناه می گرداند

سره میاشت در ساحه خدمات اجتماعی و صبحی خود که جمعا شامل بیش از هشتاد و چهار میلیون افغانی می شود در جریان یکسال گذشته تلاش به عمل آ ورد تا نحوه ارائه خدمات خود را متمرکز ساخته و شرایطی را کار سازی کند که در زود ترین فرصت ممکن حد اکثر کمک لازم را برای مستمندان و محتا جان و نیاز مندان در سطح کشور انجام شده بتواند که به همین اساس در پهلوی وزارت صحت عا مه نقش عمده در جهت ر سا ندن خدمات صبحی به مردم داشته است مر ستون های چهار گانه کابل ، ننگر هار ، هرات و قند هار نیز با پیروی از مشی انسان خوا هانه جمعیت افغانی سره میاشت خدمات شان با تحول و دگرگونی چشمگیری به همراه بوده و نه



با خرید یک قطعه تکت لاتری باهموع معیوب خود کمک میکنید .

حبیب الله فرزند

گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

سال ۱۹۱۸ مصادف به يك هزار و سه صد مین سالگرد ایجاد دولت بلغاریا و نودمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست بلغاریا و بیست و نهمین سالگرد قیام توده یی ضد فاشیستی سپتامبر و بیست و نهمین سالگرد عظیم ترین پلیشوم ۱۶ اپریل ۱۹۵۶ حزب کمونیست بلغاریا است. در کشور محبوب ما بنابه رهنمایی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تجویز دولت کمیته ملی انسجام برگزاری جشن يك هزار و سه صدمین سالگرد تاسیس دولت بلغاریا در افغانستان ایجاد گردید تا مراسم برپا داشتن جشن ملی زحمتکشان بلغاریا را در افغانستان انقلابی، سازمان بدهد.

در این مقاله بدین مناسبت فرزند قهرمان خلق بلغاریا گئورگی دیمتروف بانی جبهه وسیع پدر وطن بلغاریا معرفی میشود.

مجدد هم چون سال ۱۹۱۸ در روستای کوهستانی درادومیر شمال غربی بلغاریا، کودکی روستایی در يك خانواده فقیر و تهیدست به جهان آمد که بعدا در دوره زندگی اش در سرنوشت میهن خود و جنبش کارگری جهان، نقش عظیمی ایفاء نمود پدرش پیشه ور کوچکی بود که در گیر و دار زندگی، سرمایه ناچیز خود را از دست داده بحیث يك کارگر ساده در کارگاه ها، زحمت ورنج میکشید و آخر هم عوایدش، مصارف زندگی خانواده اش را تکافو نمی کرد. این وضع ناگوار زندگی و فشار روز افزون فقر اقتصادی باعث گردید که گئورگی کوچک بحیث فرزند ارشد خانواده در سن دوازده سالگی از تحصیل دست بکشد و با انرژی جسمی خود بتواند در جهت تهیه سد جوع خانواده همکاری نماید. او در چاپخانه کوچکی بکار پرداخت. همان دوران، دوران آغاز مطالعه آثار مترقی و ایدئولوژی طبقه کارگر برای گئورگی بود.

در اتر زحمتکشی و تلاش وی، در اندک زمان

ماند. باید بخاطر داشت که این مادر قهرمان این زن مبارز و دلیر به هنگام نوجوانی این نامه به گئورگی سه تن از جگرگوشه خود را از دست داده بود. دکنسانین، جوان فعال و مبارز که بحیث مدیر اتحادیه کارگران چاپخانه کار می کرد در اتر توطئه و شائتاز، بخد مت ز بر برق افسار و بعدا در جبهه جنگ بالکان سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۳ فرستاده شد و در آنجا، سر به نیست شد و دیگر خانم پاراشکدوا دیمتروا فرزند دلبندش را ندید و حتی نمی دانست که در کدام نقطه در کدام قتلگاه جان داده است نیکلای، یکی از برادران گئورگی دیمتروف، مقارن با انقلاب ۱۹۰۵ به روسیه رفت و به عضویت حزب سوسیال دموکرات در آمد، سه سال بعد، پسو لیس تزاری او را دستگیر و بسر زمین سرد و یخبندان سائیریا فرستاد اما در اتر ضعف روز افزون مزاج، سر می شدید و عدم موجودیت و سایل لازم معیشت در آن سر زمین دور افتاده و اسالوئی بدروود حیات کفایت.

سرنوشت، تودوره، برادر دیگر دیمتروف از این هم درد ناگتر است، «تو دور» عضو فعال حزب کمونیست بلغاریا، بچرم داشتن جهان بینی علمی و فعالیت انقلابی، از طرف دشمنان دستگیر و تحت شکنجه غیر انسانی قرار گرفت تا مگر وی رفقای مبارز اش را معرفی نماید، اما این انقلابی کلبه درد و رنج و شکنجه را متحمل گردید اما احدی از همقطاران رز منده اش را بگیری محافل ددمنش ها که تعداد، تو دور بشکل بربرمنشانه بقتل رسید و جسد او را بجای نا معلومی، مدفون ساختند. زمانیکه مادر داغ دیده به سراغ پسرش رفت و جوانی احوال دلبندش گردید، پسو لیس گفت، «تو محل و مخفی گاه د خرت» لنا، را بما روشن کن و ما هم گور پسر را نشان می دهیم. مادر دلیر، مادر فرزندانش صديق و مبارز خلق بلغاریا با جرات صدا زد، هر جنایت از دست شما ساخته است حتی خیانت به بلغاریا، تو دور کجاست؟ جراوی را بدون محاکمه، شکنجه دادید؟ شما چه اصراری در کشتن و نابود کردن فرزندان صديق وطن روایی دارید؟ شما به دخترم لنا، دست نغوا هید یافت، هم دیمتروف را نخواهید یافت، اگر

انبارهم بچنگ آورید بمانند فرزند دیگرم تودور شما يك كلمه نغوا هید گفت و شما رفقا و همزمان خود را شما معرفی نخواهد کرد. گئورگی دیمتروف در زیر دست این چنین مادر قهرمان تر بیت یا قفسه و روحیه پیگاری انقلابی را کسب کرد.

گودکی و جوانی دیمتروف:

گئورگی کوچک، در کودکی هشیار و

آگاه بود، کتاب مطالعه می کرد، به روز نویسنده می پی برد و بژودی در صنف نویسنده همان انقلابی بلغاریا قرار گرفت. گئورگی بمطالعه تاریخ و طن خود و اینکه چطور کشورش اسیر پنجه ظلم و تعدی امپراتوری عثمانی قرار گرفت و چگونه، مسرد مان سجع هموطنش بخاطر رهایی از یوغ امپراتوری عثمانی بیکار نمودند، علاقمندی زیادی داشت و خود را از تاریخ و اقصی میهن اش آگاه ساخت، وی خود را فرزند زحمتکشان بلغاریایی دانست و به سر زمین آبایی اش، عشق و دل بستگی فراوان داشت و در هر جا با غرور و افتخار بی پایان از انتساب به چنین مردم پیگاری جو، داد سخن می داد. سلطه پنجاه ساله امپراتوری عثمانی عقب گرا، جلو انکشاف اقتصاد و اجتماعی بلغاریا را سد نمود و بلغاریا را يك کشور عقب مانده باقی گذاشت.

هنگامیکه گئورگی هنوز هفده بهار زندگی را ندیده بود بحیث مدیر سند یکای کارگران مطبوعه انتخاب شد و سه سال بعد بحیث حزب سوسیال دموکرات در آمد، همینکه این حزب اشباع کرد و به جناح انقلابی واپود نویستی، تقسیم گردید، بلاترنگ گئورگی راه جناح انقلابی حزب را تحت رهبری دیمتر بلاکوف، انقلابی نامی بلغاریا در پیش گرفت. با پیش گیری اصول ترقی، رهبری آگاه و خرد مندانه دیمتر بلاکوف و همزمان وی، جناح راست که از اصولیت انقلابی انحراف نموده بود به انزوا کشانیده شد و کلیسه زحمتکشان بلغاریا، از آن تفرق نشان دادند. در اینگونه فعالیت های خلق، دیمتروف بحیث عضو فعال جناح انقلابی حزب، نقش براننده و تاثیر زیادی داشت. در اثر همین کار و پیگاری انقلابی بود که دیمتروف بحیث عضو حزب سوسیال دموکرات که پیوسته به حزب کمونیست بلغاریا تکامل یافت، انتخاب گردید. روز تاروز در جمع غفیری از پیگاری جوانان شهرت می یافت و محبوبیت بیشتر کسب می کرد.

در سال ۱۹۱۳ و هم در سال ۱۹۲۳ مردم صوفیه گئورگی را بصفت نماینده شان به پارلمان بلغاریا، انتخاب نمودند و ی همخان در انجمن شهر صوفیه راه یافت و وی از تمام این فرصت ها جهت گسترش اندیشه های انقلابی، استفاده مطلوب و وسیع نمود.

گئورگی دیمتروف که از سال ۱۹۰۶ با کارگران و زحمتکشان بلغاریا بصورت پیگیر کار نموده اعتصابات کارگران دبرنیک، کارگران نساجی شهر اسلیویا، اعتصابات کارگران فابریکه گوگرد سازی و سایر اعتصابات و تظاهرات زحمتکشان را بطوبی رهبری و سازمان داد. وی اعتصابات



گئورگی دیمتروف ، در سال ۱۹۴۷

نظامی هم بقدر کافی بدسترس نبود . دولت فاشیستی پس از سرکوب قیام ، به اعمال ددمنشانه و کشتارهای وسیع دست زد ، تلفات سنگینی به جبهه خلق وارد کرد . گئورگی دیمتروف و همه از همکارانش ناگزیر ، جلای وطن اختیار کردند . آنزمان عده ای کثیری از زحمتکشان ، عناصر ملی و مترقی ، در شکنجه گاه ها ، بقتل رسیدند ، زندانها پر از وطنپرستان شد و تعداد کثیری از انقلابیون بدست دژخیمان فاشیست شر بت مرگ چشیدند .

پیکار قهرمانانه با فاشیسم :

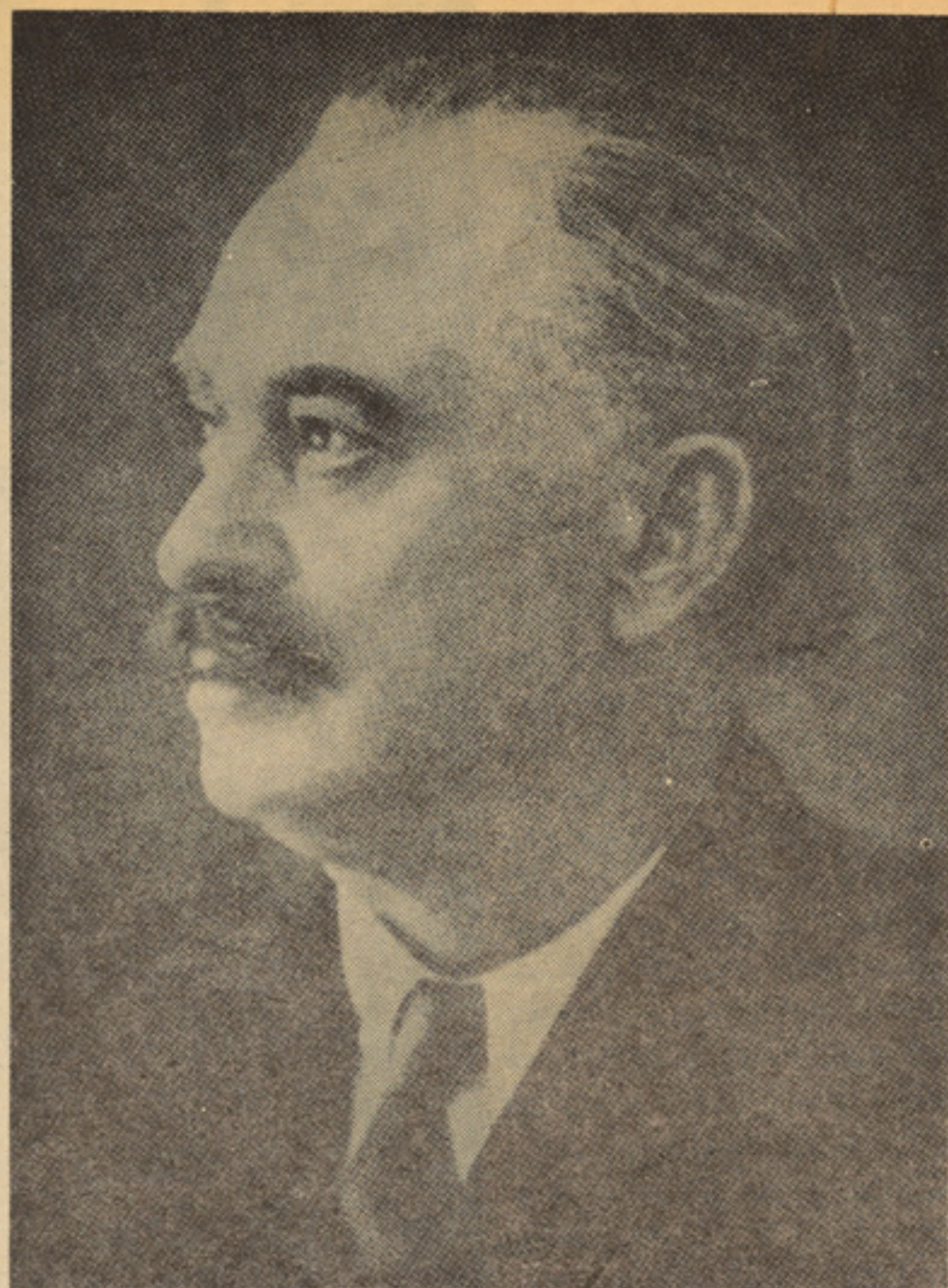
شرایط ناگوار زندگی خلق های بلغاریا ، مرگ فاجعه آمیز برادران وی ، ظلم و استبداد و فشار بر مردم زحمتکشان بلغاریا همه و همه دیمتروف را با اهداف بقیه در صفحه ۲۸



گورگی و دیمتروف در سال ۱۹۳۴

کمو نیست ها را صادر نموده بود و به آن عده از کمو نیستان که با اعضای اتحادیه توده ای کشاورزان بلغاریا در تعرض به حکومت فاشیستی همکاری می کردند دستور داده شد که به مبارزه مسلحانه پایان دهند . کودتا موفق شد ، قصابان فاشیست ، اسلا بولیسکی را مثل گوسفند سربریدند و حکومت اختناق و استبداد و فاشیستی را برقرار کردند . نیرو های سالم و انقلابی حزب بکمو کمترین به اشتباه خود پی برد و اشتباه را تصحیح نمودند . کمیته مرکزی در جلسه تاریخی ۱ گست ۱۹۲۳ مشی تدارک عصیان مسلح را اتخاذ کرد ، نقشه طرز عمل و تکنیک عصیان هم تهیه شد و هم کمیته عالی نظامی انقلابی تحت رهبری حزب کمونیزم بلغاریا ، تشکیل شد . تلاش وسیع و راه تشکل مردم در جبهه وسیع واحد ضد فاشیستی مبدول گردید . گئورگی - دیمتروف ، در این مورد مساعی فراوان بخرج داد و مقالات متعدد برشته تحریر آورد که هنوز هم این مقالات اعتبار خود را از دست نداده است .

حزب کمو نیست بلغاریا قیام را بکمو فاشیستان اعلام کرد . حزب در جلب اتحادیه کشاورزان پرداخت و تاندازه موفق شد در سال ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳ حزب کمونیزم بلغاریا قیام را سازمان ، رهبری و آغاز کرد اما این قیام با خشونت و بیرحمی از طرف دشمن ، سرکوب شد ، حزب کمو نیست درسهای از قیام گرفت و از جمله ضعف امور نظامی ، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شد و تجارب و نتایج از آن بدست آمد . در آن وقت اتحاد بین کارگران و دهقانان تحکیم نیافته بود ، عملیات بصورت نا هم آهنگ صورت می گرفت ، کمبود اسلحه احساس می شد و تدارکات



گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

گردد ، از همان وقت ، ساحه فعالیت و مبارزه این قهرمان از مرزهای بلغاریا خارج شد و خاصیت جهانی یافت و بحیث یکی از رهبران برجسته کمترین ، معرفی گردید . هنگامیکه در سال ۱۹۲۳ بورژوازی بزرگ بلغاریا بکمو ارتش بکودتای فاشیستی دست زد و دولت ملی الکساندر اسلا بولیسکی ، رئیس اتحادیه کشاورزان بلغاریا را که از سال ۱۹۲۰ حکومت را در دست داشت ، واژگون ساخت . این دوران بلغاریا ، می تواند برای بسیاری از احزاب یک درس آموزنده و تجربه گرانمایه باشد . حزب کشاورزان بلغاریا که بسرگرد می اسلا بولیسکی قدرت را بدست گرفت ، فکر می کرد که بورژوازی ، سرکوب شده و بیماری آنتی کمونیزم اعضای آن حزب را همراه ساخته بود و برای سرکوب حزب کمونیزم بلغاریا چشم دوخته بود . از این میرودار ، بورژوازی استفاده نمود با تقویت نیروی های فاشیستی کودتای را براه انداخت و حکومت اسلا بولیسکی را سرنگون ساخت . در آن زمان سازمان نظامی نظم نیرو های انقلابی کمو نیست ها بدون استفاده باقی ماند و دلیل آن هم این بود که رهبری حزب دستور ببطرشی

نظامی و نا را می های کارگران را بصورت علمی مورد بررسی قرار داد و درس های گرانمایه کسب کرد و باشاره حزب خود به تشکیل زحمتکشان بلغاریا بدور اتحادیه های صنفی سرا سر بلغاریا ، مبادرت نمود و خودش در راس این اتحادیه مرکزی کارگران و زحمتکشان قرار گرفت . در سال ۱۹۲۰ که گنگره دوم کمترین ، گشایش می یافت ، دیمتروف به همراهی واسیل کولاروف و سایر رهبران انقلابی بلغاریا ، بصورت مخفی ، عازم کشور شوروی ها گردیدند اما در نزدیکی سواحل رومانیای کشتی آنان بوسیله مودظفین امنیتی آن کشور توقف یافت و سر نشینان کشتی به اتهام جاسوسی ، بزندانی انداخته شدند . اندکی بعد که خبر زندانی این مبارزان راه مردم بلغاریا به جهان پخش گردید ، بنابر نظامی و وسیع و پر دامنه مردم بلغاریا ، در اثر فشار افکار عمومی جهان و خلق رومانیای ، گئورگی با رفقای از زندان رهایی یافتند و از سرزمین رومانیای اخراج شدند .

گئورگی دیمتروف توانست در سومین گنگره کمترین ، اشتراک نماید ، در آن گنگره بصورت کمیته اجراییه کمترین انتخاب

جنگ جهانی دوم کمی به عقب بر می گردیم و تاریخ دهه دوم و سوم و چارم قرن بیست را بخصوص در مورد اروپا ورق می زنیم: پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۹) که طی آن آلمان و متحدین آن شکست خوردند فصل نوینی در تاریخ بشریت آغاز یافت. کنفرانس صلح پا ریس یکبار دیگر جهان را تقسیم نمود، این موضوع یعنی تقسیم مجدد جهان علت وهدف مهم امپریالیزم برای آغاز جنگ جهانی اول و دوم بود. سرزمین های تحت استعمار آلمان که اضافه از سه میلیون کیلو متر مساحت داشت بین کشورهای فاتح چون انگلستان، فرانسه، جاپان، بلجیم و دیگران تقسیم شد. این جنگ یعنی جنگ جهانی اول خسارات و تلفات زیادی ببارآورد و بحران جهانی سرمایه داری را عمیق تر ساخت و افقه بزرگ و دو رانساز دیگر که طی جنگ جهانی اول بوقوع پیوست همانا پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بود که در اکتوبر سال ۱۹۱۷ یعنی در پیروزی جنگ جهانی اول به پیروزی رسید و این پیروزی نخستین دو لیت زحمت کشان را در جهان بهمان آورد که این حادثه در پهلوی آنکه رهگشای آزادی کامل ز حمتکشان جهان است ضربه مهلکی بر پیکر امپریالیزم است و هم چنان رهگشای رهائی خلق های در بند استعمار نیز شد.

عقد معاهد صلح پاریس تضاد میان کشورهای امپریالیستی را وارد مرحله نوینی نمود. این تضاد بین فاتحین جنگ و مغلوب جنگ یعنی انگلستان، فرانسه، ایالات متحده و جاپان از یکطرف و آلمان از طرف دیگر را تشدید نمود. و لی طوریکه قبلا گفتیم انقلاب سو سیالیستی بهمان به دشمن شماره یک امپریالیزم سبب شد که تضاد میان کشورهای امپریالیستی به صورت مو قتی فرو کش کند.

حمله آلمان نازی او لین حمله کشور های امپریالیستی بر اتحاد شوروی نبود بلکه پس از پیروزی انقلاب بین سال ۱۹۱۸ و ۱۹۲۰ چهار ده دو لیت امپریالیستی که فرانسه، انگلستان، جاپان و آلمان در صف مقدم قرار داشتند بر کشور جوان شوراه



چند صحنه از نبرد دلیرانه سربازان شوروی بر فاشیسم

الف - میهن فدا

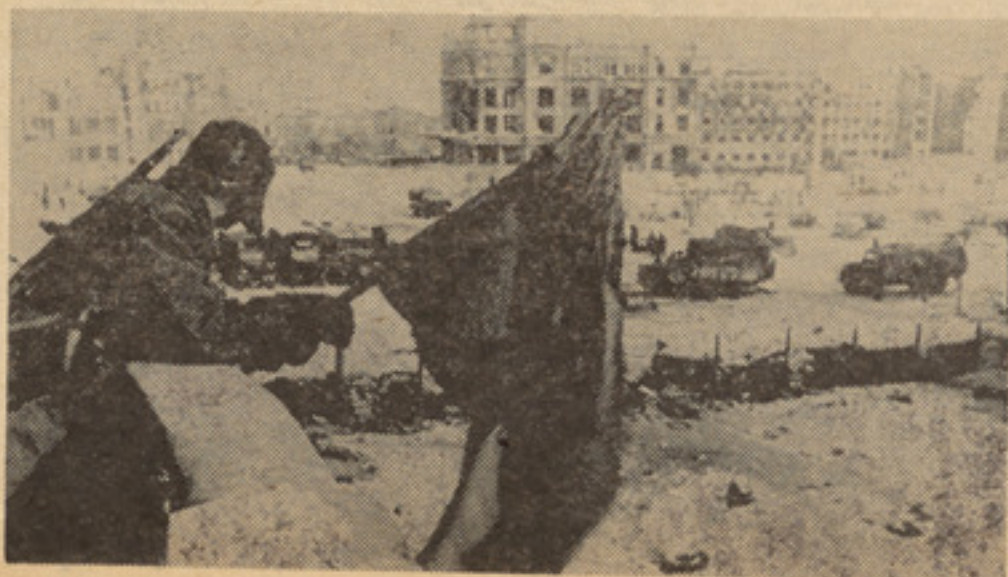
سی و هشتمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم!

زنده باد صلح، مرگ بر جنگ و جنگ افر و زان

آوانیکه نیرو های زمینی و هوایی و بحری آلمان هتلی تحت پلان ((باروس)) (نیرو های فاشیسم هتلی به هر کشوری تحت یک پلان حمله ور می شدند) بشکل ناجوانمردانه و بدون اطلاع و اعلان قبلی به سرزمین اکتوبر کبیر حمله ور شد همه محافل ارتجاعی بخصوص دستگاه های حاکمه کشور های امپریالیستی نزد خود چنین سنجیده بودند که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در زیر این ضربه ناگهانی قنارست کرده نمی تواند. ولی آنطوریکه تاریخ شهادت می دهد دو لیتی که پشتوانه

آن کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان باشد چون کوه پایداری و چون صخره استوار است و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به پایداری مردم وارد و ی قهرمان خویش توانست ازین امتحان مشکل و بزرگ سر فراز بدر آید.

فاشیسم که می توان آنرا فرزند خلف امپریالیزم خواند شکل دیگری از هیولای امپریالیزم است که با آتش زدن جنگ هولناک و ضد انسانی یعنی جنگ دوم جهانی بشریت را سو گوار و داغدار ساخت. برای آشنائی بهتر با چگونگی آغاز



صحنه ای از پیروزی سربازان اتحاد شوروی بر فاشیسم
ژولنون



زمانیکه بیرق شوروی به فراز یکی از عمارات دولتی برافراشته میشود .

حمله ور شدند . پلان آنها این بود تا نخستین کشور سوسیالیستی را خفه و نا بسود سازند و لی این پلان آنها به پا یمر دی مردم د لیر شو ر وی و تائید معنوی همه زحمتکشان جهان به نا گامی ا نجا مید . پس از آن در طی دهه سوم ا ساسات سوسیالیزم در اتحاد شوروی روز تا روز مستحکمتر گردید . ولی در مقابل ، امپریالیزم نیز با تلاش فراوان می کوشید تا کشور کسیر شورا ها را بهر وسیله ای که باشد از پا در آورد و لی چون باطل هرگز حق را مغلوب کرده نمی تواند امپریالیزم نیز نتوانست به هدف خود برسد . با وجود آن بهیم امپریالیزم آمریکا با کمک های زیاد به آلمان شکست خورده می خواست از بین کشور بر علیه اتحاد شوروی غیر مستقیم استفاده نماید . چون در پیر تو پیروزی انقلاب اکتوبر اتحاد شوروی روز تا روز قدرتمند می شد و مواضع صلح و سوسیالیزم بسوی سراسر جهان رو به تکامل و بسط بود ، امپریالیزم برای مقابله به آن به تقویت فاشیسم در آلمان پرداخت .

بتاریخ ۳۰ جنوری سال ۱۹۳۳ به کمک مستقیم ا نحصارات بزرگ داخلی و خارجی قدرت را در آلمان هتلری بدست گرفت و این چنین دوره سیاه و هولناک تاریخ آلمان و جهان آغاز گردید . از همان اولین روز های به قدرت رسیدن نازیسم در آلمان جوانه های جنگ طلبی و تجاوز کاری در سیاست آندولت هویدا بود تا آنکه به همکاری همتای خویش در ایتالیا (موسیو - لینی) ، هتلر به اسپانیا حمله ور شد و از آدم کش دیگری بنام فرانکو دفاع بعمل آورد . هکذا متحد و فادار آلمان نازی یعنی ایتالیا در سال ۱۹۳۵ به ایتوبی حمله ور شده آن کشور را تصرف نمود . در ماه اکتوبر ۱۹۳۶ اتحاد بین آلمان و ایتالیا بنام محور (روم و برلین) بمیان آمد و در ماه نوامبر همان سال جاپان نیز به آنها پیوست و محور (برلین ، روم ، توکیو) بمیان آمد . در سال ۱۹۳۸ از دوی آلمان آستریا را اشغال کرد . امپریالیزم جهانی درین گیر و دار متوجه عملی شدن نقشه اصلی خویش یعنی سوق فاشیسم و نازیسم برای حمله بر اتحاد شوروی بود . کشور های امپریالیستی غربی نه تنها علیه اعمال تجاوز کارانه دول محور اعتراض نمی کردند بلکه برای تقویت آلمان دل هایشان ذوق می زد ، غافل از اینکه این حیوان وحشی بعضی فاشیسم هتلری بر خیزد آنها را نیز گویا شمالی خواهد داد . به این معنی که تضاد میان کشور های امپریالیستی بر سر تقسیم جهان و هکذا تصاحب منابع مواد خام بشدت خود مو جود بود ولی همین کشور های امپریالیستی در یک جهت موضع گیری و هدف واحد داشتند و آن از بین

پرستان مدافع و نگین می ساخت . آلمان هتلری جهت حمله به خاک شوروی وسیعاً تدارک دیده بود . آوا نیکه حمله به شوروی را آغاز کرد دارای اردوی در حدود هفت و نیم میلیون نفر مجهز با مدرن ترین سلاح آنوقت را در اختیار داشت . این اردو توسط اضافه از پنج هزار و ششصد تانک و ده هزار طیاره تقویه می شد . بتاریخ ۲۲ جون دو صد لشکر یانچ و نیم میلیون نفر از این اردو با ۴۳۰۰ تانک و یکپهزار طیاره سرحدات اتحاد شوروی را عبور کردند متعین آلمان چون فنلند ، مجارستان ، رومانی و ایتالیا درین حمله آلمان را یاری می رسانید .

لطفاً ورق بزنید

وحشیانه صبح ۲۲ جون ۱۹۴۱ به دژ شکست ناپذیر صلح و سوسیالیزم یعنی اتحاد جماهیر شوروی حمله ور شد . خلق اتحاد شوروی در آن ایام مصروف ساختن سوسیالیزم بودند و لی در هر زمان آماده حراست از مرز های میهن سوسیالیستی خود نیز بودند و بسرعت برق آماده دفاع از میهن شدند و جنگ شدیدی در مرز های غربی اتحاد شوروی بین مهاجمین و خلق شوروی در راس اردوی قهرمان لینی آغاز گردید . دشمن که از سابلها آماج می گرفت بر کشور شوروی را گرفته بسود توانست در مراحل اول بصورت موقت به پیشروی در داخل خاک شوروی موفق شود ولی نباید فراموش کرد که درین پیشروی هر و چپ خاک اشغال شده را خون و طن-

بردن و از پا در آوردن کشور سوسیالیستی واحد جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی بود هتلر این فرزند سرکش و دیوانه امپریالیزم فکر سیادت بر جهان را داشت و به شکل هستریک به این کار دیوانه وار پرداخت و نقشه شرکای خود (ایالات متحده و انگلستان) را مبنی بر قلع و قمع اتحاد شوروی در قدم اول بر هم زد . ازین رو هتلر توانست در طی سه سال ۱۹۳۸-۱۹۴۱ بر ۱۴ کشور اردو پائی مسلط شود . آری شعله های تباہ کن جنگ سراسر اروپا را دربر گرفت . حملات هتلر به شکل برق آسا صورت می گرفت و کمتر مجال دفاع بحریف می داد .

آلمان هتلری با اتکاء به ماشین و سیع جنگی خویش بدون اعلان جنگ بشکسل



لبغند پیروزی در سیمای سربازان دیده میشود.



در آن روز های سخت سربازان شوروی بارشادت خاصی با فاشیست ها جنگیدند.

مثال در نبرد ماسکو هر روز مقدار زیادی مواد خوراکی، اسلحه و مهمات و سر باز توسط دها قطار آهن از آسیای میانه و قزاقستان و دیگر جمهوریت ها برای دفاع مرکز کشور شو را ها به ماسکو گسیل می شد. هکذا در نبرد ستا لینگراد صد ها وطن پرست از ملیت های مختلف با نشان دادن رشادت بی نظیر در راه دفاع از میهن سوسیالیستی خویش جان سپردند. اتحاد خلل ناپذیر میان اردو مردم ایجاد شد. که در نتیجه همه قوای مهاجم را به عقب نشینی و تسلیم وادار نمود و اندیشه های باطل هتلر و دوستان آشکار و پنهانش را که معجز اتحاد شوروی را حدس می زدند همه نقش بر آب ساخت چنانچه فرماندهی عمومی اردو آمریکا در ماه جولای سال ۱۹۴۱ (بقرار نوشته ویلیام شایر در کتاب رایش سوم) به مدیران مسئول روزنامه های آمریکائی اطلاع داد که دو یا سه هفته بیشتر به سقوط اتحاد شوروی نمانده است. لذا به گفته همین مولف گفته های انگلستان و آمریکا در مورد شکست شوروی عجولانه تر از هتلر بود، خلق شوروی در بر تو نظام عدل و داد سوسیالیستی علاوه از نشان دادن رشادت و دلیری و وطن پرستی، سچیه عالی انسانی را نیز خود تبارز دادند. نیروهای نازی پس از تسخیر سرزمینی علاوه از بدست گرفتن قدرت به انواع ظلم و جبر که قلم از یادآوری اش شرم دارد نیز دست می زدند ولی آوانیکه لشکر سرخ فاجعانه وارد برلین شد بجز مواردی که دشمن مقاومت لجوجانه می نمود همه رفتار و کردار دشمن انسانی و حتی غیر کینه توزانه بود. در ماه اکتوبر سال ۱۹۴۴ ارتش سرخ هتلی ها را کاملاً از سر زمین خویش بیرون راندند و حالت قبل از حمله آلمان (به استثنای ویرانی ها و تلفات) اعاده شد. از همین روز ما موریت بزرگ و انسانی دیگری را اردوی سرخ به عهده گرفت و آن نجات سرزمین های دیگر اشغالی از جنگال خونریز فاشیسم بود.

صبحگاهان روز اول ماه می ۱۹۴۵ اردوی فاتح شوروی بیرق سرخ را بر فراز رایشتاک (قصر صدارت آلمان) به اهتزاز در آورد و در نیمه شب هشتم ماه می آلمان نازی بلاقید و شرط تسلیم شد و صبح همان روز دیگر محاربه ای را که هتلر به منظور تسلط بر جهان و بخصوص قلع و قمع اتحاد شوروی سوسیالیستی آغاز کرده بود با خود کشی خودش و سقوط دولتش خاتمه پذیرفت.

جنگ جهانی دوم با آنکه در قدم اول پیروزی و قدرتمندی اردوی سوسیالیسم را بر اردوی امپریالیسم در عمل ثابت ساخت داغ های التیام ناپذیری در دل بشریت گذاشت. درینجا نظر گذرانی به تلفات مالی و جانی

ناشی از جنگ دوم جهانی و اتحاد شوروی می افکنیم خواننده محترم حدس زده می تواند که واقعا طاعونی بابه قدرت رسیدن هتلر و تحریک دیگر نیروهای امپریالیستی

آلمان در ظرف چهار سال بیست میلیون انسان خود را از دست داد یکپزار و هفتصد و ده شهر ویران شده بجا ماند. هفتاد هزار روستا در شوروی غارت و ویران شدش (۱۰۰۰) ایستگاه راه آهن و هفتاد یک

دارند باشور و شفق و فر ستادن نفرین های بی پایان بر جنگ افروزان نهم می این روز نجات بشریت از طاعون جنگ و فاشیزم را جشن بگیرند.

نباید ناگفته بگذریم که در شکست و قلع و قمع نازیسم و فاشیزم مردمان نقاط مختلف جهان بخصوص نیروهای چریکی سرزمین های اشغال شده و دیگر مو تلفین ضد فاشیستی سهم بزرگي ادا کرده اند. و لی سهم اتحاد شوروی درین نبرد ضد دشمنان بشریت قاطع و تعیین کننده بود.

ایشک که سی و شش سال از شکست نازیسم و فاشیزم سیری شده است سیاره ما یکبار دیگر با جنگ احتمالی که محرز و آتش افروز آن همانا همان امپریالیسم و فاشیزم عصر حاضر خواهد بود، تهدید می شود. مشاوران سیاسی امپریالیسم بدون اینکه پند های ناشی از نتایج جنگ جهانی دوم را در نظر گیرند، سخت در تلاش اند تا در نقاط مختلف جهان برخلاف

اراده خلق های آن مناطق، مناطق نفوذ برای خود تدارک بیند و باجا بجا ساختن انواع اسلحه منجمه سلاح گسترده ست. چندی به سر نوشت بشریت بازی می کنند. مثال زنده رو حیه جنگ طلبانه امپریالیسم در قدم اول تشکیل پیمان تجا و زکا را نه تاو (۴ اپریل ۱۹۴۹) می باشد. بشیرمانه تر اینکه منابع و محافل امپریالیستی در حالیه اعمال تحریک آمیز و تجاوز گانه را در نقاط مختلف گیتی مرتکب می شود اصطلاح بدون چسب و غیر حقیقی خطر شوروی را برای اعمال تجاوز کارانه خود رویوش قرار می دهند ولی آنایکه جر یا نسات سیاسی جهان را تعقیب می کنند بغوی می دانند که بر خلاف ادعای پوچ امپریالیسم این امپریالیسم ایالات متحده آمریکا است که بر خلاف اراده و خواست مردمان ساکن در منطقه خلیج فارس قوت های نظامی و به اصطلاح نیروی تمرکز سریع و غیره را در آن منطقه متمرکز می سازد و خلق های منطقه را مورد تهدید و تجاوز قرار می دهد. آری خطری که خلق های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را تهدید می کند خطر شوروی نیست ایجاد و توسعه پایگاه های نظامی و جا بجا کردن نیروهای نظامی انواع اسلحه در نقاط مختلف جهان است که از طرف امپریالیسم مدرن راس امپریالیسم جنگ فر اوز یا تکی صورت می گیرد. می باشد.

مردم صلح جو، حماسه آفرین و آزاده افغانستان در حالیکه سی و ششمین سالگرد پیروزی صلح را بر جنگ که به پایمردی اردوی قهرمان سرخ و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی به پیروزی رسیدگرمی می دارند. یکبار دیگر شعار می دهند که زنده باد صلح مردم بر جنگ.



اعمال خشونت آمیز و غیر انسانی فاشیست ها، بصورت گسترده و وسیع در سینما هم پیاده گردید.

شیوع یافته بود که طیب حاذقی چو ن سوسیالیسم و دژ تسخیر ناپذیر آن یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قادر به معاون بود خلق شوروی در نتیجه حمله میلیون خانه مسکونی با خاکیسان گشت چهل هزار شفا خانه و آسایشگاه و ایران گردید. هشتاد و چهار هزار مرکز تعلیم و تربیه اعم از مکتب و کو دکستان و پوهنتون

چهره واقعی زن در آینه تمام نمای اندیشه پرولتاری

...وبا گسیختن مرا حل ۱ و لین نظام اشتراکی ۱ و لیه و ۱ نقراض اقتصاد کو چك خا نوادگی ، آن مقامی را که ما در درفامیل داشت که بر حق شایسته مقام از جمندن بود بر رواق فرا موشی سپرده شد. مالکیت شخصی بنا بر پیشرفت وسایل تولید بمیان می آید ، که این مالکیت شخصی در قبضه مرد است . مرد را سالار می سازد و اداره امور منزل از شکل دسته جمعی آن کشیده شده و به يك مشغولیت خصوصی و كسل کننده برای زن مبدل می گردد . تا آنکه زن از پروسه اجتماعی تولید بدر زده می شود . این دیگر سر آغا زیست برای محرومیت کامل زن . با وجود آنکه گذار از مادر سالاری به پدر سالاری نتیجه رشد نیرو های مولده و انقلابی است بخاطر برقرار توازن میان مناسبات تولیدی با نیرو های مولده جامعه . ولی این خود شکستی است بس بزرگ برای زن . ف . ا نکلس درین باره چنین می نویسد که سرنگونی حقوق ما دری شکست تاریخی جهانی زن بود . شوهر زمام رهنمائی خانه را غصب کرد و زن از مقام پر افتخار خود محروم گردیده تحت اسارت و فرمانبرداری شوهر فقط و سیله و لادت گردید .

ساخت اقتصادی ، اجتماعی بردگی نیز بردگی در خانه را برای زن به ارمغان آورد ، چون او عملاً برده مردیست که خود اسیر دیگری بود . نظام فئودالی در اسارت زن گامهای فراخ تری بر میدارد و این نیمه پیکره جامعه را به « ضعیفه » ، « سیاه سر » که باید در پناه دیگری به زیست خود ادامه دهد تبدیل میکند و برای آنکه این کتله هر چه بیشتر در انقیاد مردان باشد ، « ایدئولوگ های فئودالی » محمل های ایدئولوژیک بیشتری می بافند

تا آنکه زن را به مالکیت خصوصی مرد تبدیل می کنند . بسر اساس « عقاید نظام » فئودالی زن موجودیست ناقص العقل ، نابخرد و ناتوان . اواز سرشت دیگریست ... و در نهایت او « موجودیست دارای گیسوان د را ز و عقل کوتاه » لذا او باید در انحصار مرد باشد . از مرد اطاعت کند .

اقتصاد کالایی نیز از او کالای دیگری ساخت . نظام سر ماینداری بوجود آنکه تا اندازه توانست زن را از چهار دیوار منزل بیرون کشد



یکی از زنان قهرمان اتحاد شو روی که در موارد مختلف به گرفتن مدال های متعدد موفق گردیده است .

ولی در عمل او را به مزدور بی مزد و کالای کم بهای مبدل نموده و از جانب دیگر باعث از هم پاشیدگی کانون خانواده گردید .

ایدئولوگ های بورژوازی (جهان سرمایمداری) فقط به همین دلیل که شاید زن جهان سر ماینداری همگام با مردان در پروسه تولید سهمیست است از برابری حقوق زنان با مردان دم می زنند . باید در اینجا د رنگ نمود تا بدانیم که این به اصطلاح « برابری » چه مصائبی را برای زن و خانواده به بار آورده و می آورد : اگر چه معلوم است که پیشرفت ساینس و تکنالوجی کار پر مشقت دستی را کاهش میدهد و نیروی انسان را ذخیره می کند . لذا باید طبیعتاً برای انسان خوش بشختی بیافریند ، ولی این پیشرفت تکنیک در جهان سر مایه خود مصیبتی است بس بزرگ برای انسان . چه با ایجاد ماشین آلات کار آسان تر میشود . کاری را که قبلاً (در صورت نبودن ماشین آلات) باید مردان انجامی کردند فعلاً (با ماشین) زنان و کودکان نیز می توانند به انجام برسانند . لذا سر مایندار بخاطر سود بیشتر زنان و کودکان را در فابریك جذب می کند . نتیجه این حضور در تولید آنست که زنان و کودکان با مزد بمراتب کمتری به کار استخدام می گردند تا معاشای را که قبلاً پدر فامیل می گرفت ، میان زن واطفالش تقسیم گردد و مرد از کار رانده شده و به اردوی بیکاران پا بگنارد . که از يك طرف نیروی کار زن و کودک با پرداخت مزد ناچیز به بی رحمانه ترین شکل استثمار می گردد ، در حالیکه آنها جمعا همان در آمدی را خواهند داشت که قبلاً برای یکی از اعضای همان فامیل (مرد) میسر بود و از جانب دیگر شرکت کودکان در کار پر مشقت و طویل المدت تولیدی که آنهم زیر انحصار ، انحصار گران قرار دارد باعث عدم رشد سالم و طبیعی اطفال می گردد که در نتیجه

افراد آینده جا معه را علیل و ناتوان بار می آورد . علاوه بر این شرکت بلاقید و شرط اطفال خورد سال و نوجوان (پسر و دختر) در تولید خود باعث از رشی عظیم اخلاقی در بین این لایه انسانی گردیده و سبب از هم پاشیدگی نظم خانوادگی می گردد . ازین جا مسلماً استنتاج است که : تکامل مالکیت خصوصی و کسب شدت تضاد های اجتماعی اگر چه باعث و رود تعدادی از زنان در جامعه طبقاتی و با لخصوص در جهان سرمایمداری به بازار کار می گردد ، ولی این حضور زنان در تولید هرگز معنای وارستگی زن را از اسارت ندارد بلکه در آخرین تحلیل معنایش افزون وزنه سنگین دیگری بر مصائب زن و وظایف اجتماعی او ست .

آری ! محرومیت زنان از آزادی و نابرابری حقوقی آنان زاده مغز مردها نیست ، (اگرچه اکثریت مردان جامعه طبقاتی همیشه رواناً خود را بالاتر از زنان می دانند) این مسئله شالوده نظام های طبقاتی است و ریشه اقتصادی دارد . بخاطر رفع این مسئله تنها حرف زدن از تساوی حقوق بر طبق قانون ، آنگو ر یکه ایدئولوگ ها و رهبران جوامع بورژوازی فریاد می کشند کافی نیست . اگر هزاران نسخه قانون ساخته شود و در آن به اصطلاح برابری حقوقی زنان با مردان تضمین گردد و میلیون ها منبع تبلیغاتی از آزادی زنان حرف بزنند . مادامیکه زن از عرصه تولید اجتماعی بدور است و اگر در تولید اجتماعی هم سهمیست ولی در خدمت سرمایه قرار دارد نمی تواند آزاد باشد . لذا بخاطر بر هم زدن موقعیت غیر انسانی زنان در جامعه و بخاطر برابری کامل ایشان باید ریشه

نابرابری ها را قطع کرد و به مالکیت خصوصی و حکومت سرمایه‌داری مبارزات پیگیر طبقاتی و پیروزی انقلابات عظیم اجتماعی با یان داد، که سهم زنان در انقلابات عظیم اجتماعی و پرو لتری از نقطه نظر ایدئولوژی دو ران ساز طبقه کارگر سهمی است بس عظیم و سترگ. ما ر کس پیش از حد بر این مسئله تاکید ورزیده که: «هر کسی که تا انداز به تاریخ آشنائی داشته باشد، همچنان می داند که دگر گونی های بزرگ اجتماعی بدون موجودیت زن، غیر ممکن است. ترقی اجتماعی بطور دقیق می تواند از رول اجتماع جنس لطیف تعیین شود».

استادان بزرگ بشریت و بنیان اندیشه پرو لتری تغییر جوامع کهنه و ایجاد جوامع نوین و انسانی را فور مول بندی کرده و راه رستگاری انسان را از چنگال اهریمنی استثمار به خوبی نشان دادند. که علت بزرگ پیروزی های پیم انقلابات پرو لتری و جنبش های دموکراتیک و رهایی بخش در سراسر جهان در یک قرن اخیر ره آورد تاریخی فور مول بندی های داهیانه رهنمایان و الامقام بشریت و بنیان گذاران ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر است. آنها نشان دادند که برای کسب آزادی، پرولتاریا و تمام زحمت کشان جهان باید به مبارزه انقلابی دست زنند و بانیروی خود جهان انسانی را بنا نهند. به همین منوال آنها به اثبات رسانیدند که آزادی زن نیز فقط با مبارزه خود آنان می تواند حاصل شود. رهبر پرو لتریای جهان در مورد گفته بود که:

«ما میگوئیم که نجات کارگران بایستی و وظیفه خود کارگران باشد. عینا همین طور نجات زنان کارگر نیز بایستی و وظیفه خود زنان کارگر باشد». این دو مسئله (مسئله آزادی زنان و مسئله نجات توده ها) با همدیگر در رابطه همیشگی و دیالکتیکی بوده، نفی یکی نفی دیگری و پیروزی هر یک پیروزی ایست برای دیگر. این بدین معناست که مبارزات زنان برای کسب حقوق شان هرگز نمی تواند جدا از مبارزات عمومی توده ها باشد، همزمان با آنکه پیروزی تحولات بزرگ

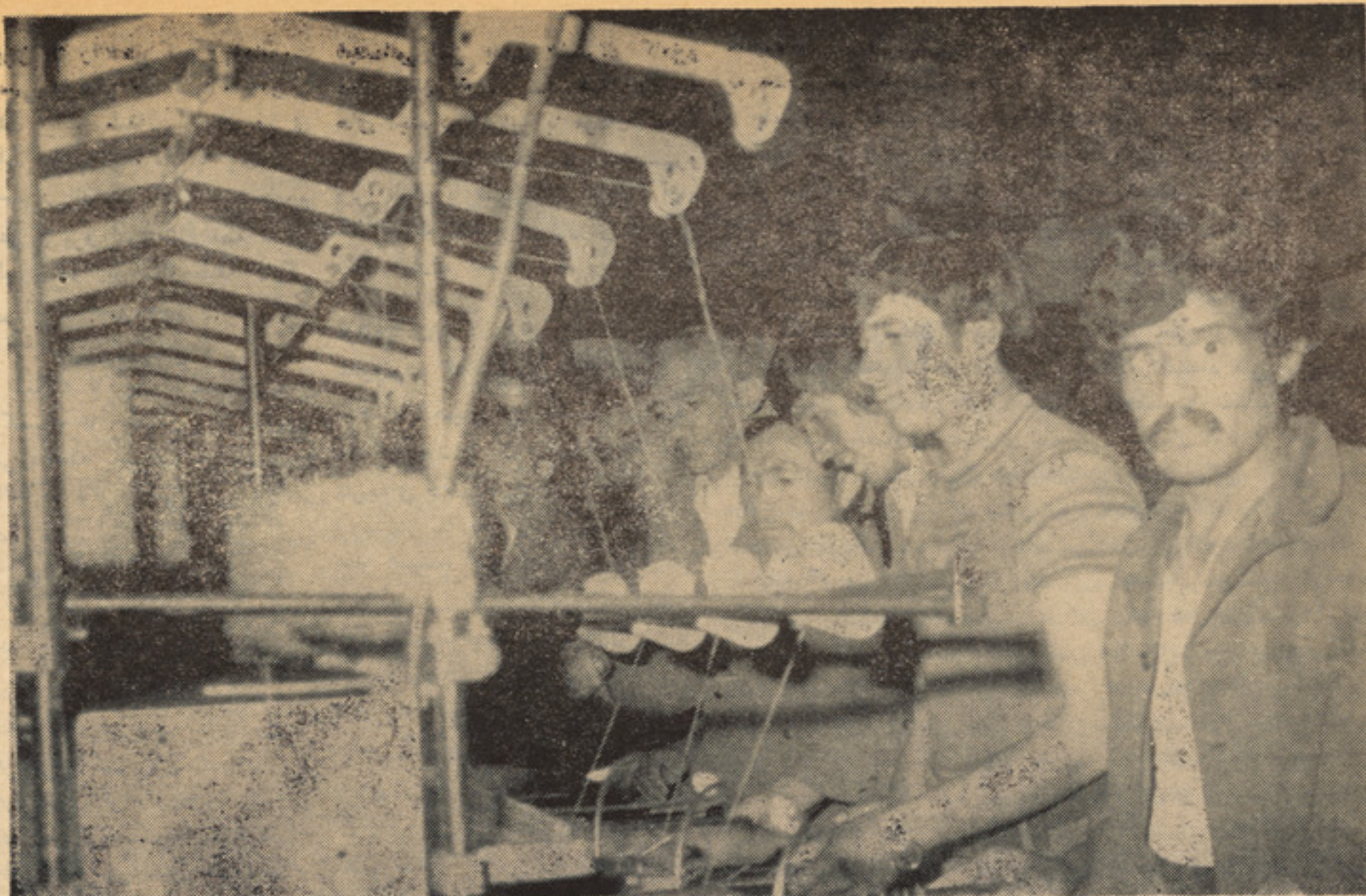
اجتماعی نیز بدون اشتراک کامل و فعال زنان که در تمام طبقات ولایه های اجتماعی برابر با مردان کمیت دارند ناممکن است. از پیرو «پرو لتری» نمی تواند خود را آزاد کند بدون آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه کند. هم چنانکه جنبش انقلابی زنان برای حصول آزادی شان بدون رابطه با جنبش عظیم توده که بخاطر پایان دادن اقتصاد می آیند نمی تواند. به استثمار و نابرابری های نتیجه ای داشته باشد. لذا زنان زحمتکش که به آزادی خود علاقه مند هستند قبل از هر چیز دیگر بر آنهاست که برای رهایی طبقه خود مبارزه کنند و مبارزات ایشان در جهت مبارزات عمومی سیاسی توده ها باشد، نه در مقابل آن. رهبر کارگران جهان درین مورد اشاره می کند که: «اگر کارگران انانک می خواهند دوره رنج ها و محنت هارا که مر تبط با عصر جنگ های امپریالیستی است کوتاه تر سازد، ضروریست که کوشش آنها برای صلح، به شورش و مبارزه بخاطر سو سیالیزم مبدل گردد. کارگر زن تنها از طریق جنبش انقلابی توده ها، تقویه و تشدید

مبارزه سو سیالیستی درین مبارزه به هدف خود میرسد». بایروزی انقلاب کبیر سو سیالیستی اکبر و بوجود آمدن کشور کبیر شورا ها برای اولین بار زنجیر های اسارت از بازوان انسان زحمت کش و بالاخص زن فرو می ریزد و زن برای اولین بار در جامعه پیشرفته مقام شایسته انسانی خود را بساز می یابد. بلشویک ها فقط در یک مدت بسیار کوتاه گام های ارزشمندی را در زمینه تساوی حقوق زنان بر می دارند که در جهان سرمایه داری در قرن ها و شاید هرگز ممکن نبود تمام قوانین اسارت بار طبقاتی گذشته که زن را تحت میز های بربریت قرار میداد منسوخ شد تا زن بتواند قامت خود را از زیر این بار سنگین بر دگی راست کند. این نیز کاملاً واضح است که اگر زنان را از محیط کسالت بار امور منزل و آشپز خانه دور نسازیم، تامین آزادی واقعی غیر ممکن است. حتی بنای یک جامعه دموکراتیک غیر ممکن است، چه رسد به سو سیالیزم. لذا بخاطر آنکه زن در زندگی نیز عملاً با مرد تساوی حقوق را داشته باشد باید او را از چهار دیوار خانه بیرون کشید و در اداره تولید، سیاسی و فرهنگی

جامعه سهم مساوی ساخت و از این طریق به وابستگی اقتصادی وی در مقابل مرد که عامل اصلی محرومیت زنان و قیمو میت مرد بر زن است پا یان بخشید. باید در نظر داشت که حضور زن در کار تولیدی در جامعه سو سیالیستی آن نیست که در جامعه سرمایه داری بوده درین جا زن در شرایطی به بازار کار وارد می شود که اقتصاد ملی و دسته جمعی بر جامعه مسلط است و در آن از استثمار فرد از فرد سراغی نیست و بدین طریق او می تواند مساوی با مرد باشد و موقفی چون موقعیت مرد را در جامعه اشغال می نماید. اندیشه سو سیالیزم علمی بدین هم اکتفا نمی ورزد، زیرا معلوم است، با آنکه زن و مرد در تولید اجتماعی و رهبری اجتماعی مشترکند و تفاوت قابل ملاحظه میان آنان نیست. ولی با آنهم ناگزیر باید فرقی میان وظایف مرد و زن قایل شود. چون زن علاوه بر آنکه در تولید سو سیالیستی همگام با مرد است، وظیفه دیگری رانیز بدوش دارد که آن وظیفه مادری او و امور کسل کننده خانگی است. البته درینجا تفاوت های جسمانی و فزیولوژیکی زن با مرد نیز عواملی

بقیه در صفحه ۲۹





فوتوی فوق نمایانگر کار پرثمر و خستگی ناپذیر کارگران زحمتکش فابریکه پشمینه بافی می باشد .

پیوسته بگذشته

کارگران جهان روز اول می را باشکوه نمیدی

خاصی تجلیل می نمایند



محمد علی باشی عمومی افغان ترکانی تصدی

گران زحمتکش کشور ما سواد و دانش کسب نمایند و شعور سیاسی خویش را بالا ببرند، حتی دولت انقلابی ما در پرتو پیروزی مرحله جدید و تکاملی انقلاب آزادی بخش نور زمینه سفر کارگران رادر ردیف سایر ماموران و دانشجویان کشور به کشور های دوست غرض

هم به سر کار نمی فهمید، کارگرچنان حساس می کند که واقعا هم ما اشخاص تنبل و بیکاره یی هستیم که کار روزانه ما قناعت آمرین را فراهم نمی سازد و این شیوه در دوران قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند تورد در همه کار خانجات و دستگاه های کارگری کشور مابه مشاهده می رسید کارگران برای آنکه به حقوق حقه خویش و فریب کاری های کار فرمایان مستبد پی نبرند از نگاه روانی و ذهنی سخت کوبیده میشدند و بجای تشویق تهدید میشدند و در بدل کار زیاد ثمره کمی بدست می آوردند ولی با پیروزی انقلاب آزادی بخش تور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در این وضع تغییر قابل ملاحظه یی بمیان آمد و حزب و دولت انقلابی مابه امر تشویق و کمک مادی و معنوی کارگران دورانساز کشور توجه جدی مبذول می دارد ، دولت علاوه برآنکه معاش کارگران رابه پیمانه وسیعی افزایش بخشیده است زمینه کسب سواد را نیز برای کارگران کشور روز به روز مساعد تر میگرداند تا کار-

جواب می گوید :

فقط تشویق کار فرمایان است که می تواند علاقه و دلچسپی کارگران را بکار ایشان زیاد سازد و باعث ازدیاد تولیدات آنها گردد . این تشویق ها در چوکات مسایل مادی محصور نمی ماند بلکه تشویق و ترغیب کارگران از نظر روانی نیز در خور اهمیت به سزایی است ، بطور مثال اگر یکتن از آمرین شعبات بر سر کار ما کارگران قدم رنجه فرماید و بگوید «آفرین امروز کار ها همه سر به راه است و بخوبی پیش می رود ، کوشش کنید تا نسبت به دیروز کار زیادی انجام بدهید» این چنین کلمات و جملات خالی از مفاد نبوده بر روحیه کارگران تاثیرات زیادی وارد می کند و واقعا هم باعث آن می شود تا امروز نسبت به دیروز کار زیادی انجام پذیرد ، ولی بر عکس اگر گفته شود «شما کارگران نالایقی هستید که با وجود آنکه هرکدام شما سالیان زیادی رادر این کار سپری نموده اید هنوز

محمد علی باشی عمومی افغان ترکانی تصدی، مردی است کهن سال که بقول خودش فارغ التحصیل رشته نجاری مکتب صنایع می باشد و از مدت نزده سال بدین سودر خدمت هموطنان خود قرار دارد .

می پرسم : اولاد داری ؟

میگوید : اعضای فامیلم رابه شمول خودم سیزده نفر تشکیل می دهد یعنی به استثنای خودم و خانم یازده اولاد دارم .

میگویم : فعلا درجه چند هستید و معاش شما چند است ؟

جواب می دهد : فعلا درجه اول می باشم و مبلغ چار هزار و دو صدو پنجاه افغانی معاش دارم و اکنون که به اثر توجهات نیک دولت انقلابی مادر معاشات کارگران و اجیران دولت افزایشی بعمل آمده است نمیدانم در معاش من چقدر افزود شده است .

ازوی می پرسم که از نظر شما چه چیز باعث علاقه یکتفر کارگر در کار او می گردد دفعتا

اتحاد طبقه کارگرو تمام زحمتکشان افغانستان شرط ضروری برای
پيروزی نهائی انقلاب تورو مرحله نوین آن است .

• • •

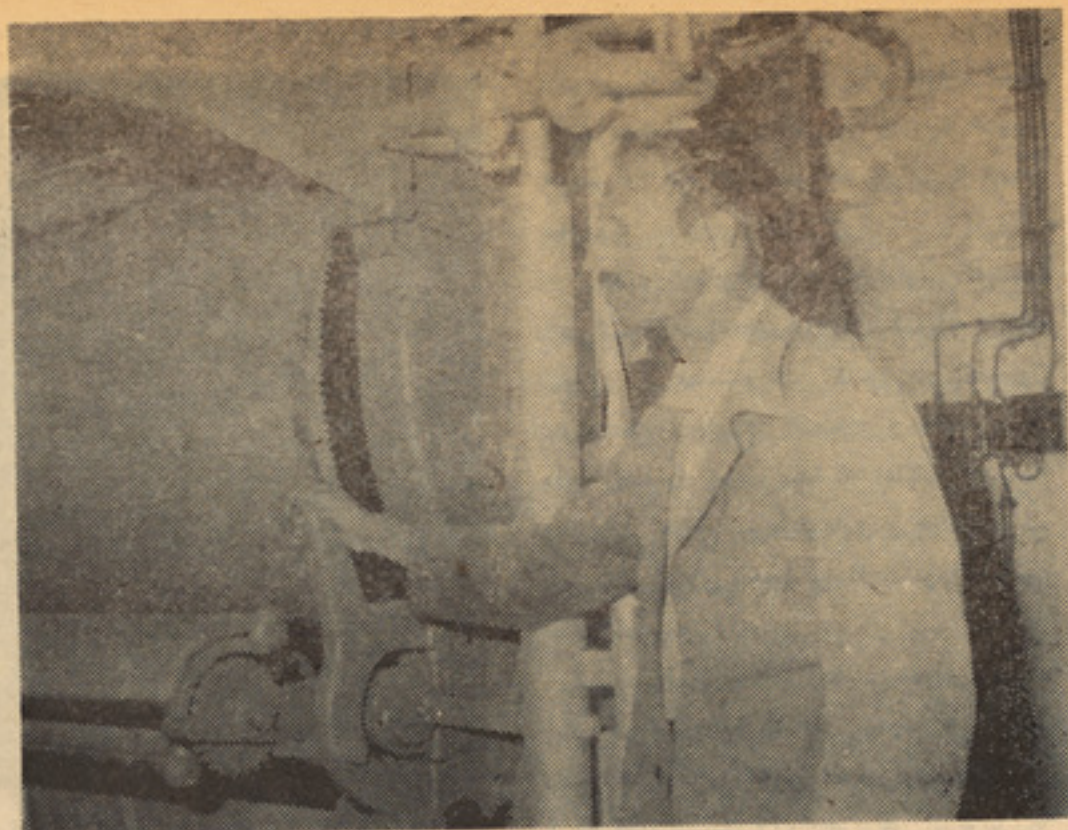
مرگ بر ۱ مپریالیزم ۱ مریکا این دشمن کارگران و خلقهای زحمتکش
جهان.

• • •

کارگران میهن ! صفوف تانرا بخاطر اعمار جامعه نوین فشرده تر
سازید .

• • •

فرخنده باد جشن اولمی .
جشن همبستگی بین ۱ لمللی کارگران .



محمد ولی باشی شعبه فنشنگ .

افغانستان آزاد سر بلند و انقلابی که ما برای
تحقق آن کارو پیکار می نمائیم .
نوروز علی کارگر شعبه بافت فابریکه
پشمینه بافی که از مدت دوازده سال بدین
طرف در این فابریکه کار می کند بعد از آنکه
حلول جشن همبستگی بین المللی کارگران
جهان رابه کارگران کشور و گیتی تبریک
می گوید، می افزاید :

این روز مهمل وحدت و یکپارچگی کارگران
در برابر وحدت جهان سرمایه داری می باشد
و این روز روز تجدید و تحکیم اخوت و
یک پارچگی کارگران زحمتکش کشورهای جهان
است ، چه در همین روز بود که کارگران
بزرگترین شکستی رابه جهان سرمایه داری
وارد آورده حقوق خویش را بدست آوردند .

و آمرین حس تفاهم ایجاد نماید تادر فضای
پراز اعتماد و دوستی کارگران ما بتوانند کار
های محوله را بخوبی دنبال نمایند و از آن
نتایج خوبی بیار آورند .

او میگوید رویه آمرین مادر مقابل کارگران
فوق اعاده خوب است و ما هم از رهنمائی های
آن هادر کار روزمره خویش استفاده اعظمی
بعمل می آوریم، امیدواریم ما همه ماموران ،
کارگران ، دهقانان ، پیشه وران و سایر
زحمتکشان افغانستان به امر اعمار جامعه
عادلانه نوین فاقد استثمار فرد از فرد بزودی
نایل آمده همه نابرابری هارا از دامان مطهر
جامعه محبوب خود دورسازیم .

این است آرمان مشترک همه زحمتکشان

مبلغ ۵۲۲ - افغانی افزایش به عمل آمده
است .

محمدولی درمورد پیش آمده و آمیزش آمرین
مربوط بعد از پیروزی انقلاب بر گشت ناپذیر
تور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در
مقابل کارگران چنین میگوید :

چون دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان
نماینده راستین ما کارگران و زحمتکشان
کشور بوده به خواست و اراده ما بمیان آمده
است کوشش بخرج می دهد تا میان همه کارگران

فرا گرفتن درس و تعلیم مساعد گردانیده است
که این امر در ذات خود قدم بزرگی است که
در جهت انکشاف ذهنیت کارگران زحمتکش
کشور بر داشته شده است .

وی می افزاید : ما هرگز از این اقدامات
ارزشمند حزب پیش آ هنگ خویش و دولت
ملی و مترقی مان چشم پوشی نموده نمیتوانیم
بلکه ما به حزب و دولت مردمی خود وعده می دهیم
که تا پای جان در تحت رهبری حزب و دولت
انقلابی خویش در راه آبادی و شکوفائی میهن
محبوب و دوست داشتنی مان افغانستان آزاد
و انقلابی در سنگر کار و پیکار قرار خواهیم

داشت تا به کمک هم بتوانیم اهداف و آرمان
های والای حزب دموکراتیک خلق افغانستان
را که در واقعیت امر اهداف کلیه زحمتکشان
کشور اعم از کارگران ، دهقانان ، ماموران ،
پیشه وران و سایر اقشار و طبقات زحمت کش
کشور را تشکیل می دهد در ساحة عمل پیاده
سازیم ما بدین قول خویش تا آخرین رمق
حیات پایدار و ثابت قدم خواهیم بود .

• • •

حال بر فابریکه دیگر تولیدی کشور یعنی
فابریکه پشمینه بافی می رویم و با چند تن از
کارگران این فابریکه نیز سر صحبت
می گشائیم .

محمد ولی باشی شعبه فنشنگ مربوط
مدیریت رنگ آمیزی که از مدت چهارده سال
بدین سو در این فابریکه کار می کند و درکار
خود نیز مهارت زیادی نشان می دهد بیاسخ
سوالی میگوید :

فعلا یحیث یک کارگر درجه پنج ایفای
وظیفه می نمایم و مبلغ دو هزار و شش صد
افغانی معاش دارم قبل از افزودی معاشات
معاش ما هانه را مبلغ دوهزار و هشتاد و هفت افغانی
تشکیل می داد که بدین ترتیب بادر نظر
داشت افزودی آخر در معاش ما هانه من



نوروز علی کارگر شعبه بافت .

مایوسی که نجات شان را از آن دشوار می یابند غوطه ور اند و نمی توانند مسا عی خویش را طور لازم متوجه عمران جا معه نمایند .

داکتر اید وارد بابا یان رئیس کمیته دائمی کنترل ادویه مخدره وزارت صحت عامه اتحاد شوروی و نماینده این کشور در کمیسیون ادویه مخدره شورای اقتصادی و اجتماع عی ملل متحد در زمینه مسا له اعتیاد بادویه مخدره در جوامع سرمایه داری و جوامع سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی چنین گفته است :

طی سال های اخیر اعتیاد بادویه مخدره بیش از پیش بحیث يك پرابلم حاد در کشور های غربی عرض اندام نموده است . در حالیکه در گذشته (۲۰۰) هزار نفر در غرب به هیروئین معتاد بود اکنون بر معنادان این ادویه در غرب طور قابل ملاحظه افزایش بعمل آمده است . گر چه در غرب تا حدودی در سطح ملی و بین المللی علیه تعمیم استعمال ادویه مخدره مبارزه می شود معیذا میتوان گفت که تدابیری که در زمینه در غرب اتخاذ می شود صرف به منظور فرونشاندن مظاهر اعتیاد بادویه مخدره است نه برای امحا ی علل ریشه یی آن که در شرایط اجتماع عی نهفته میباشد . علل اعتیاد بادویه مخدره در جامعه سرمایه داری عبارت اند از بیکاری عدم امنیت و مصو و نیت ، تعمیق بحران اقتصادی و رشد انفلاسیون که بیش از هر طبقه بر روح و فکر جوانان این کشور ها تاثیر ات سو و ناگواری بجا می گذارد . مساله بیکاری در جوامع سرمایه داری به قدری حاد است که حتی بسا از فارغ التحصیلان مؤسسات تعلیمات عالی قادر نیستند که کار پیدا کنند و یا اگر به مشکل مؤلف بدریا فت شغل و کارگردند تضمینی برای دوام طولانی آن موجود نیست . و همچنان از عدم دسترسی به تسهیلات لازمه تعلیمی و صحتی درین کشور ها رنج میبرند . در حالیکه در جوامع سوسیالیستی طور مثال اتحاد شوروی مساله شغل به خوبی حل شده و حق داشتن کار به حیث يك حق طبیعی برای اتباع این کشور تضمین گردیده و در عمل فرصت های گوناگونی افراد جهت اشتغال در امور مختلف تو لید اجتماعی درین کشور موجود است .

در عین حال يك تعداد زیاد افراد در جوامع غربی با آنکه مربوط به طبقه رفاه است معتاد بادویه مخدره اند که بدون شك می توان علت این امر را در ترکیب و ساختمان اجتماعی جوامع سرمایه داری و ارزش هایی دانست که بر آن ها تاکید دارد باید ازعان کرد که در جوامع غربی برای منحرف گردانیدن توجه از علل اجتماع عی اعتیاد بادویه مخدره ، عوامل بیولوژیکی رادر زمینه دخیل میدانند و بطور مثال



اقتصاد کشور های سرمایه داری غربی طور روز افزون به بحران عمیق مواجه میشود . ازدیاد بیکاری که علت آن روی آوردن به ادویه مخدره می باشد درین جوامع محسوس است . این گروه عظیم دختران روز هارا بانتظار یافتن کار سپری می کنند و از بیکاری رنج میبرند .

ترجمه : ر . ی

نویسنده داکتر بابایان

اعتیاد به ادویه مخدره بحیث يك سرطان اجتماعی

بیکاری ، عدم مصو و نیت و بحرانات اقتصادی عوامل اصلی اعتیاد بادویه خطرناك در ملل سرمایه داری غربی است .

در جوامع سوسیالیستی علل واقعی اعتیاد بادویه مخدره از بین رده شده است .

یکی از مسایل حادیکه حیات بشر را در وائری او را در جهت غیر تو لیدی و غیر همنو نی مورد تهدید قرار داده ، مشر سوق میدهد عبارت از اعتیاد بادویه

ادویه است تا چه از راه قانونی و چه از طریق غیرقانونی دوام داشته طور فوق العاده برای قاچاق بران پر منفعت باشد. تحقیقات نشان داده است که در ایالتیالبریتانیا و بعضی کشورهای دیگر ادویه مخدره خفیف برای معتادان فراهم شده است و این یک روش جدیدی نمی باشد چه از سالیان متمادی چنین عقیده موجود بوده است که یک از طرق اساسی معالجه دادن یک مقدار کم ادویه مخدره بر مریضان است. کذا مساعی برای جایگزین ساختن سایر ادویه طبی به جای ادویه مخدره به معتادین به عمل آمده است. باین معنی که برای ترک اعتیاد یک دوری مخدره به مریض نوع دیگر دوا را می دهند که تأثیرات مشابه بر ارگانیزم جسمی و ذهنی فرد بجا می گذارد و لی مطالعه و تجربه چندین ساله در قسمت جایگزینی گردانیدن ادویه مخدره با سایر انواع ادویه که تاحال تحت کنترل در نیا مده، باید گفت که ما هیت همچو تدابیر بعضا منجر بامحای سریع معتاد و مرگ وی میگردد در واقع این یک طریق مبارزه علیه ادویه مخدره و یا یکنوع معالجه نی بلکه یک سازش بین طبیب و بیمار معتاد بادویه مخدره است که بعضا به قیمت صحت و حتی حیات اخیر الذکر تمام می شود.

به عقیده دکتر بابایان، منع و یا ترک کامل ادویه مخدره گر چه امر نسبتا مشکلی است به آنها اساسی ترین طریقه در زمینه محسوب میگردد زیرا هدف از آن حفاظت صحت افراد است چه اعتیاد بادویه مخدره یک مرض است که باید مانند یک مرض با آن طور منظم معامله شود چنانکه در اتحاد شوروی این کار صورت میگردد.

در اتحاد شوروی تعداد کسانیکه به اعتیاد ادویه مخدره مبت شده و تحت معالجه است رو به کاهش میباشد چنانچه در سال ۱۹۷۹ قریب ۲۷۰۰ معتاد ادویه مخدره درین کشور موجود بود و این رقم در سال ۱۹۷۸ بالغ بر (۳۰۰۰) معتاد بود. باید گفت که معتادین ادویه مخدره مخصوصا استعمال کنندگان مورفین و کودین، ادویه مذکور را بهیئت تخفیف دهنده درد تصور می کنند در حالیکه ادویه مذکور قادر نیست که طور دایمی ایجاد تسکین کنند و اثرات سوء بر ذهن و تعادل جسمی معتاد به جای میگذارد.

در اتحاد شوروی هسته و مواد اولیه تولید ادویه مخدره از بین برده شده و معتادین محدود گوناگین درین کشور مربوط به دوره های گذشته قبل از انقلاب کبیر اکتوبر است. در اتحاد شوروی مبارزه علیه ادویه مخدره و جلوگیری از گسترش آن بر اساس توجه بردیسه و علل کسب اعتیاد و روی آوردن

بقیه در صفحه ۴۱



ماری جوانا را با سایر انواع ادویه مخدره ترکیب و استعمال کنند. سو استفاده از مخلوط و ترکیب نمودن ادویه مخدره در امریکا متداول شده و کمتر ضرر ناک

گفته میشود که در غرب بعضی مردم یک نوع تمایل در مورد استعمال ادویه مخدره نشان میدهند.

البته این ریشه مساله نیست چه اعتیاد روز افزون بادویه مخدره در غرب عمدا زایده یک بحران عمومی عمیق است که گر بیا نگیر جهان سرمایه داری گردیده است. از همه خراب تر اینکه مقامات مربوط درین کشورها ترجیح میدهند که از مقاومت کمتر در زمینه مقابله با تعمیم ادویه مخدره کار گیرند و حتی در صدد قانونی گردانیدن استعمال ادویه (بهیئت یک راه حل افتاده اند، مقامات مذکور مدعی اند که ادویه مخدره بی چون ماری جوانا، چرس و غیره کدام ضرر جدی را بار نمی آورد. چنانچه جیمی کارتر رئیس جمهور سابق امریکا در اگست (۱۹۷۷) طی نطقی در کانگرس امریکا گفت:

تصور می شود.

در سال ۱۹۷۸ (۲۱۳۴۰۰) نفر از معتادین ادویه مخدره تحت معالجات مؤسسات فیدرال امریکا قرار داشت که از جمله آن ها ۹۶۹۶۹ نفر یا قریب (۴۵) فیصد را معتادین هیروئین کشنده ترین ادویه مخدره تشکیل میداد.

البته این تصویر کامل حقایق نیست چه همه معتادان با آنکه مؤسسات صحتی توسط ادارات غیر فیدرالی اداره می شود درصدد معالجه شان نمی باشد.

در سایر کشورهای اروپای غربی نیز وضع کم و بیش مثل امریکا است طور مثال در جمهوری اتحادی آلمان بیش از (۸۰۰۰۰۰) معتاد ادویه مخدره موجود است. نتیجتا تخمین در ۱۹۷۹ (۵۰۴) تن از ادویه مخدره در جمهوری فیدرال آلمان مصرف شد

ماری جوانا یک مساله ضد و نقیض باقی خواهد بود، زیرا بعد از چهار دهه، مساعی برای عدم تشویق استعمال آن از طریق قوانین جدی تاکنون موفق آمیز نبوده است. بیش از (۴۵) میلیون امریکایی در حیات شان به استعمال ماری جوانا مبادرت ورزیده و قریب (۱۱) میلیون دیگر طور منظم آنرا استعمال می کنند. من قوانین را حمایت میکنم که قانون فیدرال مبنی بر تعیین مجازات جنایی فردا لی در مقابل داشتن الی یک اونس ماری جوانا را ترمیم کند و این مجازات را از بین ببرد.

بناء تعجب آور نیست که تسلیمی

مقامات امریکایی در مقابل فشار برای تعمیم ادویه مخدره و کمتر شدن کنترل آن به استعمال حتی بیشتر ماری جوانا و تعمیم آن در امریکا انجا میده است. خطر بزرگتر از اینجا بر می خیزد که معتادین میخواهند



در اتحاد شوروی علل واقعی اعتیاد بادویه مخدره که عبارت از بیکاری، غربت و ولگردی است از میان رفته است. جوانان با اطمینان از آینده در امور تولیدی خدمت میکنند و در بهبود جامعه شان می اندیشند.

در حالیکه پو لیس این کشور صرف قادر به ضبط ۲۰۷ کیلو گرام ادویه مخدره گردید.

تأثیرات سوء ادویه مخدره «کنا بیس» و مشتقات آن از قبیل چرس بر همگان روشن است. در اکتوبر (۱۹۷۰) اسا مبله عمو می ملل متحد و انتر پول (یک سازمان پولیس بین المللی جنایی) با اتفاق آراء فیصله نامه رابه تصویب رسانید که به حکومت در مورد قانونی گردانیدن احتمالی کنا بیس اخطار میداد. در عین حال قاچاق بران و صادر کنندگان کنا بین و تولید کنندگان چرس در (۱۹) کشور سرمایه داری غربی لابراتوار های فعال داشته که مصروف کاراند در جمهوری فیدرالی آلمان جامعه یسی تاسیس شده که خواهان قانونی گردانیدن کامل چرس میباشد.

برای واضح گردانیدن انگیزه همچو فعالیت ها باید گفت که این جریان ترافیکی

ناتالیایا بیدو خوشه تیکو ااکتریس زیبای هنرمند محبوب سینمای هند شوروی

جیتندر اکتور معروف سینمای هند که
فلم های خوب او را بیاد داریم درین اواخر
فعالیت های سینمایی اش را کاهش داده تا
زیادتر به امور شخصی خود بپردازد یکراز
فلم های خوب وی را که بمناسبت و بساک
در تلویزیون به نشر سپرد. پریتما است
نتوستگه نقش مقابل وی را خیلی ماهرانه
بازی کرده است.

سناریوی فلم روی پرابلم های زن و شوهر
استوار است که گذشت کانون خانواده را از
بربادی نجات میدهد.



جیتندر اکتور معروف سینمای هند



انستیتوت سینما را تمام کرده و در فلم های ((در نزدیک بند)) ،
((شاعر بیت بخوان)) ، «امید» «بحر» ، «سرخ و سیاه» ، افسانه
تیل ((خیلی مو فغانه در خشید و پرند» جایزه دو لتی شناخته
شده است.

سنا دگان

افسانه

ساز

کمال ناصر دوست



جوانی خیلی صمیمی و
با استعداد است. من کنسرتی را
بیا د دارم در زینب نداری که تماشاچی خیلی
کم بود اما وقتی که این خواننده جوان ظاهر شد
و بارچه های خود را خواند خیلی مورد توجه
واقع گردید ، آواز رسا و گیرا دارد اگر این
جوان زیاد تر تشویق شود و بارچه های جدید
ثبت نماید استعداد وی روز بروز شگوفان تر
خواهد شد . اما کمال ناصر باید با پشتکار
خستگی ناپذیر مصروف شود و جدیت بخرج
دهد از همه مهمتر زود مغرور نگردد با شهرت
دست داشته قانع نباشد افق هنری اتبهاست.

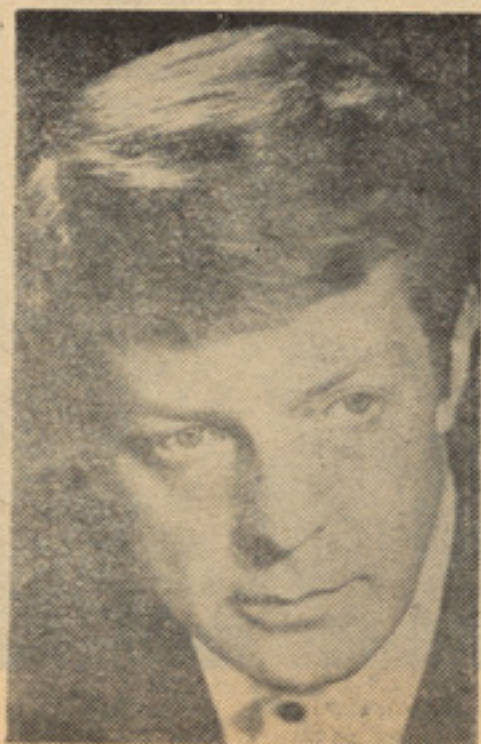
کمال ناصر

هنرمند جوان او لک ستر شرینوف

اولک ستر شرینوف اکتور معروف سینما و تیاتر
اتحاد شوروی آموزشگاه هنری بنام «شوگین»
را تمام کرده است .
در تیاتر هنری مسکو بنام «گورکی» ایفای
و فلیفه می نماید و در نمایشنامه «چایکا» «سه خواهر»
خوب می در خشد .

در فلم های «خرمگس» ، «مکسیکوئی» چهل
یکم «مسافر» فلم مشترک هند و اتحاد شوروی
دختر کیتان «زندگی در دست توست» شب های
سفید» داستان شمال «هاتکه قره» «دویل»
(ترسو) سه خواهر، جوان سوم او را برود صدا
میکردند.

«الوداع» در فلم ماموریت در «کابل»
«زمین تا ملاقات» خیلی ماهرانه تبارز نموده است.



نبرد آزادی

شعر - د((سنگر))

لیونی مینه

نه می شته پر وا له رسو ا توب اوله چو غل خڅه
 ماد پتی مینی خنځیرو نه تسو لشلولی دی
 زه خو - له زندی او له مرگی خڅه داریږم نه
 ماهره شیبه دمر گت یا لو نو کی خا نکلی دی
 اورڅه - سو خیدل څه ور نه سر نه غږ و مه زه
 ما دبیلتا نه او رونه وار په وارلید لی دی
 ما چی زړه ور کړی دی د یسار سپیڅلی مینی ته
 هر څه چی راځی راځی دی مایه خان منلی دی .
 نه غواړم شراب ساقی اړتیاور ته هیڅ نه لرم
 ما پیا لو د شو ندو کی د مینی شراب چینی دی
 زه سر تیر دمیڼی - کار می مینه تل به مینه وی
 ما هر یو ر قیب ته دا په جار اوجار و یلی دی
 زه د عشق مور چل کی نا ستیم وینم باک می نشته دی
 څه که رقیبان می په لو تماریسی را غلی دی
 خم په وړاندی څمه دا تکل او دا می هو د دی هو د
 نه می شته پروا چی د تلو لاری بی نیو لی دی
 زه دخپلی مینی ننګ او هو د پوره کیدل غواړم
 ځکه می د لی دلی اورو نو ته دنکلی دی
 نه لرم هیڅ نه لرم . دهیڅ خیزر وا نه لرم
 ما دین او دنیا د عشق جوا ریوکی با یللی دی
 په مینی زما مینی ژوندی اورو نی او س
 ما خپله خوا نی او ژوند تو لستا لاره کی بنیښد لی دی .

دجنگاښ ۱۳۵۴ کال - کندهار



بزم ناز

به نوک سینه سیمین فگنده عقد گهر
 عروس شاخه زرین به بزم ناز بهار
 شراب نرگسی و موج شگوفه عطر نسیم
 ز کفر بوده دل و از دلمر بوده قرار

یک صبحگاه که نور فروزان آفتاب
 بر قله های
 شامخ این روم و بر نبود .
 نسیم سرد
 لرزه بر اندام می فکند
 از روشنی
 به هیچ کناری اثر نبود
 آنسوی دشت
 یعنی میان گراوه ها
 رزم آ و ران
 فشرده بدا مان کپسار
 صف بسته بی شمار
 هنگامه ها به پا
 فریاد و نعره ها
 به چه چه محشر است
 دنیای دیگر است
 توفان خشم و کین
 مردم فروتر است
 در دشت بیگران
 شور دلاوران
 اینجا دگر
 صحنه بیکار روزگار
 مردان زندگی
 آمد به کارزار
 تا درد حق
 بدشمن بیدادگر دهد

شور نوین
 به بیکر این روم و بر نهد
 دشمن
 اگر چه حيله و نیرنگ می نمود .
 چال و فریب و تو طنه رنگ رنگ مینمود
 اما
 دلاوران
 زیر شعار و حدت و تصمیم پایه جا
 در پر تو یگانگی ایمان با صفا
 تا آخرین نبرد
 بیکار می نمود
 بیکار زندگی
 آری
 اگر قوت دشمن جهان بود
 هر چند اگر دلیلی وفوی قهرمان بود
 اما
 به پیش همت مردان خود گذر
 دانی که چیست ؟
 نیروی بی اثر
 در آخرین نبرد
 دشمن فرار کرد
 تاریخ شاهد است
 تاریخ زندگانی
 مردان قهرمان
 بانام جا ویدان
 اینست که ما زندگی
 آزاد میکنیم

از کشتگان راه نبرد یاد میکنیم

دبانی کوهنورد

سال - ۱۳۵۷

سر بلندی بجوی

سنگر دشمن از نمی شکنی
 در صف دوستان شکست مباحث
 بت شکن از نشدی عیبی نیست
 بر همین وار بت پرست مباحث
 مگر شکستی بزم شکوه مکن
 و ر شندی کا مگار مست مباحث
 بر سر دار سر بلندی جوی
 ارج گرمی طلبی پست مباحث
 در طلب کام را جلو تر نه
 پای در بند آنچه هست مباحث
 عظیم شهبال

رژیم غذایی و مساله زیبایی

هر سال مو قعیکه سال نو آغاز می شود جوانان مخصوصاً دختران برای اینکه در سال روان بتوانند زیبایی خود را حفظ نمایند شروع می کنند به ساختن برنامه غذایی. آن نائیکه اراده نسبتاً قوی دارند این رژیم غذایی و پروگرام را تعقیب می کنند و با علاقه مندی دنبال می نمایند ولی هستند یکمده که آنرا در نیمه راه می نمایند. بهر حال آن نائیکه خواستار صحت و سلامت و زیبایی خویش هستند در آغاز سال، از این نوع پروگرام های غذایی برای خود می سازند. یک مو ضوع را خدمت این عده جوانان باید عرض کنیم که گرفتن رژیم غذایی متناسب بدستور و دستور کار معقول و درستی است، در صورتیکه شما محتاج آن باشید. ولی متأسفانه یکمده جوانان ما آگاه یا ناخود آگاه بدون مشوره

دکتر شروع میکنند بگرفتن رژیم غذایی از خوردن و نوشیدن بسیار چیزها پرهیز می کنند، خواب کمتر می نمایند، ورزش زیاد می نمایند و گاهی هم ادویه مختلف را نیز استعمال می کنند که این کار آنها علاوه از اینکه فایده به حال شان ندارد ضرر های متعدد نیز دارد.

مثلاً دختر جوانی که وزن اضافی دارد برای کم کردن وزن اضافی از خوردن بسیاری از غذا ها چشم می پوشد، این پرهیز شاید ماه ها ادامه یابد اما کمترین تأثیری نداشته و علاوه از اینکه تأثیری نداشته است سبب مریضی های دیگر نیز شده این بخاطر آنست که شخص مذکور

کسانیکه به مشکل چاقی گرفتار اند و می خواهند از اندام زیبا بر خوردار گردند اولتر از همه ورزش های که برای رفع این مشکل موجود است استفاده کنند. در پهلوی آن رژیم غذایی مؤثر و مطابق دستور های علمی که برای این منظور تهیه شده استفاده گردد.

گرفتن رژیم غذایی شاید کار بسیار ساده نباشد، این عمل حوصله و وقت زیادی می خواهد که نباید به آن بی توجه بود. یک مو ضوع را نباید فراموش کرد که انرژی مورد ضرورت بدن را نباید با گرفتن رژیم غذایی نا متناسب صدمه رساند. زیرا انرژی مورد ضرورت یکی از ضروریات بدن بوده و انسان نمی تواند که بدون انرژی کافی به کار و زندگی عادی بپردازد و عدم آن باعث بی حالی و ضعف های متوالی می گردد.

ساده ترین راه برای زیبا یی اندام ورزش های آزاد و متناسب به سن و سال شخص بوده در پهلوی آن خوردن و صرف نمودن



زیبایی و جوانی

روان شناسی جوانان

جوانان و خود ارادیت

چند از زبان خود آنها نقل قول شد، خلاصه و اوج شدن جوانان بین دو کشمکش در اخذ تصمیم، احتیاج به آزادی و بدست آوردن پول، احترام و عدم به ارزش ها در نتیجه تحول ارزش و یادکردن کردن ما هیت آن، جستجوی آزادی، احتیاج به مشوره و رهنمائی، مکافات عمل و تطبیق جزا در برابر اعمال شینج و ناشایست، مشکل بودن اخذ تصمیم، فریب دادن والدین در اثر عدم اعتماد به نسل جوان، حساسیت پسران و بلا آخره در ست هدایت و رهنمائی نشدن و نتیجه ناگواری از آن بدست آوردن از چگونگی احساس آنها توسط آنها افاده شد، خود-شاهنکا میکه صحبت های شو دبا جوانان پیرامون زندگی آنها تا مشکل مزید آنها را درک نموده و در رهنمائی ایشان اقدام لازم بعمل آورد چنانکه همواره فرصت خدمات به نسل جوان سالیان مدیدی برای من میسر بود و افتخار رهنمائی ایشان را داشتم. اکنون به این وسیله همچو خدمت را آرزو دارم تا انجام دهم و اولدین گرامی را ملتفت این مرحله نازک انضباطی و خود ارادیت جوان بسازم.

۹) پدری در باره پسر جوانیکه موثر او را بدون اجازه برده بود وقتی در بازگشت در عوض آنکه معذرت بخواند از قضیه انکسار نموده و خود هم شب را از ترس بخانه رفیق خود گذشتا ند، اظهار عقیده می کند: «آیا با او چکنیم؟ او را تحت فشار شدید قرار بدهم تا بخود آید؟ یا آنکه از کرده اش اغماز و صرف نظر کنم؟»

۱۰) پسر یکمده در اثر ندانستن انضباط در ست و هدایت روشن معلم خود تا کام شده بود در حالیکه او دارای استعداد بلند تر از حد اوسط بود چنین میگفت: «این معلم بیوسنه در صنف میگفت که اگر کاری می کنید یا نمیکند و درس می خوانید و یا نمیخوانید مربوط بشما است».

او هرگز به انجام کاری، مارا وادار نساخت و هدایت واضح و روشن نداد. پس کاری نکردم و در نتیجه نا کام شدم. ((درین مورد خاص اینقدر میتوان گفت که:

نا برده رنج گنج میسر نمی شود + مرد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

ادامه دارد

دیده می شود که در گروه های شما برخی از کمپوز های کاملاً شناخته شده افغانی به نام ساخته های تاجیک معرفی می گردد چنانکه آهنگ افغانی :

حال که دیوانه شده میروى
را آواز خوان شما از کمپوز های خود معرفی میکند و حتی همین مورد در باره آهنگ به شهرت رسیده :

ای بیت بیرحم شکار بر افگم

هم صدق میکند ؟

جوابش اینگونه است :

مردم کشور های ما با هم و جود اشتراکی فراوان دارند ، عرف و عادات و ریشه خیلی از هنر ها و در این شمار آهنگ های محلی در میان شان وجوه مشترک دارد چنانکه در به جرات می توانم برای شما بگویم که همین اکنون ما کمتر آرکستر و گروه هنری داریم که در آن آهنگ های افغانی اجرا نگرند و حتی کمتر آهنگ تاجیکی ای را می توانیم به سراغ گیریم که موسیقی افغانی به رنگی در آن مایه نداده باشد از این روی مشکل است که بتوان گفت که فلان آهنگ محلی کاملاً افغانی است و یا عکس آن . با همه اینها این اشتباه است که آواز خوانان ما آهنگ های را که به اجرای افغانی خود بیشتر شهرت دارند از کمپوز های خود معرفی کنند و شاید بهتر باشد که خود را تدوین کننده به شناخت آورند تا کمپوزیتور ...

به ارتباط پاسخ او دو باره سوال میکنم :

چنین که از سخن شما پیداست آهنگ

های افغانی در میان مردم تاجیک هم

شناخته شده است و هم محبوبیت دارد . شما به خواست مردم خود در این زمینه چقدر ارزش قایل می شوید و به چه پیمانه آهنگ های ما را از رادیو و تلویزیون تاجیکستان نشر می کنید ؟

در پاسخ میگوید :

بیشتر از پنجاه فیصد مردم تاجیکستان اتحاد شوروی در پهلوی بر نامه های رادیوی این جمهوری پروگرام های موسیقی رادیو افغانستان را می شنوند و با خصوصیات اجرایی آن آشنایی کامل دارند و در مجموع همین علاقمندی مردم ما به هنر کشور شما موجب شده است که رادیو و تلویزیون جمهوری تاجیکستان نیز آهنگ های فراوان موسیقی افغانی را نشر کنند و مورد استقبال واقع گردند ، باز هم بر همین اساس ما از مقامات مسوول هنری کشور شما در ملاقات های خود با آنها خواهش کردیم مجموعه های دیگری از ثبت های رادیویی و تلویزیونی هنر مندان افغان را در اختیار ما قرار دهند تا در تاجیکستان به مردم آنجا تحفه گردد و هم چنین ما خود تصمیم گرفته ایم چند بر نامه آهنگ تازه

افغانی را به وسیله گروه های « گلشن » و « زیبا » به اجرا آورده و آنرا از طریق مارتس به تلویزیون افغانستان هدیه دهیم که این ها همه نماد هایی است از علاقه و اشتیاق مردم ما به هنر های هر دو کشور .

به معین کلتوری رادیو تلویزیون جمهوری تاجیکستان اتحاد شوروی میگویم .
تبادلۀ های هنری و فرهنگی هما نظور که از نام آن پیداست دو رخ دارد ، یعنی دو واحد قرار داد میگویند با ار سال گروه های هنری و فرهنگی به کشورهای همسایه زمینه های آشنایی را در به شناخت آوردن هنر و فرهنگ بو می خود فراهم آورند در حالیکه هیات های هنری ما خیلی کمتر از گروه های شما به کشور ما ، سفر به تاجیکستان داشته اند ، چرا شما در صورتی که خود اشاره به این همه علاقمندی مردم تاجیکستان به هنر افغانی می کنید از هیات ها و گروه های ما دعوت به عمل نمی آورید تا برنامه هایی را در آنجا به اجرا آورند ؟

ما این درخواست را در همین سفر با مقامات مسوول هنری شما در میان گذاشته ایم و وعده هایی هم در زمینه داده شده است که امیدواریم وزارت اطلاعات و کلتور جمهوری دموکراتیک افغانستان با توجه خود در این مورد بما امکان مهرباننداری از دوستان هنر مند افغانی را فراهم آورند .
در مدت اقامت خود در کشور ما چقدر فرصت یافتید که از نزدیک با هنر مندان

افغان آشنا شوید و یا خصوصیت های موسیقی و دیگر هنر های محلی ما را بیشتر درک کنید تا در بر نامه های آینده خود از آن مایه بگیرید و در صورتی که گروه های شما رقص ها و سرود های ما را به اجرا می گیرند با شناخت بیشتر از ریزه کاری هایش آن را به انجام آورند ؟

متأسفانه با آنکه علاقمندی فراوان برای چنین دید و بازدید ها و آشنایی با خصوصیات هنر بومی افغانستان داشتیم ، چنین مجال و فرصتی برای ما فراهم نگردید چه گروه های ما در این سفر در تمام مدت اقامت خود در کابل در ساعات پیش از ظهر برنامه هایی را برای سازمان ها و موسسات اجتماعی به اجرا می آوردند و بعد از ظهر نیز کنسرت ما در تالار کابل ننداری ادامه داشت ، اما وعده هایی در این مورد داده شد که به زودی چنین برنامه هایی با ثبت ویدیویی برای ما ارسال گردد تا از آن استفاده بریم که امیدوارم این کار هر چه زود تر عملی گردد .

• • •

زیبا امین زاده که رهبری گروه « زیبا » را به عهده دارد در يك خانواده هنر پرور زاده شده که کار های فرهنگی و هنری و ادبی را پیشه خود ساخته بوده اند ، پدر او شاعر معروف مسرمدی تاجیکستان است و خواهرش آزاد خان امین زاده نیز یکی از چهره

های سرشناس و شناخته شده شعر معاصر تاجیک به شمار می آید ، به همین گونه مادر کلان او هنر پیشه توانای تیاتر بوده و مادرش آیدینه عثمان وه نیز مهمل ورزیده تیاتر است ، او که از دواج کرده و صاحب دو پسر نیز می باشد آرزو داشت فرزندانش دختر می بودند تا پیشه رفاصه گری را به پیش ببرند و در این هنر به شهرت و سسند ، خودش نیز آموزشگاه رقص را به پایان آورده و مدت چهار سال در مسکو به تکمیل آموزش در تیاتر مشهور آنجا گذرانده و بعدتی نیز در لنین آباد سرود خوان و رفاصه بوده است .

زیبا تاکنون در کشور های عربی ، هند ، چکوسلوواکیا ، هنگری ، اکثر کشور های سوسیالیستی و تمام جمهوری های اتحاد شوروی سفر کرده و بر نامه های فراوانی را به اجرا آورده است که با استقبال گرم و بر حرارت مردمان این کشور ها روبرو شده است .

او درباره اینکه آیا رقص هم مانند هنر های دیگر می تواند مفا هم عاطفی و

اجتماعی را در بیننده القاء کند و میان اجرا کننده هنرمند و بیننده و تماشاگر نوعی ارتباط عاطفی را برقرار سازد و یا خیر ؟ میگوید :

تا تمام



سهم زنان در مبارزه به خاطر صلح

مو ضوع مبارزه ز نان به خاطر ارتقای سطح دانش و ساختمان زندگی نو یسن مخصوصا در جهت تحکیم و توسعه صلح در یاد داشت کنفرانس بین المللی کشور های مرقی در سال ۱۹۶۹ تائید و تثبیت گردیده و به اسناد مربوط به این مطلب در سال ۱۹۷۴ اهمیت بیشتری داده شد . ازین مطلب بر می آید که تائید نقش زنان در تحکیم و رشد و توسعه صلح و خلع سلاح تصادفی نیست .

در سالهای اخیر اکثر موسسات تحقیقاتی پرو بلم های خلع سلاح و صلح را در جهان مورد بر رسی و تحقیق عمیق قرار دادند .

این عمل يك واقعیت غیر قابل تر دید به خاطر تا مین صلح و آرا مش بشری می باشد .

به هر صورت نیرو های ضد صلح و دیمو کراسی به انواع مختلف می خوا هند صلح دنیا پدیده زیبا و دوست داشتنی عصر مارا بد نام کرده و دیمو کراسی و تر قی ودست آورد های بشری را که به حق به خاطر سعادت انسان ها اهمیت بسزائی دارد مختل بسازند .

ولی ازان جا یی که چرخش جهان به نفع صلح ، دیمو کراسی ، آزادی و آ را مش بشری است هیچ نیرو یی نمی تواند علیه آن مو شعگیری کند ، ممکن است نیرو های سیاه مو قتا موانعی ایجاد کنند و لی دیرپا و پایدار نخواهد بود .

ملیون ها زن در سراسر جهان جهت نبرد به خاطر رشد کشور شان در ساحه های مختلف اجتماعی بر خاسته اند ، و در جنبش های سیاسی و اجتماعی سهم فعال گرفته اند .

در فرانسه ، ایتالیا ، ایالات متحده ، فنلند ، در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی کار با زن نان یکی از جنبه های مهم ارتقای سطح دانش عصر قبول گردیده و زن نان پیشرو و تر قی خواه انجام این گونه وظایف را و وظیفه عمده شان می دانند .

به همین منظور است که آن ها نه تنها خواهان رفع کشیدگی های بین المللی از نگاه سیاسی آن می باشند بلکه از یسن رفع کشیدگی ها را در جهت نظا می آن نیز بصورت جدی طر فدار ی می نمایند .

به هر صورت متاسفانه درین عصری که انسان به گیهان میرود ، درین زمانی که طبیعت بدست انسانها رو به مهار شدن است و لی هنوز به این نصف بیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمیشود و این به آن علت است که هنوز که هنوز است علم و دانش همگانی و جهان شمول یا به عبارت دیگر در خدمت کتله های عظیم بشر استخدام نشده و منافع شخصی هنوز جایش را در بعضی کشور ها به منافع همگانی خالی نه کرده است .

ولی زندگی بهترین آمو زگار است . تغییرات بزرگ اجتماعی که طی چند دهه اخیر در جهان رو نما گردیده بدون هیچ تردیدی تاثیر قابل ملاحظه در موقف زنان پدید آورده است .

جنب آن ها در عملیات تولیدی وساحه خدمات اجتماعی واقعا و سیم گردیده و امروز يك سوم حجم تولیدی مواد کلتوری و فرهنگی جهان مر هون زن در ساحه بین المللی می باشد .

انقلاب علمی و تخنیکی انگیزه آن شد تا زنان در هر جایی به سطح دانش و معرفت شان بیشتر افزایش دهند که این خود نقش اجتماعی شانرا از زنده تر ساخته و فرصت بیشتری را در جهت خدمات اجتماعی شان مهیا می سازد .

ما هیت مبارزه ز نان به خاطر حقوق مساوی شان با مرد ها و جهت گیری علیه تبعیضات سیاسی و اجتماعی همچنان تغییر قابل ملاحظه کرده است .

زنان پیشرو جهان با تلاش مشترک بخاطر مبارزه در راه تا مین صلح هنگام جنگ عمومی دوم آگاه شد و ایسن نیازمندی مبرم را به حیث يك واقعیت پنداشت .

چینکه فد راسیون بین المللی ز نان بعد از سال ۱۹۴۵ بوجود آمد وظیفه تضمین وحدت ز نان تحت عنوان صلح و امنیت بین المللی را به عهده گرفت و زنان توانستند با آواز رسا در پهلوی سایر موضوعات خواهان صلح شوند .

جنبش ز نان به خاطر صلح در سالهای اخیر به سرعت قابل ملاحظه رشد نمود . جنگ در ویتنام ، تجا و زات اسرائیل در شرق میانه پرو بلم های اقتصاد جهانی بحران عمیق و کشیدگی های جهانی همه و همه عوامل بودند که تفکر عمیق زنان جهانرا معطوف کرد تا انگیزه های این پرو بلم های سر سام کننده را نه تنها به خاطر بهتر شدن وضع فامیل های شان دریافتند بلکه به خاطر بهبود وضع عمومی جهان متوجه شدند .

زنان پیشرو و تر قی خواه جهان واقعا درین اندیشه ، عمیق شدند و خواستند تا آن راه ها و طریقه هایی را کشف نمایند که آینده ملیون ها انسان اعم از زن و مرد ، اطفال ، بزرگان را نیز تضمین کرده بتوانند .

توده های وسیع ز نان جهان درک نمودند که تخفیف کشیدگی های جهانی امکا ناه جدید مبارزه را در جهت خلع سلاح ، صلح و آزادی ملی مهیا می سازد .

بنابراین مبارزه در راه صلح یکی از پرنسیپ های عمده سازمان های ز نان در کشورهای مختلف گردیده است . زنان پیشرو و تر قی خواه جهان اکنون جدا علاقه دارند تا آن مقدار پولی که در راه مسابقات تسلیحاتی بمصرف میرسد به جای آن به مقاصد تامین صلح جهانی مصرف شود .

تو مادری و تو کارگری

من دیروزت را بیاد دارم
که نور چشم تیز بینت بروی بام و درودیوار
هر آن خیره تر میشد .

و هر لحظه بار دوشت زیاد تر می گردید .
من آنرا هم بیاد دارم .

که چون گنجشک های پر شکسته اسیر قفس
بودی و چون گهرگران قیمت در دست اهل عوس

به این قسم روز گاران زیاد تو محروم از همه چیز و چون لکه نام و ننگ بودی .

اما الفسوس که دیر تراز جاجنبیدی و دیگران
نیز دیرتر ترادرا کردند که تولا یق ترودا نازی
واز مردان استوار تری .

تو باید پیشتر و قرن ها قبل ، قدم به عرصه
اجتماع می گذاشتی .

اما امروز این شعار از هر گوشه به گوشم
آشنا ست که :

ای زن تو باما برا بری
تو مادری و تو کارگری

((شوالیه)) را فرستادند : او این لقب را دو بار به آسها تحفه کرد و نسوشت : ((کمترین کاری که می توانم برای کشورم انجام دهم این است که زخم ملیون ها ههوطن خود را که از درد و رنج بیست زده شده اند مرهم بگذارم ویا احکام افتخاری تنباهشم و رادرجین وضع اهانت باری برمال میسازد .))

در دسامبر همان سال پدر بسزرگسم ((پادشاه و تلال نهر)) به ریاست کنگره ملی هندوستان انتخاب شد . او مرد بلند هیکلی بود و بر گرد هم آیی ها چه کوچک و چه بزرگ تسلط داشت . همه بالای او حساب می کردند . او با خنده اش سرا سر خانه ما را که خیلی هم بزرگ بود پسر می کرد .

در سال ۱۹۲۰ میلادی کنگره سیاست عدم همکاری را که ((گاندی)) تو صیه می کرد پذیرفت . این بر نامه همه چیز را تحریم می کرد . آموزش در مدرسه های تسحت نظر دولت دادگاه ها ا متعه خارجی و انقلاب همه و همه تحریم شوند و باز هم این سیاست توصیه می کرد که در برابر قوانین ظالمانه ایستادگی باید کرد و زندانی شدن را پذیرفت . در سال ۱۹۲۱ میلادی گاندی بار دیگر همه را به یک ((هارتال)) بمناسبت آمدن و لیعهد انگلستان به هندوستان فرا خواند و دولت تصمیم گرفت که به کسنگره حمله کند و بدین طریق اعضای خانواده ما هم جزء زندانیان شدند .

دن بارها شاهد زندانی شدن پدرم بودم . هنگامی که من سیزده سال داشتم او پنج بار محکوم و زندانی شده با اینکه این برای ما افتخاری بود اما هر بار وضع خانوادگی ما بهم می خورد و خانه در غم و اندوه فرو می رفت اما اندک اندک به این هم عادت کردم .

این نگرانی تنها به مناسبت زندانی شدن پدرم وجود نمی آمد بلکه اضافه بر آن خانواده ام از دادن وجه غرامتی که برای هر زندانی تعیین می کردند نیز سری باز می زد .

پلیس نیز بطور منظم به خانه ما می آمدند اشیا انتخاب شده بیش از آن وجه قیمهست داشتند . مثلا اگر ۵۰۰ روپیه ای و یا یک کولسکه را می بردند . گذشته از این همه خانه را دنبال ((اوراق)) زیر و رو می کردند .

و اثاثیه ما را با خود می بردند و با یافتن کوچکترین سند به ظلم و استبداد و جبر و زجر دست می زدند و از هیچ نوع زجر دریغ نمی کردند .

همان طوریکه همه جهان بشریت از ظلم و ستم امپریالیزم خون آشام در عذاب بودند مردم ما وفامیل ما نیز ازین گروه پلید شکنجه های غیر انسانی دیدند .

اما پیروزی از آن مبارزین و سر سپردگان است .



فاشیسم جهان خوار این طفل را اسل سرماینداری نه تنها جوانان و پسران را بدست درگ و نابودی سپرد بلکه اطفال و کودکان را نیز بی رحمانه هدف مرمی قرارداد و والدین این نونهالان را برای همیشه سیاه پوش و ماتم دار ساخت .

کشتار مردم بدست امپریالیزم انگلیس

و آتش به رویشان گشود .

من نمی توانم به طور دقیق بگویم که آیا نام این شهر را شنیدم یا نه اما میتوانم بگویم که متوجه آشفتنی نزد یکانم شده بودم و البته این کشتار نه تنها برای خانواده ما بلکه برای بسیاری مبارزان نقش تعیین کننده پیدا کرد .

در آغاز اطلاعات زیادی نداشتیم اما اندک اندک از گسترش و هولناکی این کشتار مطلع شدیم . سرود های بسیاری به مناسبت آن روز سروده شد که مردم را دعوت به مبارزه می کرد و یک جوان پنجابی « سر-میکائیل اوپر » فرمانده انگلیس را از تنش جدا کرد .

این پیش آمد مبارزات ما را دگرگون کرد . مبارزه ملی عمیقاً گسترش یافت و نهضت که تا آن روز روشنفکران تنها هدایت کنندگان آن بودند در توده های مردم نفوذ کرد . ملیونها زن و مرد و پیر و جوان قهرمانان به نبرد و مبارزه دست زدند و هرگاه یکی به خاک می افتاد هزاران نفر مشعل افتاد او را بلند می کردند . این موج انقلابی روز به روز گسترده تر میشد بطوری که سراسر قدرت امپراتوری را پوشاند و در این زمان است که خانواده من با ((ماهاتما گاندی)) بسیار نزدیک شده و راه زندگی ما کاملاً تغییر کرد .

((تاکور)) شاعر بزرگ هندی نیز در برابر قربانیان آزادی سر فرود آورد و هنگامی که انگلیسها برای او لقب

زندگی در افریقای جنوبی به هند و ستان باز گشت . در افریقای جنوبی با هندیها رفتار خیلی نا هنجار می کردند چنانچه گاندی ناگزیر به تشکیل یک نهضت مقاومت آرام علیه دولت ژنرال ((سمو تس)) شد . گاندی نام این نهضت را ((ساتیا گرا ها)) « یا چشم نپوشیدن از حقیقت » معنی می دهد .

در دوران جنگ جهانی اول گاندی از مباحثات و برخورد های سیاسی دوری می جست و با متعبدان برای تشکیل یک ستون امداد فعالیت می کرد . اما در سال ۱۹۱۹ میلادی در نتیجه قانونی که فشار را بر مردم هندوستان زیاد می کرد و حکومت نظامی را برقرار نگاه می داشت گاندی ناگزیر شد که مبارزه را آغاز نماید و « ساتیا گراها » را ایجاد نمود . اعضای اتحادیه فوق موظف بودند که در برابر قوانین غیر عادلانه و لو هم که به زندان می افتند ایستادگی نمایند و آنها را ندیده انگارند .

۱۳ آوریل ۱۹۱۹ میلادی یعنی در نخستین روز سال استعمر انگلیس در سبست به کشتار زد که از وحشیگری کم نظیری برخوردار بود . در آن روز در یک گورد هم آبی که توسط کنگره در یکی از بزرگترین شهر های پنجاب بر پا شده بود جمعیت عظیمی از مرد ، زن و بچه با آرامش کامل در آن شرکت کردند . ارتش انگلستان مردم شرکت کننده را به جاده بن بست کشاند

خانه ما دیگر به مرکز فعالیت سیاسی مبدل شده بود . جلسات پشت سر هم تشکیل میشد و پذیرترین کار برای من این بود که کشر پائین جامعه مانند خدمه ها و غیره را جمع می کردم و برای شان نکته هایی را که از سخنان بزرگ سالها دریدم مانده بود تکرار میکردم . با همه این رفت و آمد ها این خانه در خاطره من به صورت محلی پر از آرامش بجای مانده است .

هر گونه مسرد به آنجا می آمدند : هندوها ، انگلیسها و به خصوص تعداد بیشماری از رؤسایان هندی .

الله آباد بزرگترین شهر ایسن آستان مهم و مرکز سیاست و دانش بود . از این رو شخصیت های حقوقی برجسته ای در این شهر زندگی می کردند . به همین دلیل تعداد زیادی دانشجویان از نقاط دیگر به این شهر می آمدند . از نظر سیاسی بعضی از خانواده های سرشناس از جمله خانواده خودم با جان و دل مبارزه می نمودند . البته ایسن شهر مرکز بزرگ مذهبی هم بود اما من جوانتر از آن بودم که به همه این چیزها توجه بکنم . اما خوب بخاطر دارم که مادر بزرگم مرا به ساحل رود گانز برد و به چندین معبد هم سر زدیم .

کنگره ملی هندوستان دیگر سابقه طولانی داشت . پدرم در سال ۱۹۱۲ میلادی از انگلستان بر گشته بود . ((گاندی)) هم در سال ۱۹۱۵ میلادی پس از ۲۵ سال



هديه ژوندون

آلبوم هنري هنرمندان
شناخته شده
تاجيکستان شوروي



گئورگی دیمتروف



دیمتروف در حال بیانیه در کمترین هفتم در مسکو در سال ۱۹۳۵ و در آنجا طرح جبهه وسیع متحد را به میان آورد.

اتحاد شوروی و بین المللی کوه نیستی تولید شد و می گفتند که گویا وی منظور ساز مان دادن قیام مسلحانه به آلمان آمده و آتش سوی رایشتاک بعنوان علامه آماده باش کوه نیست ها برای قیام می باشد.

بمجرد زندانی شدن دیمتروف، در لندن و پاریس کمیته های جهت تحقیق و بررسی ماهیت توطئه و دفاع از دیمتروف تشکیل شد.

پولیس نازی بر دیمتروف آنها متهمات برپایه بستند، اما این مرد قهرمان با شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد

های خونخوار و آزمندانه دشمن خود را در و جود فاشیسم تشخیص بد هند و در نتیجه علیه آن قیام نکردند.

زمانیکه، فاشیسم در آلمان خود را در برابر حزب مقتدر کوه نیست ضعیف می دید با توطئه، زمینه آتش زدن «رایشتاک» را فراهم ساخت، با وقوع آتش سوژی خود هیتلر در محل حاضر بود و در همان جا اعلام کرد که حزب فاشیست سوسیالیسم باید با کوه نیست ها تصقیق کند. از این جا د که سوء استفاده کرد همان شب، حزب کوه نیست را غیر قانونی دانست و در سراسر آلمان، دستور حمله و حشیانه بر اعضای حزب کوه نیست داده شد و بزودی، دامنه این شیوه فاشیستی بر نیرو های ضد فاشیست و تمام گروه ها کشانیده شد.

پولیس آلمان با استفاده از توطئه که خود طراح آن بود، اعلان کرد «اندلوه» که آتش را در رایشتاک فروزان کرده بود، کورت عضویت کوه نیست آلمان را به جیب داشت. گئورگی دیمتروف که چندی قبل مخفیانه به آلمان زندگی می کرد و تحت نام مستعار در آن جا زندگی می کرد، به اتفاق دوتن از رفقایش به بهانه جاسوسی به

وادی فاشیسم بمشابه دشمن در چه یک راه آزا دی توده ها، دشمن آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی آشنا ساخت. وی فاشیسم را نظام دیکتاتوری مکی به اعمال زور، ترور و حکومت ارتجاعی ترین و متجاوز ترین محافل امپریالیستی می دانست، وی فاشیسم را که زائیده بحران سرمایه داری است، بمشابه تعرض سرمایه مالی علیه اکثریت مردم، حکومت گانگستریسم سیاسی و دستگاه ظلم، شکنجه و گشتار طبقات زحمتکش و عناصر انقلابی و آخرین حربه ارتجاع بین المللی محرک جنگ های امپریالیستی می دانست. این خشم، تفر نسبت به فاشیسم در کلیه نوشته ها و فعالیت های انقلابی این مرد مبارز این قهرمان راه نجات خلق های زحمتکش، بوضاحت انعکاس می یافت. وی می گفت که امپریالیسم بحیث آخرین مرحله سرمایه داری، جهت جستجوی ماکت و حفظ منافع سود جو یانه خود نیاز مند برده گردن ملت ها است و فاشیسم حربه دست آنست.

گئورگی دیمتروف در برابر این سوال که با وجود آنکه فاشیسم دشمن اکثریت ملت های جهان است و پس چگونه میتواند، این کشور ها را تحت تسلط خویش آورد و خود بی باک در راس قرار گیرد؟ میگوید:

سوء استفاده از سنت های ملی و از طریق توجیه نادرست آن و هم بنابر ضعف طبقه کارگر.

دیمتروف می گوید: تجربه کشوری چون بلغاریا که ۵۰۰ سال علم مبارزه را علیه سلطه خارجی بر افراشته، نشان میدهد، رسته از سنن ملی خلق ها که باید بوسیله نیرو های مترقی و انقلابی بمشابه امری جهت تحریک جامعه بکار رود و توده های شرافتمند، بسیج شوند، بدست نیر و های فاشیستی قرار می گیرد و آنها این سنت ها را مسخ نموده، آنها را از ما نیست انقلابی اش بنور می سازد و از آن بحیث وسیله شیمادی، وسیله تفتین، توطئه و فریب توده ها مورد استفاده قرار میدهند.

دیمتروف در گزارش خود به هفتمین کنگره بین المللی کوه نیست می نویسد:

رهبران سوسیال دموکرات ما هیئت واقعی فاشیسم را نادیده می گیرند و آنرا از چشم توده های مردم می پوشانند، آنها مردم را به مبارزه علیه بورژوازی دعوت نمی نمایند. در لحظاتی که فاشیسم حمله می کرد، قسمت زیاد طبقه کارگر آلمان و سایر کشور ها نتوانستند قیافه سر ما به



لنین و گئورگی دیمتروف

می کرد و می گفت:

«من مخالف هرگونه ترور فردی و توطئه ای هستم، هیچ چیز برای هتک شرافت انقلابی و شخصی من بدتر از این نیست که مرا با شیوه بسی خردانه ای دور از اسلوب انقلابی متهم کنند.»

مدت تحقیقات و باز پرس از دیمتروف و رفقای بلغاریش به درازا کشید و هیچ پیشرفتی در زمینه نهو دار نگشت. تا اینکه نوبت به محاکمه متهمین به لایزیک رسید. این محاکمه، محاکمه ساده نبود بلکه محاکمه و سوال و جواب میان دو آیدلوزی متضاد، آیدلوزی دیمتروف معجز بسا جهان یعنی علمی و افکار مارکسیستی و آیدلوزی فاشیستی مربوط به جناح سرمایه داری مالی انحصاری و سایل ارتباط جمعی، پراز فتنه و توطئه جعلیات را بخش می کردند و با بهانه ها، اسناد جعلی را تدارک می کردند و هر روز حلقه محاصره را بر سر دیمتروف و هورز هانش تنگتر می شد.

بهانند امروز که امپریالیسم جهانی و کشور های همدستش با توطئه و دسیسه می کوشند، بر تمامیت ارضی کشور ها و حاکمیت ملی آنها مداخله کند، در آن زمان هم فاشیسم بد نیا و نمود می کردند که اتحاد شوروی و بین المللی کوه نیستی، آتش سوژی رایشتاک را انجام داده است و به این بهانه تبلیغات زهر آلود را علیه اتحاد شوروی و ضد کوه نیزم بر اه می انداختند. بزودی تعداد کثیری از اعضای حزب کوه نیست آلمان، توسط پولیس جنایتکار نازی بزدان انداخته شد و از آنها تقاضا شد که در دادگاه حاضر شوند و علیه دیمتروف و یارانش شهادت بدهند، اما این عمل نازی ها نتیجه ایبار نیارود، آنها زندگی خود را از دست ندادند، در قتلگاه ها جان دادند اما حاضر نشدند زیر بار این جنایت بروند. ناگزیر جهت شهود واقعه، از میان حزب نازی، شخصی را تدارک نمودند تا علیه دیمتروف شهادت بدهد.

محاکمه با هیاهوی زیاد با تشریفات فراوان با ندا های «پیروزی بلشویسم» تشکیل شد، در ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۳ دیمتروف لب به سخن گشود و با جرات انقلابی کلمه اتهامات نازی را با منطق برنده، رد کرد و تمام دام ها، تزویر ها و طلسم های نازی ها را از هم درید، که همه حاضرین در سکوت مرگبار، رفتند. رئیس محاکمه دیمتروف را بنابر لحن خشن وی بباد انتقاد گرفت، دیمتروف در جواب گفت: من تصدیق می کنم که لحن من خشن است اما رزات من هم در طول عمر خشن بوده، لحن من صریح است من از شرافت سیاسی

بقیه در صفحه ۴۵

چهاره واقعی زن در آئینه تمام نمایی اندیشه پرولتری

دست به گریبان اند، کودک همسری و ازدواج اجباری گره کور دیگری بر بدبختی های زنان افغان است که خود ناگزیر نمایی از خصوصیات قرون وسطایی نظام های پوسیده و منسوخ گذشته است، با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک شوروی خاصاً مرحله نوین تکاملی آن در کشور زمینه واقعی رشد استعداد های این بخش جامعه (زنان) میسر شد. زنان عملاً در سر نوشت جامعه و تولید سهم می گیرند و لی این کافی نیست زیرا در جامعه مارنرخ بیسوادی بالخصوص در میان زنان خیلی بالا

است که تمام خرافات و عقب مانده گی های فرهنگی در میان زنان بیشتر ناشی از همین مسئله است. از همین جاست که وظیفه زنان روشن جامعه ما در قبال مبارزه آنان بخاطر برابری حقوق زن خیلی سنگین و تاریخی است. چه علاوه بر مسایلی که زنان به سویه بین المللی بخاطر تساوی حقوق خود و احقاق آن مبارزه می کنند در مقابل زنان افغان مبارزه بر ضد بی سوادی و بعداً مبارزه با عقب مانده گی های فرهنگی نیز قرار دارد. باید بخاطر رفع عقب مانده گی فرهنگی و خرافاتی که دامن گیر زنان جامعه ماست با احتیاط کامل مبارزه شود. تشدید و تحقیر درین امر زنان را درجه به خصم و کهنه گرایان قرار می دهد. باید با پشت کار و متانت کامل به تبلیغات وسیع و تنویر اذهان آنان دست یازید، تا آنانرا بتوان متحد ساخت و از بازوی پر توان ایشان که گنجینه ایست بس عظیم در امر شکوفایی جامعه خود کار گرفت.

یکی دیگر از مظاهر عقب مانده گی فرهنگی اکثریت زنان (حتی اکثر آنانیکه روشن تر اند) جامعه ما درین است که ایشان از مبارزه زنان بخاطر برابری حقوق تصویر معکوس در ذهن خود ساخته اند و چنان می اندیشند که شاید مبارزه زنان بخاطر آزادی شان مبارزه ایست برضد مردان، در حالیکه حقیقت امر چنین نیست. بلکه مبارزه زنان جزئی از مبارزات عظیم اجتماعی است. و این نبرد، نبرد دیست همراه با مردان و در کنار مردان، نه برضد مردان. این مسئله و تبلیغ و تفهیم آن نیز یکی دیگری از وظایف مبرم زنان منور جامعه ماست.

طب هفت در صد محاسبه شده، در حالیکه (۵۱) در صد نفوس ایالات متحده را زنان تشکیل میدهد. ولی مثلاً در اتحاد شوروی در همین سال ها تعداد زنانیکه دکتوران طب اند چهل و پنج در صد و کار شناسان اقتصادی زن (۷۳) در صد محاسبه میشود. چنین است موضع زن در جهان سوسیالیسم و چهره واقعی آن در آئینه تمام نمای اندیشه پرولتری. فقط جامعه بدون طبقات قادر است که زنان را که از همه لایه های اجتماعی محروم تر اند به یک عدالتی تبعیض و تحقیر بیر و ن کشد و بر جایگاه انسانی شان بنشاند و ما در جامعه ما زنان افغان در طول تاریخ پر شکوه ملت خود حماسه های جاویدانی بشمار می آید خلق کرده و هزاران فرزند انقلابی و وطن پرست تربیه نمودند. همین زنان افغان بودند که در مبارزات خونین استقلال طلبی و انقلابی هزاران انسان عاشق به میهن را گرد ترانه های رزم آرای خود بر کور «گمنام و بسانام» شپیدان آغشته به خون میهن خود متحد کردند که نام ایشان همیشه بر اوراق زرین تاریخ سر زمین کهن سال ما درج خواهد بود. و لسی متأسفانه این بخش جامعه بسناپر تسلط نظام های فئودالی و ما قبل فئودالی در محرومیت کامل و تاریکی مدهشی نگاه داشته شده اند. علاوه بر مصائب طبقاتی و ناهای جنسی که در جهان زنان با آنها

منع کار شبانه زنان، آزادی از کار در مدت هشت هفته قبل و هشت هفته بعد از ولادت ها با حفظ کامل دستمزد در تمام این مدت تحت معاونت مجانی و داروئی...

در پهلوی همه فابریکه ها، کارخانه ها و موسسات دیگری که زنان در آن کار می کنند اعمار شیر خوار گاه ها برای اطفال شیر خوار و خورد سال و اعمار اتاق هایی که مادران در آن اطفال خود را از سینه شیر بدهند، رخصتی زنان شیرده بعد از هر سه ساعت کار برای مدت اقل نیم ساعت، توزیع مدد معاش به مادران شیرده و کوتاه ساختن روز کار آنها تا شش ساعت.

این همه مسایلی است اساسی که برای تساوی کامل مرد با زن چه از نقطه نظر قانونی و چه در عمل ضروری است، که البته با کمی دقت هویدا میگردد که وجود چنین یک شرایطی در جوامع طبقاتی و استثمارگری امری است کاملاً ناممکن و فقط جامعه سوسیالیستی قادر است به حل این مسائل که عوامل اساس نابرابری زن و مرد اند نایل آید. همین اکنون احصایه های بین المللی واضحاً بیان گر آنست که زنان شاغل در موسسات تولیدی، آموزشی، طبی و در مجموع ارگان های دولتی در کشور های سوسیالیستی چندین مرتبه بیشتر است از زنان شاغل حتی در پیشرفته کشور های سرمایه داری. مثلاً تا سال (۱۹۷۰) انجیران زن در ایالات متحده امریکا یک در صد و دکتوران

است قابل دقت و توجه. بر همین اساس بنابر ایدئولوژی پرولتری در مقوله تساوی مرد و زن سخن بر سر آن نیست که «زن از نقطه نظر بازده کار، میزان کار، مدت و شرایط کار و غیره با مرد برابر باشد، بلکه منظور بر سر آنست که اختلاف و منبع اقتصادی زن با مرد او را مورد ستم قرار ندهد.

تجربه سوسیالیستی نشان داده که با استقرار اقتصاد کلکیتوی، اعمار شیر خوار گاه ها، کودکستان ها، طعام خانه ها، یتیم خانه ها و غیره موسسات اجتماعی همه گانی که توسط دولت، نظارت، کنترل و تمویل می گردند، زن حتی از کار خسته کن «آشپز خانه» نیز رهایی حاصل می کند و بالاتر از آن در جامعه سوسیالیستی به قول اگوست بیبل کو دکان نیز آزادی زن را محدود نمی کنند بلکه شادی و زیبای زندگی را دوچند آن می سازند. در برنامه حزب بلشویک خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب کبیر سو سوسیالیستی اکثریت جهت برقراری کامل حقوق نه تنها در مسوده قانون بلکه در عمل گام های ارزشمند اولی برداشته شده که با آن زن همیشه حاکم بر سر نوشت خود و متکی به خود می گردد که درین برنامه چنین می آید:

— تخصیلات مجانی و اجباری عمومی و پولی تخنیک برای تمام اطفال از هر دو جنس.

— منع کار زنانه در شقوقیکه آن برای صحت جسمانی زن مضر است.

از : فروزی بنجشیری

پیام ما

ماخواستار صلح

ما هر روان راه شکوه مند کار و
ما هم قطار مردم ز حمتکش وطن
ما در تلاش راه نایب برادری

یک آرزو بدل

و آن اتحاد بی خلل جمله کارگر

با جمله بزرگ

و آنکه همه یکی

در جبهه ای ملی

یکجا رویم بسوی جهان برابری

بادیه نشین

بر خیز

برخیز ای هم وطن !
که تیره نسبا از هم رفته اند
بنیاد استبداد را
از هم ریخته اند

سرود سحر ر سیده و میرسد
و خفتن را معجز نباید بود
پاشنه آهنگین تاریخ

گوینده ستم دوستان را
آنها بمرات داده اند
بها از زمین و ایران را
این مبین را باید آباد کرد
زندگی نورا ایجاد کرد
برخیز ای هم وطن !

اگر موی ترا سپید کرده روزگار
اگر نیروی جوانی در تست سرشار

بنو ای خواهر من
بنو ای برادر من
روی این آرزو ست پایدار
درین خانه باید کار کرد
رنجبارا - فقر هارا
دور ازین دیوار کرد
برخیز ای هم وطن !
زمان ما زمان پیرو زیست
بروز خونین استعمار و استبداد
ملت ها رسته اند
خلقها به با خاسته اند

و من و تو هم به پیش رویم
تا این ملت رنج دیده را
و این خلق عذاب دیده را
ارج بیکران بگذاریم
به سرزمین سعادت رسانیم

خرمن شگوفه

دیشب تو بر بچهره در آغوشی که بودی
میتاب که وزهره بنامش که بودی
ما خا طره عشق تو از یاد نبردیم
تو خاطره عشق فرا موش که بودی
بایسن همه ز بیانی و حسن و قوفا مت
آراستاس روی و قبا پوش که بودی
ما شب بسو لای تو همه بساده گساریم
دیشب بسو لای که و می نوش که بودی
چون خرمن شگوفه برو دوش تو زیست
ای خرمن شگوفه برو دوش که بودی
ما عاشق و دلدادۀ تو حور نقاشیم
تو عاشق و دلدادۀ و مد هوش که بودی
از تیر نگاه تو فروزی شده بسمل
بسمل شده نا و ک خون جوش که بودی



هنگامه مشرق

شاد زی ای مرز آزادی گزین
شاد زی ای کشور مرد آفرین
چان ببخش ای رنگ و بوی آسیا
تازه باش ای گلشن خاور زمین

ای می آ زادگی را ستانگین

ای که از دور بهما آزاده ای
درس آزادی به خاور داده ای
نقد مردی از معان آورده ای
خیز مستی کن چرا استاده ای

ای ترا هنگامه مشرق زمین

ای دل پر آرزوی آسیا
خانه قوم نجیب آریا
ای بهار عشق بستان امید
سخت می بالم که می بینم ترا

مشته ای با آرزوی دل فرین

ای فروغ دیده افغانیان
پیشتر رو با قدم های زمان
سربکش ای آفتاب خاوری
مرد خیز افتاده دا ملت چنان

کاسمان می ترسد اینجا از زمین

اینکه شادی شایقش آزاد گیسست
انگشاف تازه را آ زادگی است
برق رنگین بقلب گو هسار
در حوادث شا هد استاده گیسست

جلوه کن در بزم هستی پیش ازین

۱۰۰

(دو قسمه برخه)

شماره ۸

ماڻه گران ندي، بلڪه زړه مي غواڀي چي
دغه سربازان دوسله وال پوخ ٿول منسوبين
ويڙني . او حتي لازمه ده چي ددوي پيغام
ٿولو وطنوالو ته (لکه چي دکنڀڪ قوماندان
هم عقيدہ ٿري) دوسيري ...

جگتورن شیر احمد اوږده شنبه غلی و .
 پېرته اوس سربازان خای پر خای شوی وو .
 او پرته دیوه یوه سرباز له ټوخی او دگرېږو
 له آوازونو څخه بل آوازه اوریدل کینه .
 په پای کې دلوهری ټولې قوماندان شیر احمد
 داسې په خبر و پیل وکړ :

پروسیس کال زما دډولی یوه بلوک نسه
اشرادو سره په یوه مسلحانه نېټه کې
سخت تاوان ولید دوظیفې له ترسره کولو
وروسته دغټ دقومانده دانی له خوا نه زموږ ټول
دفرقي دتعلیمي مرکز نه دنویو رالیزل شو یو
سربازانو له جملې نه دپنځلس تنو په رالبرلو
سره «اکهال» شو .

پدی کی یو سرباز چی جهه خان نریمه
 په ظاهر کی دنورو سربازانو سره هیک کوم
 ښکاره توپیر نه درلود مگر ددوه دریو نویو
 تیرولو وروسته ولیدل شول چی جهه خان
 په ټولې کی پوره محبوبیت ترلاسه کړی و؛
 په تعلیم کی ډیر ښه و، خپله دنده یی پرته
 له څه ځنډاو سستی څخه سرته رسوله ،
 له نورو سربازانو سره په گلزاره کی خپورا
 ښه وو، د خپل ډلگی له هر غړی سره یی چی
 څه په وس کی پوره وو، مرسته کوله، او سر
 بیرم پدی ټولو یی تل خوله له خندا څخه ډکه
 وه او داهم باید ووايم چی زبردست ربایي
 غزلونه .

لنڊه ڊاڇي مياشت نه وه پوره ڇي جمعه خان
 په ٽول گنڊاگ کي سربازانو او صاحب منصبانو
 پيڙانده او په ښه سترگه يي ورته کتل
 خود جمعه خان له راتگ سره زمونږ بويل
 سرباز څي خان محمد نومېده، څپه ښکارېده
 (دې شي ته البته زمونږ مخصوصا زما وروسته
 پام شو) .

دی خبری ته نده هغه وخت متوجه سوم
چی مداخلې ټولې دملګيو ویش نوی کړ .
پدی ویش کی جمعه خان دخان محمد په ملګي
کی برابرشو (خان محمد زما د ټولې تکرره
ملګي مشر وو) .

هغه وخت هم مونږ په صحراوي اردوگاه
کې وو او راتلونکې محاربې وظيفې ته مو
تيارې نوله .

ما سختن مهال خان محمد زما خيهی ته
راغی اوله مانه یی هیله وگره چی که زه نه
خپه کیرم نو چراغ علی سرباز چی دده له
ډلگی څخه بل ډلگی ته تللی و، بیرته دده
ډلگی ته ورکړم . موږ داخبره سره وشاربلمه،
خوبه پای کی زماپام شو چی خان محمد هېڅ
مغول دلیل نلری او دچراغ علی په عوض
هم به نامه څوک نه نیسی چی دده له ډلگی

نه وایستل شی خو یو واری د خولې نه ووتل
چی دغه نویو سربازانو نه دی کوم چی دده
ډلگی ته راغلی و دچراغ علی په ځای بل
ډلگی ته ولاړشی او دده ډلگی کی یسواڅی
جمعه ځن دنویو سربازانو له ډلی څخه وو .

خودا خبره پاتی شوه . مگر زه د هغسی
مخصوصی کنجکاوۍ له امله چی د ټولی هر
قوماندان یی لری ، دی ته متوجه شوم چی
خان محمد له جعبه خان سره له وریاه بیل
ډول چلند لری . نه داچی له ده سره بده
وضعه کوی، بلکه یو خاص ډول رسمی اوله
مخصوص احترام نه ډک چال چلند کوی چی
د سربازانو د مشرک او له تکلف نه تشوونه
سره ښکاره توپیر لری .

جمعه خان شہ جی لہ پولو سرہ بی خورا
صمیمی ادیکی آہنگی گری وی لہ خان محمد
سرہ بی برخوردار بیخی رسمی و .

ماته به بیاهم ډیره عجیبه نه وه که زه
نه وای پوهیدلی چی دوی نه یواځی د یوی
ولسوالی بلکه دیوه کلی دی، ددی خبری په
پوهیدو زه لاجیران شوم . مگر په هغه وخت
کی مون په بیره دراتلونکو عملیاتو لپاره
تباری نیوله او فرصت می لاسته راغی چی
دپوښتنه خانه حل کړم .

یوه شپه کومه چی سبا سهار وختی موز
باید له اردوگاه نه حرکت کړی وای جمه خان
ماته راغی اوږده نازده یی دا غوښتنه وکړه چی
دی دتقیل ماشیندار بلوک ته تبدیل کړم .
کله چی مالا ده نه دلیل وغوښت ده وویل
چی دفرقی په تعلیمی مرکز کی یی تفسیل
ماشیندار ښه زده کړی دی . ښایي ده خبره
په رښتیا وه مگر مایه دغی وروستی شپه چی
سبا محاربوی وظیفی ته روان وو ، په هېڅ
صورت نه غوښتل چی دخپل ټولی په ښه
کی څه بدلون راولم . نوڅکه می ده داغوښتنه
رد کړه .

مگر دمحمد خان دغوبختی اوډه دغوبختی
په منځ کی زما په ذهن کی داسی راغله چی
یوه منطقی اړیکه شته . دای پریښوده چی
وروسته یی په فرصت سره معلومه کړم .

څه به دی سر خوږدم . یوه میاشت موز
په سنگرونو کی له ضد انقلاب سره په ګډه
جګړه بوخت وو . د څلورمې یا پنځمې نیټې
نه وروسته چې داسراړو یوه ځاله چې یوه
ګوښه ځانته لویه کلا وه ، ونیوله او له
هغونه موښل ته ژوندی ونیول ، ټولې مو په
کلاکې ځای کړ او شاو خوا هوامنیټي ترتیبات
سر ته ورسول . دبلوګونو قوماندانو دراپور
له اوریدو او د هدایاتو نه ورکولو وروسته
مو دوی ته دتک اجازه ورکړه . کتل می چې
دلوهری بلوګ قوماندان معطل شو او وی ویل:

از : س . ر . ها شمیار

هنر راستین و مردمی :

زبان احساس

و وسیله پیوند

عاطفی انسان

معین کلتوری رادیو تلویزیون تاجکستان شوروی میگوید :

* مادر تاجکستان حتی يك گروه هنری هم نداریم که پارچه های افغانی را در برنامه های هنری خود به اجرا بگیرند .

* کمتر آهنگ تاجکی ای رامی توان سراغ کرد که به شکلی آهنگهای افغانی در آن مایه نداده باشد و این به خاطر توجه اشتراکی فراوانی است که در هنر و فرهنگ هر دو کشور وجود دارد .

* بیش از پنجاه فیصد مردم تاجکستان در پهلوی پر نامه های رادیویی کشور خود پروگرام های هنری و موسیقی رادیو افغانستان را نیز می شنوند .

* به زودی آهنگهای فراوان افغانی به وسیله هنرمدان گروه های هنری گلشن و زیبا اجرا و از طریق مارکس به رادیو تلویزیون افغانستان هدیه میگردد .

* مردم افغانستان مهمان دوست ترین مردم جهان می باشند .

* چرا برخی از آواز خوانان تاجیک بعضی از آهنگ های اصیل افغانی را از ساخته های خود معرفی می کنند ؟

* خواهش ما از مقامات هنری و مسوول افغانستان این است که زمینه های ارسال گروه های هنری افغان را به تاجکستان فراهم آورند چه مردم تاجک به هنر سرزمین شما عشق می ورزند .

* رقص اگر صرف در حرکات بدنی خلاصه گردد هیچ پیامی را نمی تواند به مردم رساند اما رقص های سوژیک از نوع رقص های ما همه دارای مضمون اجتماعی می باشند و به همین دلیل مردم می توانند نهاد های از واقعیت های عینی را در آن مشاهده کنند .

* مادر ملت افغان مت خود در کشور شما هیچ احساس بیگانگی نکردیم چنانکه انگار در یکی از شهر های تاجکستان بودیم و این دلیل زنده این موضوع است که مردم ما چقدر از نظر عادات و عرف بهم نزدیک دارند .

آواز خوان جوان صدای گرم و گیرا دارد ، صدایی که افسون کننده است و شنونده را از خود بیخود می سازد و به دنیایی از رویا های فریبنده می کشاند ، او با تمام احساس می خواند ، بازده ذره جا نش شور می آفریند آن چنان که انگار تمام خواست ها و آرزو ها ، همه آرزوهای درونی با در دها و ناتوانی ها و نا شکیبایی ها در آواز اوده نشین شده است و او همه اینها را ، این بار عاطفی را هنر مندانه در د یگران القاء میکند و شنونده و بیننده را در احساس و تاثیر عاطفی شاعر شرکت می دهد .

موسیقی باریتم د نشین خود گاه اوج میگردد و گاه پائین می افتد ، زیر و بم می شود و خواننده با حرکات نرم ، موزون و حساب شده خود هم آهنگی و توازن را هنر مندانه انعکاس می دهد .

وقتی می خواند :

ای بت بیر حم شکار پر افگم
رشته بینداز تو بر گردنم
تیر بینداز که من از هوا
گیرم و در سینه کتم جا به جا
تیر ترا در دلو جان جا د هم
تا تسلی این دل شیدا دهم

تالار در موچی از شور و هیجان غوطه ور میگردد صدای شور و هلهله و آفرین صداهای شنونده و بیننده که نتوانسته اند از تبارز احساس خود جلوگیری کردند در آن طنین انداز میشود آهنگ به پایان می رسد ، آواز خوان از استیج بیرون می رود اما نزدیک به يك هزار تماشاگر که باز هم می خواهند ببینند و بشنوند تا در ریتم این آهنگ و صدای این خواننده جلوه یی از خواست های درونی و تاثیرات عاطفی خود را باز بیا بندد بتابانه کف می زنند و آواز خوان را فرا می خوانند تا آهنگی دیگر را به اجرا گیرد و این حالتی است که در هر نوبت نمایش خواه در تالار کابل نداری و چه در کسرت هایی که به وسیله گروه های هنری مهمان در مجامع دیگر به اجرا می آید تکرار می گردد و جلوه یی را به نمایش میگذارد از عطش هنری مردم ما و علاقه وافر شان به اجرا های هنری و ذوق سرشار و سیراب ناپذیر هنری آنان .

دو گروه هنری «گلشن» و «زیبا» بیش از آن در کشور ما و در میان مردم ما شهرت و محبوبیت دارد که تماشاگر در رویارویی خود با آن احساس بیگانگی کند .

آهنگ های «ای بت بیر حم» ، «ای صتم» و «آسمان آسمان» که در شکل اجرای بسیار هنر مندانه خود هم از رادیو و هم از تلویزیون کشور ما بارها و بارها به نشر رسیده است و باز هم تقاضا پشت تقاضا برای نشر مجدد آن وجود داشته است همه گویای این نکته است که این اجرا های

هنری حیثیت آهنگ روز را دارا گشته و آواز خوانان واجرا کنندگان آن چهره های آشنا و محبوب هنری تا جیک در کشور ما می باشند .

اکنون این دو گروه به خاطر شرکت در سو مین فر خنده جشن پیروزی انقلاب نور به کابل آمده و بیشتر از هر گروه خارجی دیگر مورد استقبال گرم و پر شور هنر دوستان کشور ما قرار گرفته اند جای دارد بافت و شنود های اختصاصی آشنایی بیشتر بانحوه کار و سابقه هنری شان پیدا کنیم .

« عبدالجی اسراروف » معین اول کمیته دولتی تلویزیون و رادیوی تاجیکستان که سمت ریاست این گروه های هنری را در این سفر به عهده دارد و قبلا در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۵ نیز سفر های به کشور ما داشته است در مورد سابقه های هنری انسا مبل های مهمان میگوید :

« هیات هنری و فرهنگی ما شامل دو بخش و انسا مبل «زیبا» و «گلشن» می باشد که نخستین بهر هبری «زیبا» مین زاده « هنر مند پر آوازه و مردمی تاجیکستان فعالیت میکند و رهبری گروه دوم را «عارف شاه عارف اوف» عهده دار است . آ ر کستر گلشن بیش از دوازده سال است که تاسیس شده و تاکنون سفرهای هنری به جمهوری های داخلی اتحاد شوروی و چند کشور خارجی داشته است در حالیکه از فعالیت هنری انسا مبل رقص «زیبا» بیش از دو سال نمی گذرد و بعد از سفر به تونس این دو مین سفر آنان به خارج و اولین سفر شان به افغانستان می باشد .

به اسراروف می گویم :

« گروه گلشن را يك آ ر کستر کامل جاز با و سایل مدرن موسیقی و نحوه اجرای مدرن یعنی نو تیشن همراهی می کند در حالیکه شما آن را انسا مبل معرفی می کنید که مجموعه یی باید باشد از آلات ساز محلی با خصوصیات بومی آن میتواند بگوید در صورتی که این آ ر کستر باشکله کار مدرن خود از نظر شما انسا مبل است ، پس آ ر کستر دارای چه خصوصیات باید باشد ، میگوید :

« منظور در این جا محتوی است که شامل ناب ترین پارچه های محلی میگردد و شکل ارائه بومی دارد و از نظر ما انسا مبل کو چکتر از آ ر کستر است که باید در آن چندین آله از يك نوع ساز وجود داشته باشد و خصوصیات اجرا نیز کامل علمی و دقیق ، بگونه یی که هر ساز در آ ر کستر صدای خود را بکشد و نه آنکه در میان صدای سایر ساز ها گم و نا محسوس گردد .

پرسش دیگر از اسراروف این است که :

ترکاری و میوه جات و بعضی از لبنیات که باعث چاقی نمی شود می باشد . جوانانیکه به این مشکل گرفتار اند و وزن اضافه دارند باید يك پرو گرام منظم و طولی برای کم کردن وزن اضافی خویش طرح نمایند و آن را با حوصله و پشتکار با گرفتن

رژیم غذایی مناسب دنبال نمایند . شاید يك كيلوگرام وزن اضافی رادرمندت يكماه و شاید اضافه تر کم نمایند و این خود می رساند که چقدر انسان حوصله داشته باشد تا بتواند به مقصود خویش نایل آید .

حسادت و بی اعتمادی ریشه خوشبختی خانواده را می خشکد

نمی دانم گاهی برای شما هم اتفاق افتاده که بعضی موضوعات بسیار کوچک و پیش پا افتاده که اصلاً کوچکترین ارزشی نداشته انری به در روابط خانواده گذاشته است و علت آن اینست که زن و شوهر و یا دیگر اعضای خانواده نتوانسته اند یکدیگر شان را به درستی درک کنند و اعتمادی که لازم است بهم داشته باشند .

دوستی به من قصه کرد و گفت : که از زندگی خانواده می خود فوق العاده ناراضی و دلشنگ هستم ، نمی دانم چکار کنم ، از یکسو فشار کارها و از جانبی نا را حتی در خانواده باعث شده که اعصاب خود را از دست بدهم . گفتم این نا را حتی از چه بابت است و انگیزه که باعث شده این قدر نا راحت باشی چیست ؟ می گوید : والله چه عرض کنم هر وقتی به خانه تیلیفون می کنم می بینم که تیلیفون خانه مصروف است و قتی عصر به خانه باز می گردم از همسر می پرسم که چرا اینقدر تیلیفون منزل مصروف می باشد ، کی این قدر کم می زنی؟ ولی همسر بکلی متکر این موضوع بوده که اصلاً تیلیفون مصروف نبوده و کسی هم صحبت تیلیفونی نداشته ، در حالیکه بارها چنین اتفاق افتاده که من به منزل تیلیفون بکشم و لی تیلیفون همچنان مصروف بوده است . نمی دانم چرا همسر من از من پنهان میکند و در این موضوع چه رازی نهفته است که نمی خواهند برایم بگویند . همین باعث شده که روح مرا آزرده سازد و بیشتر به ناراحتی من بیفزاید .

به دو ستم گفتم که این موضوع اینقدر ارزش ندارد که خود را ناراحت سازی شاید تیلیفون منزلت خراب باشد و یا اگر هم تیلیفون خراب نباشد همسرت و یا کسی دیگر بایکی از دوستانش حرف می زند و زود زود آنها را که می شناسی نام خدا ز یاد پر حرف هم هستند و مخصوصاً قتی بیکار باشند . دیگر متوجه گذشت و قتی و زمان نمی باشند . دوستم گفت : نی موضوع این قدر ساده هم نیست که تو فکر میکنی شاید رازی در بین باشد که من و تو از دانستن آن عاجز هستیم . دیدم این دوست دیرینه ام

است برای اینکه دو ستم را از این وضع نجات داده باشم به اجازه دو ستم بطور خصوصی به امور زندگی شان مداخله کردم ، بعد از تحقیق زیاد با لایحه متوجه گشتم که موضوع از چه قرار است ، آیا می دانید که چه حادثه کوچک و پیش پا افتاده که باعث خنده شما نیز می شود و کم بود زندگی خانوادگی دو ستم از هم بیافتد در اثر بی فکری دو ستم داشت در عمل پیاده می شد . برای اینکه شما رابه انتظار نگذاشته باشم برایتان می گویم :

بعد از چند روز رفتن به خانه دو ستم آنهم وقت و نا وقت متوجه شدم که طفل



چهار ساله دو ستم به سبیل تفریح گوشک تیلیفون را برداشته بعد از این که در گوشی تیلیفون حرف های بچه گانه می زد دو باره آن را می گذاشت و لی این پسر شوخ بجای اینکه آنرا در جایش بگذارد آن را طوری روی تیلیفون قرار میداد که قید تیلیفون بلند مانده و فکر میشد که تیلیفون مصروف است . و وقتی دو ستم بارها به منزل خسویش تیلیفون می نمود می دید که تیلیفون منزلش مصروف است . همین امر کوچک و خنده دار کم بود شیرازه خوشبختی زن و شوهری را که میخواستند زندگی خوش و آ را می داشته باشند از هم بیافتد . و قتی این موضوع را بدو ستم گفتم و او را به اشتباهش متوجه ساختم فوق العاده از کردۀ خویش پشیمان گشت . اما سخن به همین جا ختم نمی شود به این معنی که و قتی همسر دو ستم دانست که شوهرش نسبت به او چه احساسی داشته و ناحق به او بدگمان بود و در طول این چند وقت چقدر خلق تنگی ها و بدگزارگی نموده است ، برای

اینکه اعاده حیثیت کرده باشد ، لباس های خود را جمع کرد و دست پسر چهار ساله خود را گرفت و به خانه پدر رفت . هر قدر دو ستم التماس کرد ، زاری نمود که از عزمش منصرف شود و او را ببخشد سودی نبخشید و همسر دو ستم به خانه پدر خود رفت مدت يك هفته دو ستم در خانه اش بدون همسر و طفلش زندگی کرد بالاخره حوصله اش سر رفت و می خواست که کار را یکطرفه سازد . دیدم که دو ستم زیاد

عصبانی و ناراحت است و اگر در پین نشوم شاید کار از کار بگذرد و زندگی آنها از هم بیافتد . به خانه خسر دو ستم رفتم و همسر دو ستم را به هر ترتیب که بود به منزلش بردم . مدتی زن و شوهر از هم پیر بودند بالاخره با هم آشتی کردند و زندگی

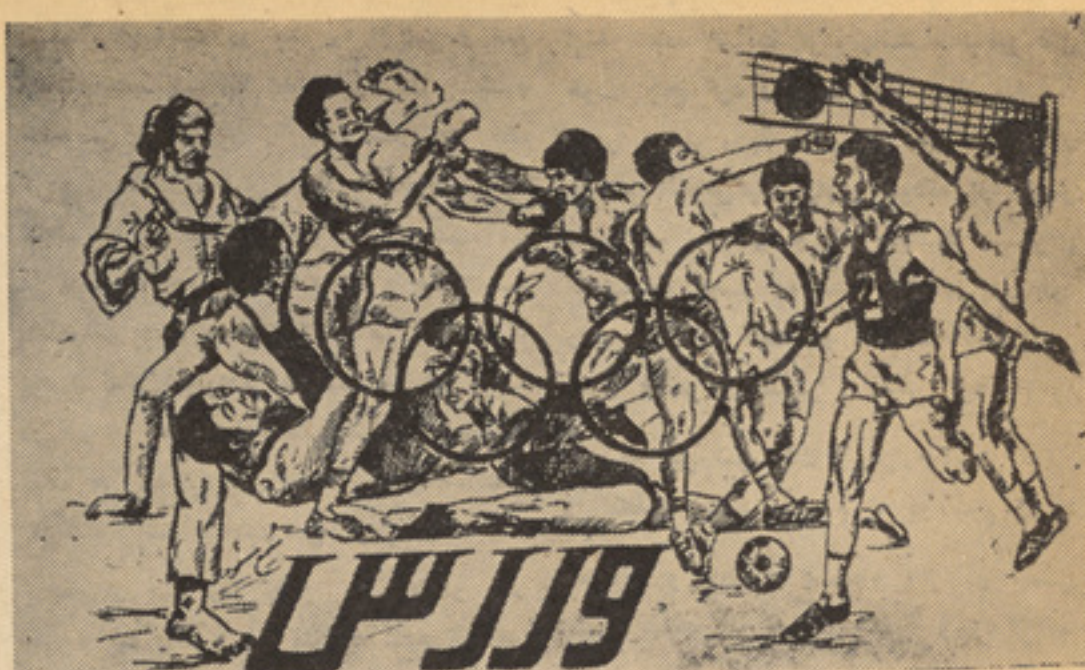
خوش خانواده را آغاز نمودند . شبی بغاطر اینکه در امر خوشبختی آنها گو شیده بودم مرا دعوت کردند این دعوت بیاس زحمات من بغاطر زندگی آنها بود . شب بغوشی گذشت و من از آن لذت فراوان بردم زیرا با کار خویش زندگی دو جوان را که کم بود از هم بیافتد نجات داده بودم .

بلی دوستان این قصه واقعیت دارد و ساخته و پرداخته خودم نیست و شما که شاید روزی صاحب زندگی زن و او لاد شوید و زندگی مشترک خانوادگی را بسازید متوجه باشید که زندگی خانوادگی بهرشته های خیلی باریکی از تباط دارد که اگر متوجه آن نباشید شاید در آینده برایتان درد سر های بزرگی ایجاد نماید .

زندگی زن و شوهری همانقدر که شیرین و دلچسپ است روی دیگر و رخ دیگری نیز دارد و آن رخ ، رخ بد و زشت زندگی است

که امیدواریم سر د چار آن نشوید . و این زمانی میسر است که شما به زندگی بهتر آشنا گردید و هر چیز زندگی را از دید منفی و عینک سیاه ننگرید . و قتی دو جوان به هم قول دادند که زندگی مشترک را بسازند . بقول تان اعتماد داشته باشید و هرگز فرا موش نکند پشت پا زدن بقول دور از نزاکت های زندگی است . و قتی به همسر تان اعتماد و اطمینان داشتید بگوشتش نهانید که آن را تا پای جان حفظ نهانید . به زندگی تان امیدوار باشید و خوشبین به آینده و این خیلی اهمیت دارد .

اعتماد و اطمینان بین زن و شوهر یکی از اساسی ترین مسائل زندگی خانوادگی بشمار می رود و گفته می توانیم که خوشبختی خانواده مخصوصاً بین زن و شوهر به این امر بستگی دارد .



مزارش از : عبدالکریم پوپل

موثرترین وسیله رشد استعداد های ورزشی برگزاری مسابقات است

بالترتیب دوم وسوم شدند .
در کلاس چهارم ۶۷ کیلو گرام رحمت الله کارمند از کلب تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۸۲ کیلو گرام در دو ضرب جای اول را گرفت جلیل از کلب کابو را در دو ضرب مجموعا ۱۷۰ کیلوگرام رابلند نموده به مقام دومی رسید وسید محسن از تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۶۲ کیلو گرام به مقام سومی رسید ، وزن ۷۵ کیلو گرام که کلاس پنجم میباشد حیات الله از کلب کابورا در حرکت دو ضرب جمعا ۱۹۵ کیلو گرام را بلند نموده مقام قهرمانی را به خود عنوان کرد . تاج محمد مدعی خوب و همیشگی این کلاس بابلند نمودن ۱۷۰ کیلو گرام جای دوم را گرفت و محمد حنیف از تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۶۰ کیلو گرام سوم شد . کلاس ششم وزن ۸۲ کیلوگرام محمد نادر از قوای مسلح با برداشتن هفده و نیم کیلو گرام در حرکت دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد محمد حیدر چهره خوب تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۶۵ کیلو گرام و محمد رسول از تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۴۵ کیلو گرام دوم و سوم شدند و در وزن ۹۰ کیلو گرام قدرت الله چهره موفق این ورزش در حرکت دو ضرب بابلند نمودن ۲۲۰ کیلو گرام از عنوان قهرمانی خود هوشیارانه دفاع کرد . درین وزن وبالاتر از آن میراجان از تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۹۰ کیلو گرام در حرکت دو ضرب نیز قهرمان گردید .

ورزشی شرکت نموده بودند مسابقات در چند مرحله تحت نظر اشخاص ملکی پیش برده شدو سر انجام این نتیجه اعلام گردید : شیر محمد زمانی از کلب قوای مسلح در وزن ۵۲ کیلو گرام با بلند نمودن ۱۳۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب جای او را گرفت .

محمد داود از کلب تعلیم و تربیه بابلند نمودن ۱۲۰ کیلو گرام و محمد اکرم بابلند نمودن ۱۱۰ کیلوگرام هریک دوم وسوم شدند . در کلاس دوم وزن ۵۶ کیلو گرام داراحمد از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۲۰ کیلو گرام در دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد و عبدالمجید از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۰۵ کیلو گرام

جای دوم را گرفت .

در کلاس سوم وزن ۶۰ کیلو گرام محمدنعیم از کلب سپورتنی قوای مسلح بابلند نمودن ۱۶۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب ، نجیب الله از کلب تعلیم و تربیه و خلیل از تعلیم و تربیه

طبق برنامه منظم ادامه دارد .

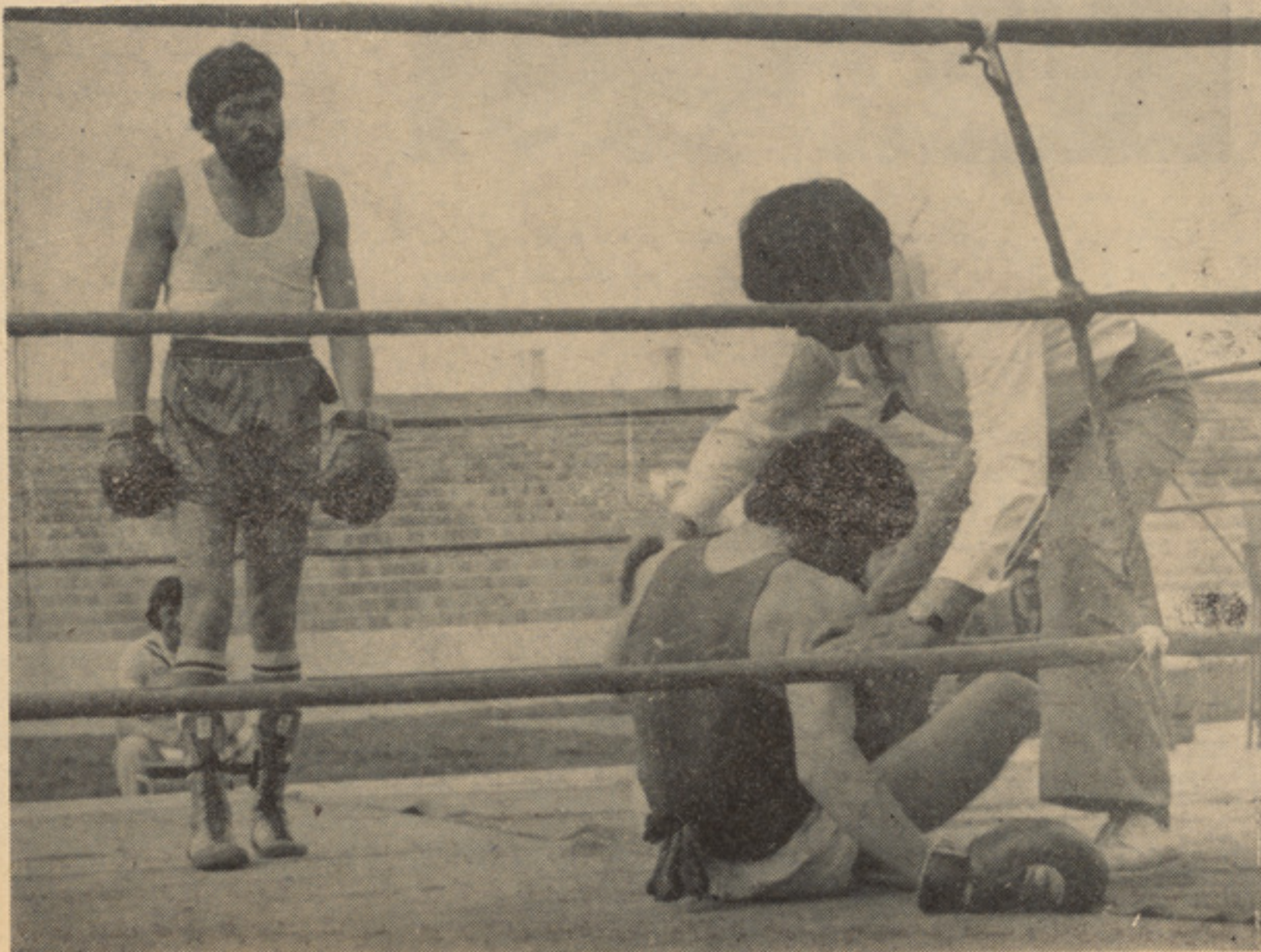
یک روز قبل از مسابقات هاکی، مسابقات انتخابی وزنه برداری در کلب ثقیله تعلیم و تربیه دایر گردید که درین رقابت های این ورزش تعداد ورزشکاران کلب ها و موسسات

ریاست عالی ورزش در شروع نیمه دوم ماه حمل طبق برنامه ویلان دست داشته شان به منظور انتخاب بهترین ورزشکار در تیم های ملی یکسلسله مسابقات را در رشته های فوتبال ، هاکی وزنه برداری و بوکسنگ طور جداگانه ضمن تدویر محافلی برگزار نمودند .

مطابق به برنامه اداره برگزاری مسابقات ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک مسابقات انتخاباتی هاکی روز ۱۶ حمل با شرکت تیم های منتخب تعلیم و تربیه ، پوهنتون کابل و کلوب ورزشی قوای مسلح در میدان های ورزشی کلوب ورزشی قوای مسلح تحت نظریات موقوف بایمانیه رئیس کمیته ملی المپیک دایر

گردید . و این مسابقات بعد از چند روز درگیری تیم هایکی مقابل دیگر هفته سوم ماه گذشته به سرانجام خود رسید که در نتیجه نهائی علاوه بر معرفی بازیکنانیکه در تیم ملی انتخاب گردیدند تیم پوهنتون با پیروزی بیشتر شان بر تیم های مقابل جای اول را گرفتند و تیم هاکی کلوب ورزشی قوای مسلح جای دوم را احراز کردند . کپ قهرمانی این مسابقات به تیم قهرمان توسط دیپلوم انجنیر نصیر احمد رئیس کمیته ملی المپیک به کپتان آن تیم اهدا شد .

تیم های منتخب تهرينات اساسی شانرا تحت نظر ورزیده ترین مربیون داخلی وخارجی برای آمادگی در مسابقات ورزشی سومین جشن انقلاب شکوهمند تور وسفرهای ورزشی حسن نیت وغیره از سر گرفتند که تهرينات ایشان



رستم کارمند بکسر جوان وبا استعداد که در روند اول حریف را از پا درآورد .

ملی المپیک از جمله تمام شرکت کنندگان صرف آنانیکه به مقام قهرمانی و درجه های دوم و سوم قرار گرفتند به حیث اعضای تیم ملی شناخته شدند. که آنها تمرینات اساسی شانرا طبق یک برنامه منظم تحت نظر ترینران ورزیده و آزموده این ورزش آغاز نمودند.

روز ۲۲ حمل برای ورزشکاران بسوکس و تماشگران علاقمند به آن، روزنهایت خوب بود زیرا در آن روز باز هم ورزشکاران بعداز یک وقفه کوتاه روی رینگ مسابقه با هم دیدن بازدید نمودند. درین دیدار های انتخابی عده کثیری از تماشاگران نیز حضور به هم رسانیده بودند.

تعداد شرکت کنندگان که به اضافه از یکصد ورزشکار میر سید در آن چهره های کاملاً جوان تازه وارد روی رینگ مسابقات، و جوانان سابقه دار که از دیر زمانست به حیث مسابقه کننده در اکثر مسابقات شرکت ورزیده دیده شدند. جوانان تازه وارد با تاکتیک و تخنیک خوب و عالی وانرژی بیشتر در کیفیت مسابقه افزوده بودند.

این مسابقات نسبت به دیدار های قبلی تفاوت زیاد داشت به این معنی که چهره ها با قدرت ونیرومندی خاص برای کسب عنوان های از دست رفته شان به روی رینگ تبارز نمودند وبا درخشندگی یکبار دیگر در بین قهرمانان عرض وجود کردند و در نتیجه نهایی پس از چند دور دیدار ها در وزن ۵۲ کیلو گرام نثار احمد قاری زاده از کلب ورزشی قوای مسلح بر مقام قهرمانی تکیه زد احمد عمر چهره خوب وجوان این ورزش با تفاوت چند امتیاز جای دوم را اشغال کرد وی عضویت کلب عمر شهید را دارد. صالح محمد عضو کلب شهر شهید به درجه سومی قرار گرفت در وزن ۵۷ کیلو گرام از کلب شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان، محمد هارون از کلب عمر شهید و محمد اسماعیل از کلب دافغانستان بانک هر یک به مقامهای اول، دوم و سوم قرار گرفتند در وزن ۶۰ کیلو گرام غلام ربانی از کلب نساجی بگرامی جای اول را گرفت. خلیل احمد از کارتو گرافی دوم شد ومحمد سلیم به درجه سومی ماند. در وزن ۶۳ کیلو گرام محمد حسن و عبدالجلیل اعضای کلب عمر شهید هر یک اول ودوم شدند گرام الدین عضو کلب اختری جای سوم را گرفت در وزن ۶۷ کیلو گرام رستم کارمند از کلب تعلیم و تربیه با مهارت ودرخشندگی خاصی از عنوان قهرمانی خود دفاع کرد. میر عبدالحکیم از تعلیم و تربیه دوم شدو محمد صادق از کارتو گرافی به مقام سومی رسید. در وزن ۷۱ کیلو گرام عبدالحلیم از کلب اتحاد جوانان به مقام قهرمانی رسیدو شهاب الدین از کلب شهاب الدین و حیدر علی از کلب اختری بالترتیب دوم وسوم شدند. در وزن ۷۰ کیلو گرام عزیز الله عزیز ی بعداز یک

شکست اش در مسابقات قبلی بوکس دوباره به عنوان قهرمانی خود رسید و غلام فاروق از کارتو گرافی دوم شد.

دروژن ۸۰ کیلوگرام عبدالسمیع از کلب عمر شهید به مقام قهرمانی رسیدو سید کمال از کلب عمر شهید جای دوم را اشغال کرد.

در شروع گزارش متذکر شدیم که مسابقات در رشته های فوتبال هاکی، وزنه برداری و بوکسنگ بود. مسابقات فوتبال جام خیبر روز یکشنبه ۱۷ حمل در میدانهای ورزشی انستیتوت پولی تخنیک پوهنتون کابل بابیانیه رئیس کمیته ملی المپیک گشایش یافت. درین مسابقات نزده تیم شرکت ورزیده که آنها به سه گروپ الف، بوج دسته بندی گردیدند چنانکه در گروپ الف تیم های آمو، کارگر، کلوب ورزشی قوای مسلح، پولتخنیک، باخترو لاله ها در گروپ ب تیم های اتفاق، میوند، بانسک پامیر، کابوراو هندو کش ودر گروپ ج

تیم های پوهنتون کابل، جیبیانا، ستور، آریا، اکادمی خارتدوی، تعلیم و تربیه واتحاد شامل میباشد.

مسابقات روز پنجشنبه وارد شانزدهمین روز خود رسید طبق برنامه مرتبه تمام تیم های شرکت کننده در گروپ های شان در دوراول پنج الی شش مسابقه را انجام میدهند که در ختم دور اول از هر سه گروپ دوتیم که امتیازات بیشتر را نصیب شود به دور دوم مسابقات پیش میروند.

طوریکه جدول نتایج از شروع تا روز ۳۰ حمل بررسی شد در گروپ الف تیم کلوب ورزشی قوای مسلح بیشتر ین امتیاز را داشت به این معنی که آن تیم با انجام دادن سه مسابقه دوبرد ویک مساوی داشته در طول این سه مسابقه سه گول زده ویک گول خورده و پنج امتیاز را نصیب گردیده بود، و تیم آمو با داشتن ۴ امتیاز از سه مسابقه نصیب

گردیده جای دوم را داشت. در گروپ دوم تیم هندوکش دسر خط جدول نتایج دیده شد آن تیم سه بار باتیم های مقابل در گروپ شان دیدار نموده بایسک برد و دو مساوی و داشتن ۴ امتیاز جای اول را اشغال نموده بود. تیم اتفاق درین گروپ جای دوم را داشت. در گروپ سوم در صدر جدول نتایج تیم فوتبال اکادمی خارتدوی با تفاوت قابل ملاحظه امتیازات قرار داشت این تیم با پایان دادن سه مسابقه دو برد و یک مساوی داشته پنج گول زده و دو گول خورده دارند. تیم جیبیانا با داشتن سه امتیاز جای دوم را درین گروپ داشت.

تیم های شرکت کننده مسابقات شانرا جهت بدست آوردن جام خیبر تا چند روز دیگر ادامه خواهند داد که در ختم این دیدار ها گزارش دیگر پیرامون نتایج عمومی مسابقات برایتان تهیه خواهم کرد.

مترجم: «ع غیور»

انکشاف ورزشهای دومیدانی در بلغاریا

ورزشکاران جمهوریت سوسیالیستی بلغاریا مانند سایر سپورت ها در رشته سپورت دو میدانی نیز موفقیت های چشم گیری بدست آورده اند. ورزشکاران آنکشور در طی سال جاری در بیش از (۱۹) ورزش التلیک ریکارد های جدیدی قایم کرده است. بر طبق عمین گزارشات در سال (۱۹۸۰) ده نفر از ورزشکاران بلغاریا در مسابقات دویدن هشت صد متر و (۱۵۰۰) متر خوب درخشید. گذشته از آن ورزشکاران آنکشور در سپورت وزن برداری نیز موفقیت های شایانی را نصیب شده است در جمهوریت سوسیالیستی بلغاریا برای انکشاف هر چه بیشتر سپورت دو میدانی در شهر های صوفیه، پور گاز، تورنووا، کابورو، پولیودیف، و ا رنا و امثال آن مراکز جدید تعلیمی و تربیوی گشایش یافته بطوریکه سلسله تمرینات بین ورزشکاران به صورت متواتر ادامه پیدا می نماید. ورزشکاران آنکشور پس از انجام موفقانه بازیهای میونخ ومونتريال به این نتیجه رسید که تبادل و ورزشکاران واشتراك تیم های ورزشی در مسابقات ملی و بین المللی در جهت انکشاف ورزش های دو میدانی و اتل تیکی تاثیر بسزایی را دارا بوده است.

در حال حاضر مسابقات دو میدانی در رشته های مشت زنی، پینگ پانک، تیش، والیبال دویدن، آب بازی وزن برداری و پهلوانی در کلبهای سپورتنی آنکشور بشدت جریان دارد. مسابقات ورزش پهلوانی، وزن برداری و دویدن در بلغاریا سابقه طولانی داشته است.

بقیه در صفحه ۳۸



یکی از دختران ورزشکار بلغاریا

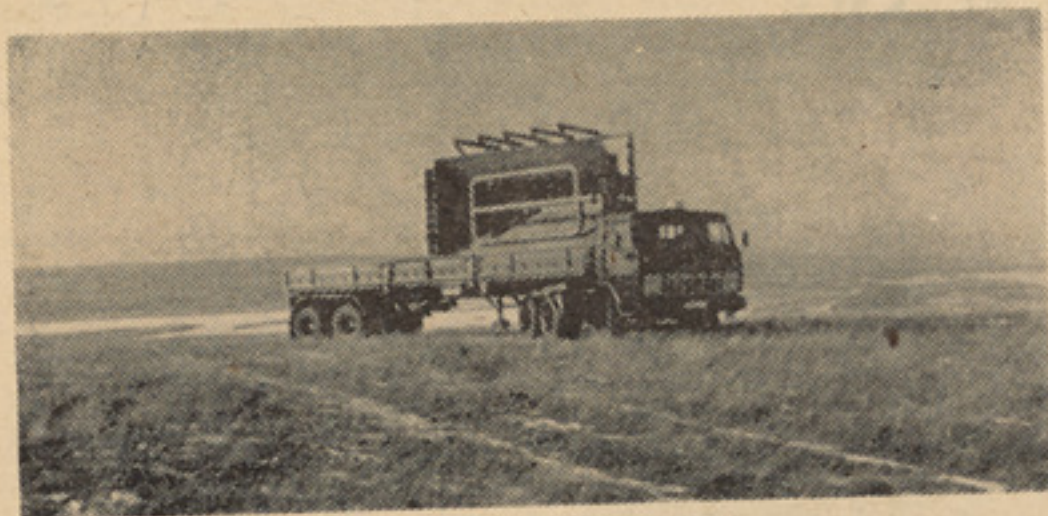
میشود دیزاین کننده گان نوآوری های نموده که با استفاده از آن عین پروفیل را میتوان در بلاک های متفاوت گاماز مورد استفاده قرار داد. و بدین ترتیب از ضایع شدن هزار ها تن فلزات مختلف به شکل مواد اضافه تولید

جلوگیری شده است .

تاسیسات عظیم صنعتی گامازنه تنها پروفیل های صنعتی خود را حل می نماید بلکه همکاری های همه جانبه خود را با دیگر فابریکات و مو -



را در زمینه تقسیم بین المللی کار و تولیدات صنعتی بین ممالک دارای سیستم های متفاوت سیاسی بررسی خواهد کرد. طوریکه واقع است اکثر کشور های اروپائی و امریکایی مانند اشلای متحده امریکا - جمهوری اتحادی آلمان، ایتالیا، فرانسه، جاپان، هالند، بلجیم، سویدن، و از جمله ممالک سوسیالیستی جمهوری دیموکراتیک آلمان، جمهوری مردم مجارستان، جمهوری پویند بلغاریه، چکوسلواکیا و یو -



سست صنعتی کشور هم ادامه میدهد. خصوصا تحقیقات دوامدار صورت گرفته تا به همکاری موسسات صنعتی داخلی بتواند از وارد شدن مواد خارجی که برای تولیدات گاماز ضروری بود جلوگیری کرده و مواد مشابه را در داخل اتحاد شوروی تولید نماید. با عملی شدن این اقدامات مفید صرف در سال ۱۹۸۰ در حدود بیش از هشت میلیون روبل به اقتصاد ملی مملکت مفاد عاید گردیده است .

فابریکات موتور سازی گاماز - در یک منطقه کوچکی تاتا ربه نام - (نابریونیک چل ناخ) - ایالت کام موقعیت دارد اما این نوع پروژه های بزرگ صنعتی مانند گاماز - نه تنها در رشد سریع و همه جانبه اقتصاد خود همان منطقه تاثیر فوری دارد بلکه تاثیرات آن به مراتب عمومی تر و وسیع تر باید محاسبه شود بطور مثال شعبات متعددی این پروژه بزرگ صنعتی که اهمیت بین المللی دارد در شهرهای مختلف در نزدیکی تاتاریا در شهر های که به فواصل خیلی دور از آن واقع است قرار دارد .

موسیلایا در ساختمان تاسیسات عظیم صنعتی گاماز - همکاری و تجهیزات ساخته کشور های شان را برای سپیم شدن به این پروژه عظیم صنعتی جهانی که اهمیت مهمی در همکاری های صنعتی و اقتصادی جهانی دارد فرستاده اند . تجهیزات عصری و مدرن فابریکات - گاماز - تکنالوژی فوق العاده مدرن را مورد استفاده قرار داده که با استفاده از آن میتوان صرفه جویی های بزرگی اقتصادی کرد. بطور مثال اکثر پروفیل های فلزی که در ساختمان قسمت های مختلف این موتور باربری از آن استفاده



نانه های



از هفت اقلیم

ترجمه و تتبع : محمد نعیم (نیواد)

موتورهای مازک، گاماز، موتورهای

نسل جدید

از جمله بزرگترین فابریکات تولیدی موتور های باربری جهان است .

حالا میخواهیم بصورت مشخص در زمینه رول موتورهای گاماز در حیات اقتصادی و صنعتی شوروی معلوماتی ارائه نماییم .

موتور های مازک گاماز برای کشور شوروی بر علاوه از دیگر ساحه های حیاتی دوظیفه خیلی مهم و حساس اقتصادی را انجام میدهد. اول اینکه بصورت عموم موتورهای - گاماز - توانا خیلی بلند نسبت به تمام موتورهای باربری قبلی شوروی دارد و مزیت دومی آن این است که موتور های گاماز با انجن دیزلی مجهز میباشد که از نظر اقتصاد منافع هنگفت را به اقتصاد مملکت بارمی آورد و مواد سوخت قابل ملاحظه ای صرفه جویی میشود و از طرف دیگر مسوومیت راکه در اثر سوخت بطول محیط زیست به آن مواجه میشود تا اندازه قابل توجه پائین می آورد.

کارگران و انجیران مربوط فابریکات گاماز - تعهد سیرده بودند که تاشروع بیست و ششمین کانگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تولیدات خود را به ظرفیت نهائی آن برسانند. کانگره نتایج کار پلانده ساله اخیر را بررسی کرده و امکانات همکاری های بیشتر



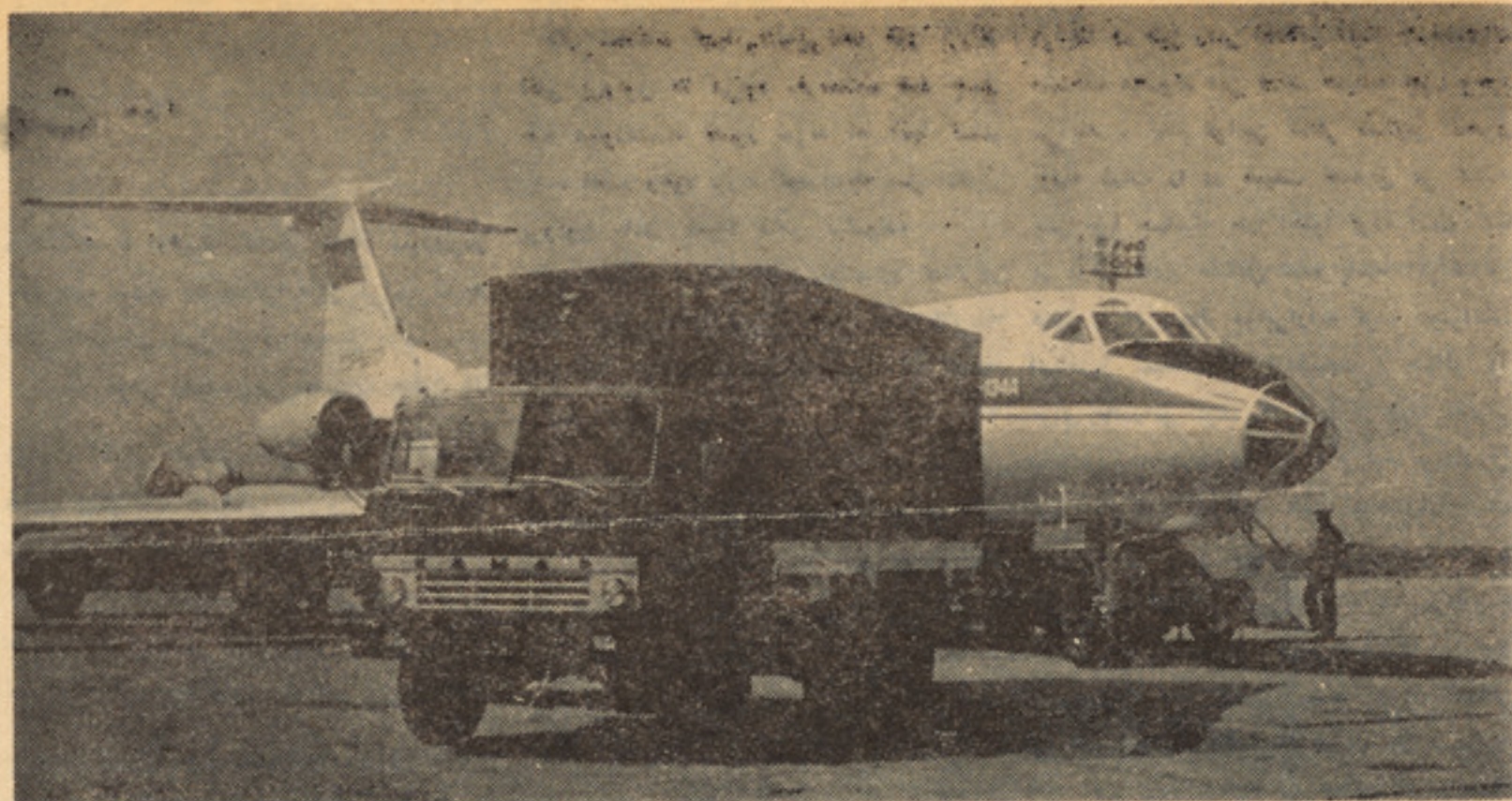
در هر یک از پلانتهای پنج ساله اتحاد شوروی پروژه های خیلی بزرگ و حیاتی صنعتی و اقتصادی گنجانیده می شود که با تطبیق آن تغییرات بزرگی در ساحات مختلف زندگی مردم کشور رونما میگردد .

در پلان پنج ساله اول پروژه بزرگ گاز «نیر» در پلان پنج ساله دوم پروژه عظیم و حیاتی فابریکات تراکتور سازی - ستالین گراد - بلاخره در پلان ده ساله ای اقتصادی که عنقریب خاتمه می یابد پروژه خیلی - عظیم صنعتی تولید موتور های مازک - گاماز - در فابریکات کام میباشد این پروژه مهم صنعتی

داد که ضد ماده در نظام کیهانی ما از ۱۰۰۰ فیصد اعداد عمومی ماده معمولی تجاوز نمی کند. این مسئله چه قسم نبوت شد؟ در انستیتوت تخنیک و فزیک لنین گراد در اوایل سالهای ۱۹۷۰ سپیکتر و مترمقناطیسی ساخته شد که این آله نه تنها ذرات را مشخص می ساخت بلکه آنها را از ضد ذرات تمیز میکرد، که خود مساله ای ساده نیست. زیرا در طبقات بالای اتموسفیر و در فضای کیهانی بعد کافی توانع در این رو وجود دارد.

در جریان سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۷ سپیکتر و متر بالون کیهانی را با ترکیب دستگاه ثبت اسناد به سر حد اتموسفیر به ارتفاع بلند انتقال داده آنجا ده ساعت معلق بود. ذراتی که از کیهان پرواز می کردند توسط دستگاه که از کیهان پرواز می کردند توسط دستگاه مربوط ثبت می شد. بعد از انجام پروگرام داده شده دستگاه توسط پراشوت به زمین پائین آورده شد که علمای تجربه کننده لنین گراد را وادار به مطالعه صد هزار حادثه قید شده در دستگاه نمود تا بالاخره امکان میسر شد که انتی پروتون (ضد پروتون) را در شعاعات کیهانی کشف کنند.

اخبار این مطلب در کنفرانس فزیک شعاعات کیهانی سر تاسری اتحاد شوروی که در سال ۱۹۷۹ در مرکز ارمنستان اتحاد شوروی شهر «ایرلوان» دایر شده بود صورت گرفت. بعداً اشتراک کنندگان شانزدهمین کنفرانس بین المللی لفظاً ورق بزیند



که این فابریکات موتوهای تیپ جدید یعنی موتوهای - نسل دوم را که تواناژان به مراتب نسبت به موتوهای باربری مشابه آن بلندتر است و قابلیت استفاده را در ساحات اقتصادی کشور دارا میباشد تولید می نماید.

بطور مثال در شهر (بود یسوی) مربوط به روسیه فابریکه تولید، (تقویه کننده اتوما - تیک ها یدرو لیکی) - در شهر (یارو سلاو) فابریکه تولید سیستم های مختلف برای انجن های دیزلی در سایبریای شرقی فابریکه تولید سیستم های مختلف برای تعبیه و استفاده

مترجم: نورمحمد همتا استاد در انستیتوت پولی تخنیک.

آیا ضد ا د جهان حیه وجود دارند؟

باقبول قوانین فزیک، در مقابل هر ذره ابتدایی ضد ذره وجود دارد.

ما ضد ماده ؟

اگر ضد ماده وجود دارد، پس چه قسم در کجا، و بکدام سو به ؟

به آن جهت جهان واقعی

ضد ذرات اولین مرتبه توسط فزیکدان انگلیسی «دیرک» بیشتر از ۵۰ سال قبل پیش گویی شده بود. معلوم شد که پوزیترون یکی از چنین ذرات است که در سال ۱۹۳۲ در تجارب باشعاعات کیهانی کشف شد. پوزیترون در مقابل علما چون انعکاس آئینه وار الکترون قرار گرفت. تجارب بعدی در سرعت دهنده ها اثبات کرد که در مقابل هر ذره ابتدایی واقعا ضد ذره نیز موجود است. علاوه تجربه در سرعت دهنده عمده شهر «سیر پوخووه» مربوط مسکو اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ امکان داد که حتی هسته ضد هلیوم رادر یابند. اما علمائیکه در برابر ضد جهان حیه مصروف بودند، امثال چنین ذرات رادر یافت نکردند. زیرا ذرات مصنوعی ایجاد شده بودند. علم

متکی به حصول آن از کیهان است. عقیده بر آن بود که اگر در کیهان ضد ماده بشکل مایکرو سکویی موجود باشد، پس نفوذ آن در سیستم آفتابی از امکان بعید نیست به این ترتیب به اساس فرضیه عالم اتحاد شوروی اکادمیسین «و. کانستان تینووه» ستاره های دنباله دار و یا حداقل بخشی از آنها در سیستم آفتابی از ساحات خیلی بعید کیهان نفوذ می کنند، میتوانند از اعداد ماده تشکیل شده باشد. این فرضیه برابر متناظر کیهانی را ایجاد کرد که باید نبوت می شد. خاصا تشعاعات سیاراتیکه از زمین دیده میشوند جوابی به این مسئله «آیاسیارات ۱ ز مواد و یا ضد مواد متشکل اند یا خیر؟» نمیدهند. ایجاد می کرد تاراه های دیگری تعقیب شوند، علما



به آن جهت ...

در دستگاه با ارقامیکه علمای اتحاد شوروی در باره داده بودند مطابقت کرده این ترتیب نتیجه حاصله علمای لنین مراد تصدیق شد.

نتیجه دومی وعده این تحقیقات عبارت از اهمیت زندگی طولانی انتی پروتون ها است مطلب اینجاست که انتی پروتون های حاصل شده بطریقه مصنوعی از سرعت دهنده (دستگاه تجربه) تقریباً ۸۵ ساعت زندگی دارند شاید هم بتوانند زیاد تر زنده بمانند ، هنوز بررسی دقیق درباره وجود ندارد . حقایق قید شده راجع

به انتی پروتون های تشعشعات کیهانی نشان میدهند که آنها حداقل میتوانند ده ها میلیون سال زنده بمانند . درباره اینکه آیا آنها فرستندگان ضد جهان حیه اند یا خیر ؟ چیزی نمیتوان اظهار نمود .

فزیک شعاعات کیهانی که در اگست سال ۱۹۷۹ در پایتخت قدیمی جاپان «کیوتا» دایر شده بود به مطلب انتی پروتون آشنا شدند . گروهی زیاداتی پروتون کشف شده با انرژی ۱۲ الی ده میلیارد الکترون ولت (۰۰۶) از گروه پروتون های عادی ای کیهانی را تشکیل میدهند این انتی پروتون ها اولین انتی پروتون طبیعی بودند که از انتی پروتون های کشف شده تجربه با سرعت دهنده تفریق می شدند .

بعد از چندین ماه خبر داده شد که فزیکدانان امریکایی در «یخناس» چنین تجربه ای را انجام دادند . یعنی به استفاده از بالون های کیهانی دستگاه مربوطه را به سرحدات موسفر بالا برده بعد از انجام وظیفه دوباره به سطح زمین پائین آورده شده گروه انتی پروتون های قید شده

بقیه صفحه ۳۵

انکشاف ورزشها

طوریکه در راپور هاند کار رفته نخستین مسابقات پهلوانی در شروع قرن نهم در شهر پولیدیف آغاز گردیده و سپس دامنه آن به سایر حصص آنکشور وسعت یافته است . پهلوانان یونان قدیم گفته اند که ورزشکاران بلغاریا در رشته ورزش کشتی گیری مهارت تام دارند . کشتی گیران ترکیه در عصر امپراطوری عثمانیه نیز اعتراف کرده که یورش پهلوانان بلغاریا در حوزه بالقان شهرت خاص داشته است .

فدراسیون ورزشهای دو میدانی بلغاریا در سال (۱۹۶۲) یعنی دو سال قبل از شروع مسابقات المپیک در مونترال واقع در کانادا چندین کلب سپورت پهلوانی ووزنه برداری را افتتاح نمود ، گرچه در شروع مشکلات بزرگی در جهت جذب تعداد کلب ها موجود بود معذالک در او اخر سال (۱۹۶۳) پس از باز گشت تیم وزن برداری آنکشور از بلگراد تمام معضلات حل و فصل گردید .

دو تحول عمده وبزرگی که اکنون در رشته های ورزش دو میدانی در آنکشور رونما گردیده همانا بکار بردن طریقه های جدید جهناستیک در سپورت دو میدانی و «سپار کاتیاده» است . در سال (۱۹۷۹) تیم های ورزشی بلغاریا در بیش از پانزده پسر و گرام جهناستیک و «سپار کاتیاده» اشتراک کرده بطوریکه بیش از نصف آن در کشور های حوزه بالقان و

می آیند در عین زمان انکشاف آئینه جالری ذرات مشاهده میشوند این ذرات همیشه جوری وجود می آیند ، تمام قوانین تناظر مساوی العنق بودند ذرات را در طبیعت تصدیق می کنند .

پس چرا جهناستیک ما را احتوا کرده است تنها از ذرات عادی تشکیل شده باشد ؟ فزیکدانان هنوز به این سوال جوابی ارایه کرده نمیتوانند ، آنها هنوز نمیدانند که جراطبیعت ، جهانی را برای ما دزدانی کرده که تنها از مواد معمولی تشکیل شده است و نه از مواد و ضد مواد ؟ درین باره نظریات و فرضیه های متعددی ارایه شده است . زیاده از صد سال قبل ریاضی دان و نویسنده «لیویس گیرول» قصه دلچسپ (الیسه در آئینه) را نوشت . آخر افسانه د جهان حیه در پشت آئینه و جهان است که در آن انعکاس می یابد که نظریه احکام قوانین فزیک از اشیائیکه ما را احتوا کرده اند به هیچ خصوصیتی تمیز شده نمیتوانند . اما علم امکان آنرا پیدا می کند که از پشت آئینه و جهان در عمق جهان حیه بیش برود ؟؟

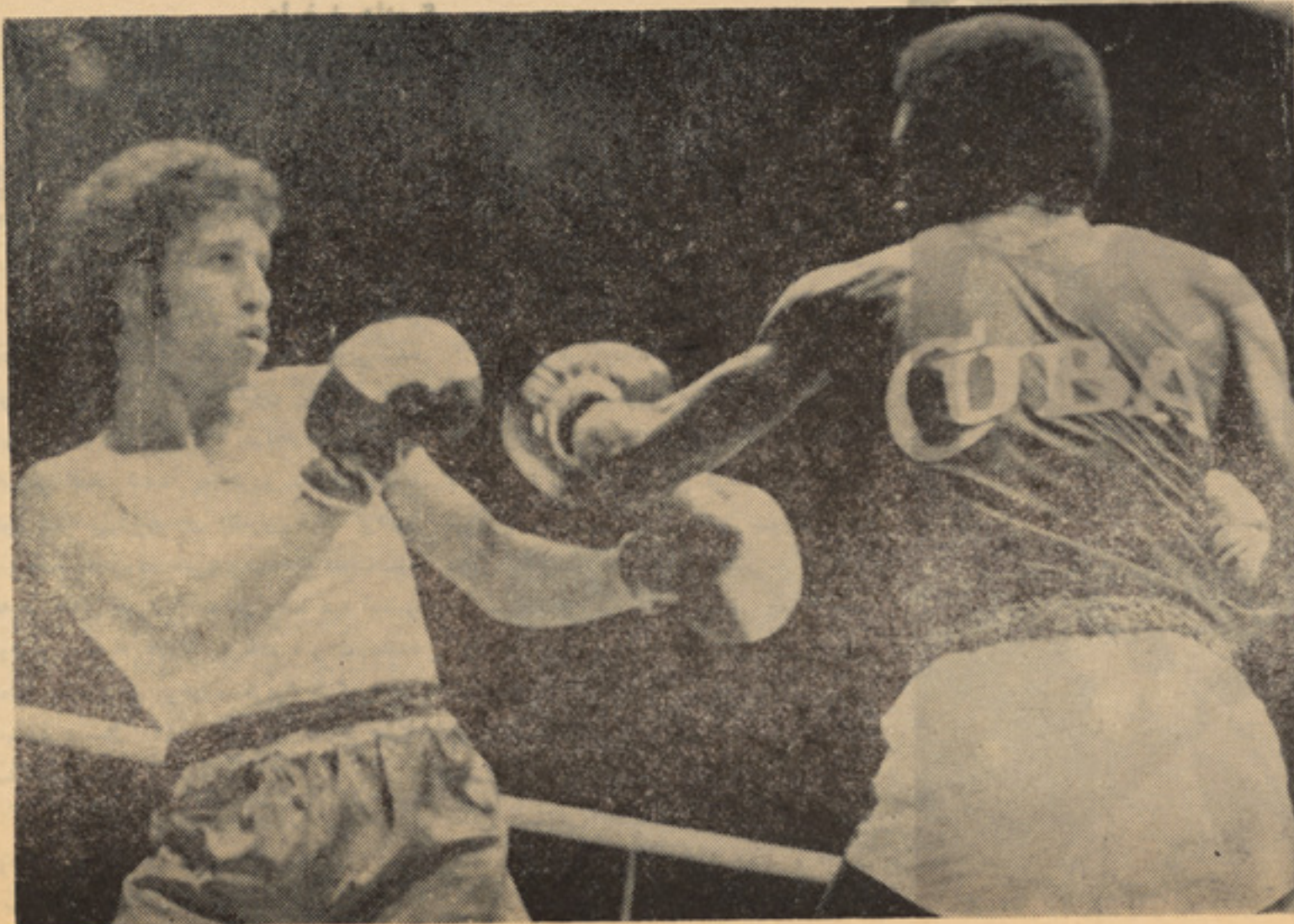
اگر شعاعات کیهانی دارای قطب های بزرگ انتی پروتون ها می بود ، فرستنده ضد جهان حیه میتوانند تصور شوند اما آنها کسم اند ، آنقدر وجود دارند که در نتیجه عمل متقابل پروتون عادی با مواد ظاهر میشوند .

این مطلب اساس ادعای رامیگنارد که اگر در نظام شمسی مانندی پروتون وجود دارد طوریکه قبلا تذکار یافت مساوی به ۱۰۰ فیصد مقداری عمومی مواد است .

این امر بیشتر به فزیک ستاره شناسی نیوترون ارتباط می گیرد . طوریکه معلوم است نیوترون خاصیت قوه تحفظ عالی را داراست این ذرات یعنی نیوترون از مواد با ضخامت زیاد با حفظ تمام خصوصیات مربوط به خود میتوانند عبور کنند با حصول چین ذرات که در مسیر کیهانی چندین میلیون سال زندگی می کنند علما معلومات بیشتری در رابطه با وجودیت ضد جهان حیه میتوانند ارایه کنند . مساله دلچسپ دیگر اینکه: اگر در سرعت دهنده زمینی (دستگاه تجربه) ذرات بوجود

چشم گیر بوده است . به عقیده دوشیزه (ت)، در مورد انجام مسابقات ورزشی بین کشور های پتروا) که در مسابقات دویدن یک هزار و پنجاه متری المپیک مونترال به گرفتن جایزه طلایی موفق گردید یکی از عوامل عمده وبزرگ پیروزی و موفقیت ورزشکاران بلغاریا در سپورت های دو میدانی همانا دوام تمرینات در داخل کشور و اشتراک در مسابقات ملو بین المللی می باشد . بر طبق پروتو کول هائیکه

کشور های سوسیالیستی انجام پذیرفته است . در طی سالهای (۱۹۶۴ - ۱۹۷۹) در مسابقات توکیو، مکزیکو، مونیخ و مونترال بیش از ۵۰۰ امتیاز بدست آورده است باز هم معیار امتیازات آنها در مسابقات المپیک سال (۱۹۸۰)



گوشه ای از مسابقات ورزش مشت زنی بین کیوبا و بلغاریا .

داستان

((اگر راست برایت بگویم هنوز هم فکر می‌کنم که مادشمنان عمری هستیم. با آنهم باتو دست می‌دهم و امیدوارم که تو با وجود ا و امر اکید روزی به يك موجود انسانی بدل شوی.)) آنجا را ترك گفتم. ریازنتسيف مرا دنبال کرد. وقتیکه در حویلی با او ایستاده بودم حس کردم که اشك به دور چشمانش حلقه زد.

پرسید:

((استیپان پتر ویچ، در شهر تاکی خوا هید ماند؟))

((ممکن باز سری به ما بز نید خوب می‌شود. با وجود این‌کاری که داری، آدم با اطمینان به نظر می‌رسی))

((ببخشید من او را آزار دادم...))
((خوب گذشت.))

((چیزی است که من می‌خواهم آن را بدانم. شما کلمات آدم سر به هوا را بکار بردید. یعنی ا و متعلق به همین گونه مردم هست))

((باشد. یا نباشد. آنچه مهم است این می‌باشد که وی متعلق به آن گروه مردمان هست که تو غرورشان را در هم کو بیده‌ی و او هرگز در برابر هیچ نیرویی سر فرود نیاورده هست.))
آنجا را ترك گفتم.

بخش پنجم

از آن پس، به زودی او جهان را پدرود گفت. به جنازه اش شرکت نداشتم زیرا در ما موریت پولیس مصروف بودم. فقط پس فر دای آن، توانستم تا ریازنتسيف را ببینم. وضع بدی داشت.

او آدم قد بلند، با چهره جدی بود. در گذشته با من بر خورد پر از محبت داشت ولی آن بار مثلیکه گیج شده باشد. دستم را گرفت که تکان بد هد ولی به زودی آنرا رها کرد و در حالیکه دور می‌شد گفت:

((از دیدنت بدم می‌آید. بهتر است دور شوی، دور!))

سرش به سینه خم شد و رفت. دو باره به ما موریت برگشتم تا با چیزی معده‌ام را پر کنم، زیرا بیش از دو روز بود که غذای سیر نخورده

بودم. ازان روز به بعد، غم‌واندوه مانند خوره تنم را می‌خورد. روز بعد سر ما مور پولیس مرا صدا کرد:

((حالا می‌توانی بروی، مکتوب هایت آمده است.))

در یکی از این مکتوب‌ها، امر شده بود که دختر را باید به تبعید گاه‌های دور تر ببرم. بسیار ناوقت!

خدا بر او رحم کرده بود و وی را نزد خودش خواسته بود!

... صبر کن این پایان داستان نیست. در راه باز گشت، ما به يك ایستگاه میانه راه توقف کردیم.

وقتیکه وارد اتاق شدیم، سما واری روی میز می‌جوشید. از سروسامان اتاق معلوم میشد، که زن پیر با سلیقه‌ی در آنجا موظف است. خودش پیدا شد. او زن بسیار يك، نظیف و ساده بود و سعی می‌کرد با هر کس رویه خوش داشته باشد، و بقیه دلش نزد هر کس باز بود.

او یکرنگ قصه زندگیش را می‌گفت:

((ببین من خانه میراثی را فروختم. کالا مالایم را جمع کردم و حالا به سوی خانه کبوتر کوچکم روان هستم. از دیدن من چقدر حیران خواهند ماند!))

اگر راست بگویم از خوشی غش خواهد کرد. ممکن است مرا ملامت کند ولی با دیدن همه چیز یا دش خواهد رفت. او از قهر زیاد برایم نامه نوشت و در آن گفت که هرگز پیشش نروم.))

مثل اینکه کسی به پهلویم ضربه زده باشد. من با عجله به آشپزخانه رفتم از پا دو آشپز خانه پرسیدم: ((این زن کیست؟))

((کی بوده می‌تواند غیر ما در همان دختری که تو به تبعید گاه بردی!))

این کلمات در قلبم زخم زد. از چهره‌ام فهمیده می‌شد که چه تکان ناگهانی خورده‌ام.

پادو پرسید:
((عسکر، چه شده است!))
گفتم:

((چپ باش! سر و صدا نکن. دخترك مرده است.))

ودخترك پادو که بارها شاهد چنین حوادث اندوه بار بود، این بار ناخود آگاه حسرت هایش را به هر کوبید، چپ زد و دویده بیرون برآمد. کلاه‌ام را برداشتم و بیرون شدم. پیر زن هنوز هم با سرور و شادی گپ می‌زد و صدایش در گوشم طنین می‌انداخت. گفته‌امی- توانم که چقدر دلم برای پیر زن سوخت و درد کرد.

باگیچی به راه افتادم و بسیار بعد ایوانف با گادی به من رسید و به آن سوار شدم.

بخش ششم

... قصه همینطور بود سپس سرمامور جریان دیدنم را از خانه تبعیدی به بالا گزارش داد و گرمی که در کوسترو ما موظف بود به مقام‌های بالایی. این گزارش‌ها به بالا بالا ها رفت و در نتیجه من از ترفیع ماندم. اگر راست بگویم من هرگز از آنچه انجام دادم، بآنکه از ترفیع ماندم، پشیمان نیستم.

باگذشت مدت‌های زیاد، هنوز خاطره این دختر جوان از دفتر ذهنم بیرون نرفته است.

همین حالا که گپ می‌زنم او در برابر دیدگانم قرار دارد.

این چه معنی دارد! کی می‌تواند آنرا توضیح بد هد!

((آقا، خواب نرفتی!))
خواب نبودم... اندوه کلبه کوچک درانبوه جنگل فرو رفت و تصویری غم‌آلود دختر مرده در دل تاریکی و فریاد زوزوه تو فان، جان گرفت... یاد داشت:

این داستان در مارچ ۱۹۸۰ وقتیکه کورلنکو در زندان مو قستی ویشنی- ولو چک منتظر حرکت به تبعید گاهش در سا یبریا بود،

نوشته شده است: این قصه‌ایکی از ژاندارم‌هاییکه وی را در همین سال در زندان بریوژوسکی پوچنکی به ویا تکا می‌برد، نقل کرده است. چهره دختر تبعیدی از روی سیمای اوئلنا یو لمیانوسکایا که ویرا کورلنکو در تبعید گاه ملاقات نموده است، تصویر شده است.

پایان

ارزشگفتی های رایج در جهان

در ازترین ناخن جهان

افتخار داشتن رکورد بلند ترین ناخن دنیا نصیب «موراری ادیتیا» از اهالی کلکته هند و ستان شده است. موراری طی ۱۲ سال موفق شد ناخن های دست چپ خود را تا ۱۶۵ سانتی متر بلند کند دست چپ موراری طی ۱۲ سال یکدفعه هم کار نکرده است.

ستراتیژی جدید

جهت مساعی برای بهبود وضع موجود برنا مه جدید خواستار چندین سطح اقدام همزمان بوده که عبارتند از:

۱- توسعه همه برنا مه های جاریه صحتی، تغذی، آموزشی و رفاه اجتماعی برای اطفال و خانواده های شان در راه جلو گیری از صدمه، مراقبت از معیو بیت ها قبل از وقوع آن و مداوا و احیای مجدد.

۲- تاکید بر نیاز مندی های همه کودکان، نه تنها طفل معیوب، تا آنکه رشد هر کودک تا حد ممکن شکل عادی داشته باشد.

۳- تقویت دانش و توانایی هر خانواده و اجتماع در امر جلو گیری از معیو بیت و کمک با آن کودکانی که معیوب گردیده اند.

دستور یونیسف در مورد معیو بیت

اطفال

۱- جلو گیری از معیو بیت های مد هشت ملیون ها طفل ممکن بود.

۲- اطفال لیکه با نقص های جسمانی، ذهنی، عصبی، مصاب اند غالباً از توجه اساسی و انگیزشی که همه اطفال در راه رشد و انکشاف خود به آن نیاز دارند محرومند.

۳- انقطاع پرو سه عادی انکشاف طفل ممکن است صدمه مد هشتی را نظر به آنچه معیو بیت تنها یی موجب میگردد برای طفل بار آورد.

۴- عوامل عمده صدمه ها و معیو بیت ها عبارتند از غذای نا کافی، مشکلات در موقع تولد، بیماری های قابل جلو گیری، تصادفات و آلودگی می باشد که مخصوص

یونیسف برنا مه گسترده ایرا در باره جلو گیری از معیو بیت ها و احیای معیو بیت های اطفال براه انداخته است. این برنا مه بر مطالعه ای که توسط (کمیته بین المللی احیا) که يك سازمان غیر دولتی و در مسایل معیو بین و معاونت تخنیک در فعالیت های یونیسف در این ساحه تخصص دارد، تهیه نموده بنا شده است.

در عین حالیکه از اهداف کلی (سال بین المللی اشخاص معیوب) حمایت میشود در فعالیت های یونیسف توجه خاصی به نیاز مندی های اطفال معیوب و خانواده های شان مبذول خواهد داشت. ستراتیژی عملی جلو گیری از معیو ب شدن اطفال، یا کاهش تاثیر آن، که از طرف هیئت اجرایی یونیسف مورد تصویب قرار گرفته، میتواند برای کشور ها جهت بهبود استعداد ملی شان در راه جلو گیری و مداوای معیو بیت اطفال خطوط عمده رهنمایی قرار بگیرد. این دستور العمل امکانات جدیدی برای همکاری با کشورهای رو به انکشاف را از طریق یونیسف و سازمان های علاقمند در داخل چوکات خدمات صحتی اولیه و سایر خدمات جمعیت بوجود میآورد. دستور العمل جدید ناشی از حقایق ذیل است:

صا اشخاص بی بضاعت و آنانی که بخد مات بشری کمتر دسترسی دارند به آن موا جه میگردد.

۵- بدنیا آمدن طفل ناقص یا وقوع معیو بیت میتواند بر تمام خانواده بار بیشتری تحمیل نماید. این موضوع میتواند استعداد خانواده را برای زندگی اقتصادی کاهش دهد و ممکن است آنرا در گرداب فقر غوطه ور سازد.

۶- صرف گاه گاهی برنا مه های بهبود زندگی کودکان و خانواده های شان از نگاه صحت، تغذی، آمو زش اساسی، رهنمای خانواده و بهبود اجتماعی نقش ارزنده شانرا در جلو گیری و کاهش معیو بیت ایفا نماید.

۷- بصورت عموم در حصه موجبات اساسی معیو بیت، جلو گیری از ان و امکانات احیای آن بی خبری حکمفرماست که در نتیجه آن خانواده ها و جوامع در سراسر جهان بی جهت اطفال خود را معیوب و ناقص میگردانند.

درباره مطبوعات جهان چه میدانید؟

قرار معلوماتی که نشریه رسمی «یونسکو» (سازمان فرهنگی و علمی ملل متحد) انتشار داده است روزانه در سراسر جهان دوسد شصت میلیون نسخه روزنامه طبع و نشر میشود. که برای هر ده هزار نفر مردم دنیا نود و دو شماره روزنامه نشر میشود. مجموع روزنامه هاسراسر دنیاسی هزار است و در تمام جهان هشت هزار روزنامه یومیه انتشار مییابد. همچنان غیر از روزنامه ها، روزانه دوسد میلیون نسخه مجله در دنیا طبع و نشر میگردد. تعداد مجلات برای هر ده هزار نفر هفتاد و پنج شماره میباشد. تنها در امریکا هشت هزار و پنجد و دوازده روزنامه یومیه و مجلات هفتگی و ماهانه در حال انتشار است. تیره و ترتیب محمد فاروق «اسیر»

عشق چیست

گلن و دیوید زن و شوهر روان‌شناس از نظر ارتباط بین شکل ظاهر و عشق نیز آمار جمع کردند بر طبق این آمار مردانیکه دارای قد بلند، شکل کوچک اندکی لاغر و چشم وابروی جذاب هستند بیشتر مورد شکار دختر ها قرار می گیرند این مرد ها از نظر هوش ذکاوت و شخصیت کمتر مورد آزمایش دختر واقع می شوند و آنند پرسر راه آنها دام عاشقانه گسترده می شود در حالیکه مرد های عضله ای از این بابت به مشکلات بیشتری مواجه می شوند و باید ثابت کنند که افراد هو شمند و بسا ذکاوت هستند زیرا ورزشکار بودن و عضله ای بودن برای هر دختری جذاب است و عاشقانه نیست .

در مقابل زنی که دارای پستان های بزرگ است بیشتر به جلب نظر مردی می پردازد که سگرت می کشد مجله های زنانه زیاد می خواند و ورزشکار است مرتباً قرار ملاقات می گذارد . در مقابل دختری که پستانهای صاف دارد سعی در جلب نظر مردی دارد که دارای تمامایلات مذهبی است و تاحدودی مطیع و سر بزر است .

در گزارش عشق این دو روان شناس حرفهای عجیب و غریبی هم آمده است مثلاً نوشته اند :

دختری که چاق است و با سن بزرگ دارد در آرزوی شوهری است که بتواند جذبه و قدرت حا کمیت داشته و به وی دستور بدهد در مقابل دختری که باسن کوچک و اندام باریک دارد خواهان مردی است که خلعت و عادت امر کردن را نداشته باشد بلکه بکارش عشق بورزد جدی و پول درآور باشد و در روابط بازنه خلق و خوی دمو - کراتیک داشته باشد .

در گزارش عشق تاکید شده : دختر خوش عیقل به جستجوی مردی می پردازد که عاشق پیشرفت و ترقیات است و تمایل به کسب قدرت های سیاسی و اجتماعی دارد .

غدد شیمیایی بدن ونحوه اندازه ترشحات آنها نیز در پیدایش عشق بین یک پسر و دختر تاثیر دارند یک پسر یا یک دختر تحصیل کرده و تربیت شده تصور می کند اراده شان بدست خود شان است . در حالی که این ادعا صد در صد درست نیست و مواد نظیر هورمون ها مخصوصا هورمونی بنام ((تستو سترون)) در مرد هادر عاشق پیشگی آنها تاثیر به سزا دارد و بسیاری از مرد ها زشت و کمپول هستند که به علت ترشح فوق العاده هورمون های جنسی می باشد .

اگر چه اطلاعات ما از طرز عمل و تاثیر

این هورمون در بدن مرد خیلی زیاد نیست ولی این را میدانیم که ((تستو سترون)) موجب تحریک جنسی مرد می گردد و لسی نقش مهم تر و عجیب تر آن اینست که مرد را برای زینت خود استی تر می کند خواه زشت باشد یا زیبا اما اینکار به چه صورتی انجام می پذیرد هنوز بر ما کما ملامت روشن نیست که یک عقیده زیست شناسی بر این است که هیپو تیزه افسون میکند و به همین جهت در مقابل مردی که این کشش را دارد چه زشت ، چه زیبا ، گاهی قدرت مقا و مت را از دست میدهند .

در آزمایشی که روی میمون ها شده است معلوم گردیده که از د یاد هورمون تستو و سترون میمون تر موجب جلب غیر ارادی میمون ماده به سوی او می گردد و در مقابل وقتی از طریق جراحی غدد مو له تستو و سترون میمون نر از بدن او خارج میگرد دیگر هیچ میمون ماده ای به او اعتنائی ندارد . پس غده مذکور به طور اسرار آمیزی موجب

ایجاد کشش نامرئی بین نر و ماده میشود . یکی دیگر از مواد شیمیایی موثر در عشق وعاشقی ((فر مون)) است که انسو ع مختلف دارد و سبب بوی بدن می باشد . فرمون در مرد و زن و یا در تمام حیوانات نرو ماده تولید می گردد و اینک ثابت شده است که بوی ناشی از آن در به حیجان آوردن جنس مخالف در انسان نقش فوق العاده موثری دارد .

البته کشف تاثیر فرو مون در انسان که دارای شامه بسیار قوی نیست و دنیا ی خارج را بیشتر از راه چشم - رنگ می کند کار مشکلی است با وجود این ثابت شده است که زن ها بر خی بو هارا بهتر از مرد هادرك می کنند و خیلی از زن ها معتقد اند که بوی بدن مرد مخصوصا بوی زیر بغل کاملاً تمیز و شسته شده مرد برای شان یک بوی بسیار مطبوع و احساسات بر انگیز است در این جا نیز میزان حساسیت شامه زن و سلایقه او را در نوع بو تعیین کننده میزان علاقه ای که نسبت به یک مرد پیدا می کنند و یا لاقل در پیدایش این علاقه نقش دارد . به همین جهت است که اخیراً عطر عانی در پاریس ساخته اند که بوی طبیعی بدن از

آنها به مشام میرسد . در گزارش عشق هم چنین ذکر شده است . عشق یک حادثه اسرار آمیز است که در افراد مختلف حالات و اثرات گوناگون دارد و غلط است اگر بغوا هم در بسا ره آنابه طور کلی حرف بزنیم هر عشقی یک رنگ و بویی دارد و این مر بوط به حالات روانی طرز ترشح غدد بدنها و امواج نا مرئی است که بین عاشق و معشوق رد و بدل می شود بعضی از مرد ها و بعضی از زن ها هستند که بدون آنکه از زیبایی خارق العاده بهره مند شده باشند و یا شیک پوش ترین و با سلایقه ترین موجودات باشند معالوصف به هر جا که قدم بگذارند چشم و نگاه جماعتی را به سوی خود می کشانند و لبخند و تبسم دو ستاره بدرقه راه آنها می شود . این زن و مرد ها را در روانشناسی ((قطب جاذبه)) می خوانند و اکنون ثابت شده که این جماعت از لحاظ کیفیت جنسی و رفتار جنسی ، از نوع خاص و جنس بر تر هستند و بدون آنکه خودشان تظاهر کنند این بر تری و جذبه در نگاه و رفتار آنها ظاهراً میشود و جلب توجه می کند .

بقیه صفحه ۱۹

اعتیاد باادویه مخدر...

حیات شان با استعمال ماری جوانا مبارزت افراد باین ادویه خطر ناك صورت می گیرد و علل اصلی اعتیاد باادویه مخدره که عبارت از فقر ، غربت و لگدی ، بیکاری ، فحشاء و غیره است از جامعه ریشه کن شده وجوانان میتوانند با اطمینان در مورد داشتن شغل و کار در آینده از هر فرصت در تامین اهداف مفید انسانی خویش استفاده کنند . و از تسهیلات گوناگون مستفید گردند .

یک فکتور مهم دیگر در زمینه عبارت از تمرکز صنایع ، ادویه سازی و دواخانه ها در دست دولت است که به موجب آن تعمیم و مقدار تولید ادویه مخدره محدود به نیاز مندی های طبی و علمی بوده و خرید و فروش آن ها نیز بر اساس تجویز دکتران صورت گرفته و جدا کنترل می شود اتحاد شوروی در همکاری مثر با موسسه صحنی جهان علیه تعمیم ادویه مخدره مبارزه می کنند . متخصصین اتحاد شوروی در گروپ های اکسپرت و مشورتی در زمینه فعالیت دارند و هم اتحاد شوروی در جمیع سمینار های که توسط موسسه صحنی جهان باین منظور تنظیم می شود سهم می گیرد .

چنانچه در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تحت پروگرام مؤسسه صحنی جهان سمینار هایی در مورد کنترل ادویه مخدره و جلوگیری از استفاده تر کبی این ادویه در مسکو و جمهوری های آسیای مرکزی اتحاد شوروی این امر به پیمان بزرگ مر هون شرایط مساعد اجتماعی پی است که با تاسیس اولین دولت بزرگ کارگری جهان و پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر میسر شده است .

با ارتباط به مؤثریت اقدامات علیه تعمیم ادویه مخدره باید گفت هر جا که کوشش جدی و هم آهنگ به سویه بین المللی در زمینه صورت گرفته و کشور های مختلف به تعهدات خود پایبند بوده اند نتایج خو بی از این اقدامات بدست آمده البته کمیسیون ادویه مخدره شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد اوضاع را براساس معلومات رسمی که توسط ادارات حکومت راپور داده شد مطالعه نموده و تدابیر مشترك اتخاذ میکند معلومات بارزش نیز توسط انترپول در زمینه تهیه شده است .

نتایج و تحقیقات کمیسیون نشان میدهد که تجارت غیر قانونی ادویه مخدره اخیراً در اکثر کشور های غربی توسعه یافته قاچاق بران از تکنیک های ماهرانه در مورد استفاده میکنند .

اتحاد شوروی مهمترین گوانسیون های مربوط به کنترل برادویه مخدره را امضاء و تصویب کرده است . این کشور یک سهم فعال را در امور کمیسیون ادویه مخدره ایفا نموده ، پیشنهادات متعدد ، لوایح و فیصله نامه های مهم در زمینه ارایه کرده است .

طور مثال این کشور پیشنهادات سود مند در مورد کنترل جدی تنوع ادویه مخدره و منع تولید هروئین و استعمال

آن به مرجع مربوط ملل متحد پیش کرده که مورد قبول و تصویب نیز واقع شده است ولی متاسفانه با ترمیماتی که بنا بر اصرار کشور های غربی و اساساً ایالات متحده امریکا در زمینه این پیشنهادات بعمل آمده مشکلاتی در راه تطبیق فیصله های مذکور ایجاد شد . معذراً طور عمومی اتحاد شوروی قادر شد که با ارایه پیشنهادات خود در مورد مبارزه علیه ادویه مخدره به نتایج مثبت معینی نایل آید و باین وسیله گام های بیشتری در راه مبارزه علیه تعمیم ادویه مخدره برداشته شود .

طوفان برف

پیوسته بگذشته

در يك دقیقه تمام جاده از برف پوشیده شد. اطراف در يك ظلمت زرد رنگ تیره مستور گردید که از خلال آن پاغنده های برف به عجله پایین می آمدند و گویا آسمان خود را بازمین یکجا ذوب نموده بود «ولادیمیر» از جاده منحرف گردید و نا امیدانه کوشش می کرد آن را دوباره بیاورد. اسب بصورت تصادفی و بدون هدف پیش میرفت و در هر ثانیه یا با وزش دانه های برف مصادف می شد و یا در گودال های پر برف فرو می رفت. کالسکه برفی در هر دقیقه بدیگر رو می شد و «ولادیمیر» کوشش میکرد تا سمت اصلی را بگلی کسم نکند. اما نیم ساعت گذشت و او هنوز به جنگل کوچک «شادرینو» نرسیده بود. ده دقیقه دیگر نیز گذشت ولی از جنگل هنوز اثری پدیدار نگردید.

«ولادیمیر» با گادی خود با لای يك مزرعه پیش میرفت که ذریعه گودال های عمیق پر برف قطع شده بود. طوفان برف از شدت خود نکاست و آسمان روشن نگردید. اسب روبه خستگی میرفت و خودش با وجودی که هر لحظه تا کمردر برف فرو میرفت از تمام بدنش عرق سرازیر شده بود.

بالاخره فهمید که کالسکه را به سمت غلط رانده است. آنوقت «ولادیمیر» توقف کرد و کوشش نمود فکر کند و خواص خود را جمع نماید و بیاورد و بلا آخره به این نظریه رسید که به سمت راست برگردد. آنوقت به طرف

راست به راه پیمایی آغاز کرد. اسب خسته شده و به زحمت قادر به پیشروی بود. زیاده از يك ساعت بود که او راه می پیمود «شادرینو» باید دور نمی بود، اما او پیش میرفت و پیش میرفت و سطح مزارع به آخر نمیرسید. همواره در اثر وزش باد و باریدن برف و ضمنا گودال های عمیق، کالسکه کو چک بدیگر رو می شد و او در باره آن را سر جایش بلند می کرد. لحظاتی سپری می شد و «ولادیمیر» جدا شروع به تشویش و ناراحتی کرد. آنوقت به يك سمت خود چیز تاریکی را مشاهده نموده و به همان سمت راند. هنگامی که نزدیکتر شد يك جنگل کوچک را تشخیص داد و با خود فکر کرد: «خدا را شکر اکنون دیگر راه دور نیست». او به امتداد جنگل کوچک راند به این امید که بزودی به جاده آشنا بر خواهد خورد و یا به دور جنگل خواهد گذشت و «شادرینو» در عقب آن قرار داشت.

بزودی جاده را یافت و در تاریکی در زیر درختان عریان زمستانی برای خود ادامه داد. در اینجا باد آنقدر به شدت نمی وزید. جاده هموار بود. اسب نفس تازه ای پیدا کرد و «ولادیمیر» اندکی آرام گرفت.

اما او باز هم پیش راند و لای «شادرینو» اثری معلوم نشد. گویا این جنگل کو چک هیچ پایانی نداشت «ولادیمیر» با وحشت درك کرد که او در يك جنگل بیگانه خود را گم کرده است. نا امید ی بر او چیره

گردید. اسب را قمعین کرد. حیوان بیچاره اندکی سریعتر به دویدن آغاز کرد. اما بزودی از مقاومست خود کاست و پا نزده دقیقه بعد با وجود تمام مساعی «ولادیمیر» با قدم های آهسته حرکت میکرد.

آهسته آهسته انبوه درختان کمتر گردید و «ولادیمیر» از جنگل بیرون آمد. «شادرینو» در هیچ جایی به نظر نمیرسید و اینک باید نصف شب فرامیرسید. اشک در چشمان «ولادیمیر» جمع شده بود و او به صورت تصادفی پیش میرفت. فضای طوفانی اندکی آرام گرفت وابر ها از همدیگر پاشیده شدند. در مقابل او دشتی مانند يك لحاف سفید موجدار گسترده شده بود. شب تقریبا روشن بود. او در نزدیکی مقابل خود يك دهکده کوچک را مشاهده کرد که از چهار و یا پنج دهقانخانه تشکیل شده بود و به همان سمت روان گردید. در مقابل اولین کلبه از کالسکه برفی پایین پرید به طرف پنجره آن دوید و تکتک کرد. بعد از چند دقیقه کلکین چوبی باز گردید و سر و کله يك پیر مرد باریش سفید از میان آن نمودار شد.

— شما چه میخواهید؟

— آیا تا «شادرینو» راه زیاد دور است؟

— سوال میکنید که آیا تا «شادرینو» راه دور است؟

— بلی، بلی آیا زیاد دور است؟

— زیاد دور نیست، تقریبا ده ورست، فاصله باید باشد.

بعد از این جواب «ولادیمیر»

وحشت زده موهای خود را گرفت و مانند يك انسانی که به مرگ محکوم شده باشد، در مقابل خود خیره گردید.

پیر مرد سوال کرد:

— سوتو از کجا می آیی؟

«ولادیمیر» دیگر علاقه ای نداشت

که به سوالی جواب بدهد و گفت:

— آیا میتوانی برای من تا

«شادرینو» اسب تهیه نمايي؟

دهقان پیر جواب داد:

— ما چگونهم میتوانیم اسبهای

داشته باشیم.

— آیا میتوانم يك رهنما داشته

باشم. من هر قدر بولی که بخواهد

برایش میدهم.

پیر مرد در حالیکه پنجره را می

بست گفت:

— صبر کن، من پسر خود را نزد

میرستم. او ترا رهنما یی خواهد

کرد.

«ولادیمیر» انتظار کشید. اما

هنوز يك دقیقه سپری نشده بود

که دوباره تکتک زد. کلکین باز

شد و ریش پیر مرد از ورا ی آن

ظاهر گردید.

— چه میخواهی؟

— پسر ت چه شد؟

— نورا می آید. او موزه های

خود را می پوشد. آیا خنک میخوری؟

پس داخل بیا و خود را گرم کن.

— تشکر، فقط پسر ت را زود

روان کن.

درب با صدای بروی خود چرخید

و يك مرد جوان در حالیکه يك عصا

در دست داشت بیرون آمد و با سر

باطرف راه پر برف اشاره ای نموده

به پیش افتاد.

«ولادیمیر» پرسید:

— ساعت چند است؟

دهقان جوان جواب داد:

— بزودی هوا روشن می شود.

«ولادیمیر» دیگر يك کلمه حرف

هم نزد.

هنگامیکه به «شادرینو» رسیدند

خروس ها آواز میدادند و هواروشن

شده بود. کلیسا بسته بود.

«ولادیمیر» پول رهنما را پرداخت،

و به طرف منزل کشیش راند. گادی

برفی او در روی حویلی نبود. آیا

دیگر چه خبری انتظار او را داشت!

اما اکنون دوباره به نزد مالکین

«نینا رادو فو» برگردیم و به بینیم

آنها در چه حالند. بد نیست!

والدین پیر از خواب بیدار شده

و به اطاق نشیمن آمده بودند. در

وخواهش کرد که این بدبخت را فراموش کنند، مرد بدبختی را که یگانه راه امید او مرگ است. بعد از چند روزی فهمیدند که «ولادیمیر» به خدمت سر بازی لشکر بازگشته است. این موضوع در سال ۱۸۱۲ بوقوع پیوست.

خیلی دیر جرئت نکردند که این واقعه را به اطلاع «ماش» که اکنون صحت یافته بود، برسانند. اما چند ماه بعد «ماش» نامش را در دست مجروحین شدید جنگ «بورودینو» یافت و از هوش رفت. همه از این می ترسیدند که او دوباره دچار تب شدید خواهد گردید.

اما خوشبختانه این بی هوشی کدام نتیجه وخیمی نداد.

ناتمام

واقع می شوند. آهسته آهسته دخترک دوباره صحت یا بگردید. «ولادیمیر» را از مدت مدیدی بدینظر فدیگر درخانه «گاوریل گاوریلوویچ» ندیده بودند. او به نسبت همواره پذیرایی های خراب ترسیده بود و دیگر در منزل آنها ظاهر نشد آن وقت تصمیم گرفته شد تا نزد او بفرستند و این خبر سعادت آمیز و غیرمنتظره را برای او بدهند: «رضایت والدین برای ازدواج» اما تعجب مالکین «نینا رادوفو» چقدر زیاد بود، هنگامیکه در جواب دعوت نامه خود یک مکتوب در هم و برهم و نیمه دیوانه از او حاصل کردند. او در مکتوب نوشته بود که دیگر قدم به خانه آنها نخواهند گذاشت

بسترا و دور نمی شد از جملات او چنین استنباط کرد و نتیجه گرفت که دخترش فوق العاده عاشق «ولادیمیر نیکولاویچ» است و به این مناسبت عشق اساس این مریضی می باشد.

او با شوهر خود و بعضی همسال یگان مشوره و مذاکره نموده و بالاخره به این نتیجه رسیدند که ذریعه اسب هم نمیتوان از این داماد فرار کرد و غربت و بی بضاعتی کدام عیبی نیست و اینکه انسان باثروت نه، بلکه با انسان زندگی میکند و از اینگونه پروبلم ها زیاد دیده شده است.

ضرب المثل های اخلاقی در مواردی که خود انسان راه حل مشکلات را نیابد، خیلی مفید

گاوریکا وریلوویچ با یک کلاه و جاکت پشمی و «پراسکو یا پتروفنا» بایک بالا پوش خواب پنبه ای. سماوار آماده شد و «گاوریل گاوریلوویچ» خدمه را فرستاد تا صحت «ماریا گاوریلوویچ» را پرسیده و احوالش را بپاورد که آیا شب آرام خوابیده است؟ دخترک خدمه بازگشت و اطلاع داد که اگرچه اما دمازل خوب نخواهد پیده است، اما اکنون خوب است و همین الان به اتاق نشیمن حاضر می شود. حقیقتا در همان لحظه در ب باز گردید و «ماریا گاوریلوویچ» داخل شد تا به پدر و مادر خود سلام بگوید.

«گاوریل گاوریلوویچ» پرسید: - سر درد ت چطور است، «ماش»؟

«ماش» جواب داد:

- خوبتر است، پدر عزیز! «پراسکو یا پتروفنا» گفت: - تو حتما دیشب از بوی ذغال ناراحت شده ای.

«ماش» جواب داد:

- شاید همینطور باشد، مادرا! روز بدون کدام اخلاقی سپری گردید. اما در شب «ماش» مریض شد. آنها یک نفر را به شهر فرستادند تا دوکتوری بیاورد. دوکتور طرف های شام رسید و مریض را در حال هذیان گویی یافت که در حالت تب شدید بی سر می برد. مریض بیچاره دو هفته دراز در بزم مرگ وزندگی قرارداد داشت. هیچکس در خانه از همچو یک فرار نا فرجام واقف نگردید. مکاتیبی که در شام قبل تحریر یافته بودند، همه سوختانده شدند دخترک خدمه از ترس اینکه خشم و غضب ارباب خود را برانگیزد سکوت کرد و چیزی گفت، کشیش افسر متقاعد، مساح بروتی و سر باز کوچک که می بایست شاه هدین عقد باشند همه سکوت کردند، البته نه بدون حق سکوت، «تیریشکای گادیران» هیچوقت، حتی در هنگام نشه و مستی نیز یک کلمه اضافی نمیگفت.

به این صورت این اسرار، بهتر از اینکه تعداد زیادی در باره دست اتحاد بهم داده باشند، نهفته ماند. اما «ماریا گاوریلوویچ» خودش در هنگام هذیان گویی از شدت تب این اسرار را فاش کرد اما کلماتش به اندازه ای از هم گسیخته و نامنظم بودند که مادرش که از پهلوی



رباعیات

که ای لب برسان بر دل بی عصیانی
کز طاقت تو رسید این جان بر لب

• • •

صد معجزه در بهار پر آ بشار است
صد ساز طرب به شاخ پر از بار است
باین همه معجزات در روی زمین
شادی بزرگ آدمی از کار است

• • •

در هر گلخن ره حیات است ای جان
در هر گرداب صد نجات است ای جان
امید رها صد پلایت بکند
نومیدی تو راه ممات است ای جان

• • •

آب که زقله بد خشان آید
از دیده آفتاب سببان آید
تا چشم مه بد خشی را بوسه ز ند
سر را بزند سنگ غلتان آید

• • •

آنان که بفرق کوه را می جویند
با آرزوی مهر میا می جویند
از مرغیای عشق چون بی خبرند
از سایه خو یستن پنا می جویند

آنان که کند ندا بگوید به گذار
از شاعرم عا شقم دوست نواز

• • •

بی دوست قدم به دهر نگذارم من
بی دوست ره حیات نسیارم من
روزی که کشم نفس در عالم بی دوست
آن روز ز عمر خویش نسیارم من

• • •

هر کس به روی دهر تن پرور شد
بیگانه ز خلق خویشتن پرور شد
تنها نبود ره زن آمرغ بختش
اورده زن اقبال و طن پرور شد

• • •

بی سو زش دل در عالم اختر نشوی
بی مهر و وفا عزیز دلبر نشوی
این راه دراز و پر خطر گفت مرا
تازه نروی هیچکدر هیر نشوی

• • •

از گردش خویش ، ماه عالم تاب است
از جوشش خویش ساف در جواب است
ای بخت مطلب بغیر مرغ بختت
از خواب گران سخت تو در خواب است

• • •

افتاد اشکی ز چشم گریان بر لب
آتش شد و گفت با صد افغان بر لب

راه تو به سوی چشمه نور افشان باد
راه تو چو روی صبحدم خندان باد
آن گوزه که در دست سفیدت باشد
بر تشنه دیدار تو جاویدان باد

• • •

بوی خوش خر بوزه ز پالیز آمد
شیرین قد و لب شکر شکر ریز آمد
از حاصل عمر دل چه خواهی دیگر
بردگره تو بخت سحر خیز آمد

• • •

ای چشم سیه که چشم شهلا داری
با چشم سیاه خود تمنا داری
شستی تو مگر که چشم در چشمه عشق
کین دیده پر خمار و زیبا داری

• • •

بایاد رخت قدم در عالم بزنم
از عشق تو خنده بر سر غم بزنم
من بی تو ازان خنده کنم با دیگران
تایک نفس جدایی بر هم بزنم

• • •

بر خوف ز راه عشق را می نبود
سنگین تر از آه هجر آ می نبود

از ترس جان به جانان دادن
در دهر بزرگتر گنا می نبود

• • •

آن در که بود به مردم دنیا باز
آن دل که بود ز مهر یاران پر راز

سلیم شاه برزین

کابل که میان گل و آب افتاده است
حسنش ز جهان آفتاب افتاده است
از دیدن روی خواهر او بزمین
بی چاره دلم در انقلاب افتاده است

• • •

خورشید رخت بدید و نور افزا شد
مه از رخ خورشید جهان آرا شد
گل بر رخ مه پر تو حسنت دیده
بشگفت خدای بلبل گو یا شد

• • •

شیرین بزنی چو دست بر دستک در
آواز برآورد داد از بند چگر
که ای جان جهان قفل مزن خانه عشق
من و نشوم غیر تو بر شخص دیگر

• • •

در پیکر عشق ر یخت جان من و تو
گل کرد ز عشق خود جهان من و تو
آن سان شده ایم همفلس دروه عمر
فرقی نکنند اجل میان من و تو

• • •

از روی تو صد بر گس سحر میشکند
در شبم عشق گشته تر میشکند
در شام فراق گر چه شد پژمرده
در صبح وصال از دگر میشکند

دشمن هوشیاری

صورت گسرتنا شمع هر لحظه بتی سازم

وانگه همه بت ها را در پیش تو بگذارم

صد نقش بر انگیزم با روح درآمیزم

چون نقش ترا بینم در آتش اندازم

تو ساقی خماری یا دشمن هوشیاری

یا آنکه کنی و بران هر خانه که من سازم

جان ریخته شد با تو آمیخته شد با تو

چون وی تو را در جان چا ترا هله بنوازم

در خانه آب و گل برتست خراب این دل

با خانه در آری جان تا خانه بپردازم

«جامی»

بقیه صفحه ۷۸

گئورگی دیمتروف

نارواوارد آورده اند ، مورد جزا قرار بگیرند
و خساراتیکه بر آنها وارد شده ، جبران شود
اما این همه پیشنها ذات دیمتروف مورد
قبول واقع نشد و محکمه دیمتروف و یاران را
فقط بعزت (حفظ دلایل کافی) برانست
داد و بدینصورت قصر خیالی سران دولت
آلمان که می خواستند خود را قهرمان
«نجات تمدن اروپائی از خطر بلشویزم»
وانمود کنند ، فرو ریخت .

دوران پس از محاکمه :

دیمتروف تبرئه شد اما از زندان رهایی
نیافت ، جلادان فاشیست وی را بزندان
برلین انتقال دادند ، همینکه بیمار بود ،
هیچکس به تداوی وی اقدام نکرد ، باز هم
سیل اعتراضات پیام ها بسوی آلمان سرازیر
شد ، خود وی هم تقاضا کرد که او را به
بلغاریا بفرستند ولی دولت فاشیستی
بلغاریا اعلام کرد که وی از تابعیت بلغاریا
خارج شده است ، دولت شوروی اهلیت
وی را بعنوان یکی از افراد شوروی اعلام
داشت و دولت آلمان ناگزیر وی را به

از شرافت شخص خود بحث یک فرد
انقلابی دفاع می کنم من از محتوا و مجموعه
زندگی خود دفاع می کنم .

رئیس محکمه گفت از بیانات گئورگی
معلوم می شود که وی صرف به وضع حزب
کمونیست بلغاریا توجه داشته در حالیکه
اکنون در دفاع از حزب کمونیست آلمان
پرداخته است .

دیمتروف جواب داد :

آقای رئیس من بمثابة يك انقلابی
بلغاری به نهضت انقلابی سراسر جهان
علاقتمند . مثلاً من وضع سیاسی امریکای
جنوبی هم علاقه دارم با وجود آنکه هیچگاه
آنجا نبوده ام شاید از وضع سیاسی آنجا
بهمان اندازه اطلاع داشته باشم که از وضع
سیاسی آلمان . این به هیچوجه دلیل آن
نیست که اگر يك ساختمان دولتی در جنوب
امریکا آتش بگیرد ، من عامل آن هستم .

محکمه هیچ راهی نیافت و به آزار دی
متهمین تصمیم گرفت ، مگر دیمتروف گفت
که متهمین را مطلقاً بیگناه اعلام دارد ،
عاملین آتش سوزی رایشتاک را دشمنان
طبقه کارگر اعلام نمایند ، کسانی که اتهامات

شماره ۸

جیبه میبندی بر قرار گردید .

باید یاد آور شد مبارزات مسلحانه خلقهای
بلغاریا علیه سرمایه داری و فاشیسم ناز
و اتحاد نا مقدس دولت فاشیستی بلغاریا
و دولت فاشیستی هتلری در سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۴

۱۹۴۴ به اتحاد طبقه کارگر تحت دوش
جیبه پدر و وطن در راس حزب کمو نیست
بلغاریا شدت بیشتر یافت . مارش ظفرنمون
قشون رهایی بخش کشور شوراهای که در
رومانیا ، در پای دانیوب و مرزهای بلغاریا
برضد فاشیسم هتلری چا نیا زانه بسراه
انداخته شده بود ، شرایط مساعد سیاسی
و نظماً می خارجی را برای قیام نهم سپتامبر
۱۹۴۴ مساعد گردانید که در فرجام منجر
به شکست قطعی رژیم بورژوازی ، فاشیستی
و ایجاد دولت توده ای بلغاریا گردید
و در اثر این همه مبارزات پیگیر ، توده های
مردم بسوی اتحاد چا معه نوین ، بسیج
گردید .

در ۲۱ اگست ۱۹۴۵ ، که آلمان فاشیست
سرکوب شده بود ، گئورگی دیمتروف به
میدان عزیزش باز گشت و زمام دولت بدست

او سپرده شد یکسال بعد ، همه پرسشی
عمومی در جمهوری توده ای بلغاریا صورت
گرفت و مراجعه به آراء عمومی ، حزب
کمونیست بلغاریا در حدود ۵۵ فیصد آراء
را بدست آورد و می توانست به تنهایی
حکومت را تشکیل کند اما در اثر توصیه

غرد مندان دیمتروف يك حکومت ائتلافی
بشرکت جیبه ملی بوجود آمد . پلان دولت
جهت صنعتی شدن و اعمار چا معه نودرکنگره
پنجم حزب کمونیست که در آن رهبر توانای
خلق بلغاریا و موسس جیبه پدر و وطن
دیمتروف به صنعتی شدن کشور و مدرنیزه
شدن سوسیالیستی زراعت اشاره و
تاکید ورزید ، به تدریج ، روبه گسترش
نهاد .

دیمتروف ، بیمار شد ، بنیه وی رو به
تحلیل رفته بود ، برای معالجه به ماسکو
رفت ولی بی ثمر ، در روز نهم جون در
سن ۶۷ سالگی ، چشم از جهان بست .

شوروی تبعید کرد . مادر قهر مانشر در ماسکو
باپسرش ملحق گردید و مورد پذیرایی
گرم قرار گرفت .

جنگ دوم جهانی آغاز یافت ، این
جنگ دشوارترین و خونین ترین جنگی
بود که جهان بخود دیده است . رهبری
هتلری نابود ساختن نظام سوسیالیستی و
امحای فزینی مردم اتحاد شوروی و به جنگ
آوردن سرزمین ها و تروتهای ملی آنرا هدف خویش
قرار داده بود ، فاشیسم آلمان با هیات
حاکمه کشور های امپریالیستی میخواستند
راه را برای برقراری سلطه خود بر جهان
هموار سازد .

در اواخر سال ۱۹۴۲ در نتیجه تلاش ها
دیمتروف و سایر پیکار جوانان راه خلق
کمیته ملی جیبه میبندی بوجود آمده بود
که در تاریخ آنکشور از اهمیت بزرگ
برخوردار است . پایه جنگ های پارتیزانی
علیه فاشیسم اشغالگر با دستیاری این جیبه
که بانی آن دیمتروف است ریخته شد .

عصر روز هشتم و شب نهم سپتامبر ۱۹۴۴
مردم بلغاریا ، قیام کردند و در نتیجه حکومت



اطفال امروز

کودکان امروز

رسالت‌مندان فردا

کودکان امروز که به یقین مردان و زنان مسوول جوامع بشری فردا را تشکیل می‌دهند پس لازم است که والدین در مورد صحت و سلامتی و پرورش روحی و جسمی آنها توجه جدی نمایند زیرا اگر این نهال‌های کوچک و محتاج پرورش امروز تر بیت‌سالم تقدیه درست و صفا و صمیمیت نبینند و از تربیت درست خانوادگی و اجتماعی بهره‌مند نگردند پی‌آمد و اثر تربیه نا درست در حرکت و شخصیت آینده آنها تأثیر منفی نموده و اجتماع فردا و نسل‌های بعدی‌ما را نکوهش و سرزنش خواهد کرد.

اما اگر از اطفال امروز پرورش جدی و مراقبت خوب به عمل آید و نتایج بعدی آن مثبت ارزیابی شود، قضاوت آیندگان نیز نیکو و ارزشمند خواهد بود.

ازین گذشته با حداقل توجه و عاقبت‌اندیشی می‌توانیم جامعه فردا را سعادتمند و دلپذیر سازیم و یا با کمی بی‌توجهی و عاقبت‌نم‌اندیشی نسل بعدی را غلیل یابیم که واضحا مسوولیت این نسل ناقص به دوش نسل امروزی است و در پر تو همین احساس مسوولیت و رسالت عمیق اجتماعی می‌توانیم در جهت تربیت کودکان بدل مساعی نماییم.

اکثر ما دران و پدران تنها به این نکته ارزش قایل اند که بایست به طفل شستن غذای خوب و با انرژی و لباس‌های زیبای

بودن رابه این خلاصه مینمایند، بلکه باید بدانند که روشن بینی و ضمیر آگاه انسانها جوهر اساسی و شخصیت ذاتی آنها را تشکیل میدهد و باید از همان آوان کودکی و نو - باوه می‌کودک را چنان پرورش و تربیت دهند که باضمیر آگاه و وجدان پاک دراعمار جامعه شان بدل مساعی و رسالت‌مسوولیت شانرا عمیقا درک نمایند برای درک این

وبارزش تهیه نمایند و انسان بودن و مکمل

سوگند

سوگند بنام پاک تو ای مادر وطن
سوگند به قهرمانی فرزند خوب تو
سوگند به نام نامی ام‌البلاد بلخ
سوگند به نام غزنه و پامیر پرشکوه
سوگند مرا به اشعه زریسن آفتاب
سوگند به نور اختر شایگرد آسمان

سوگند به حسن و صورت پر و یس و کبکشان
سوگند به پتک و بازوی مردان کارگر
سوگند به دستهای پر از زخم برزگر
سوگند مرا به قامت خم گشته چون کمان
سوگند به پاهای برهنه‌ی طفل بی پدر
سوگند به آب دیم آن مادر غمین
سوگند به چشم منتظر عاشق حزین
سوگند بدیدگان هوس ریز دختران
سوگند به ناله‌های سحرگاه مرغان
سوگند به دشت‌های تب‌آلود یسند یار

سوگند به دشت‌ها و به کوه‌ها و باغسار
سوگند به خرجه پاک و مقدس بود، وطن
سوگند می‌خورم که تا آخرین رمق
سر می‌دهم در راه تو و حفظ شلخت تو
تا آن زمان که قطره خون در رگم بود
آنها نثار نام تو ای میهن گم

موضوع در پهلوی تر بیت سالم باید به کودکان تعلیم بیا مو زیم و با روشن نمودن مشعل سواد و دانش باطن او را تنویر نماییم و بر فایده‌های محترم است که موضوع مطالعه و آموزش را برای اطفال ممکن سازند و بکوشند تا مشوق خوب درام مطالعه برای اطفال باشند اما باید ظرفیت درک و گرفت و ذهنیت اطفال را در نظر بگیرند با یک رهنمایی ساده می‌شود مشوق خوب کودکان در امر مطالعه بود و آموزش و مطالعه را طوری به دماغ کودکان زدن نشین سازیم که مانند غذا و لباس آنها حتمی تصور نمایند. پس گفته می‌توانیم که چنین ما دران و پدران از مسوولیت رسالت خویش بی‌روزشند و موافق رسالت آمده اند.

این نظر و عقیده انسانی ز مانی میسر شد می‌تواند که پدران و مادران به نو بسا خویش به دانش و جهان علم و فرهنگ مطالعه همیشگی علاقمند باشند و آنها مانند وظایف شبها روزی انجام دهند.

و این نظر در مورد خانواده‌ها و کودکان صدق می‌کند که لااقل کمی سواد دارند و ما میدانیم که جامعه قصد عقب‌نگه داشته ما که اکثریت والدین از نعمت سواد بهره کافی ندارند و رنج همیشگی آنها همین است که نمی‌توانند لااقل سواد نوشت و خوان را به اطفال شان یاد دهند و به اصطلاح خودشان «گور هستند» و به زبان دیگر شرایط جامعه فیودالی و نظام‌های متعطل سلطنتی این موقع رابه ایشان نداد تا از خرم سواد و دانش بهره‌برند و دانش جدید باشند و از طریق برای چنین فایده‌ها نیز زمینه‌ساز قنن خیابان، مجلات و سایر نشرات میسر نبوده و آنها بی‌سواد مان



فاشیسم این کودک ملعون سرمایه سالاری نه تنها از کشتن و زجر دادن جوانان و پسران دریغ نمی کرد، بلکه اطفال معصوم را نیز بی رحمانه به گام مرگ می سپرد و از مرگ تدریجی ایشان لذت می برد .

نامت را بخاطر

داشته باش

در کوره های آدم سوزی می سوختند .

اردو گاه مرگ « آشویتس » در به کسام کشیدن اطفال و کودکان که اکثرا حتی نام های خود را فراموش می کردند شهره گشته بود و عزا ران طفل بی گناه درین زندان ها بی سر پرست و در حالت وحشتناک مورد شکنجه و عذاب قرار می گرفتند . آنگاهی

که کودکان از مادران شان جدا میشدند . مادران بیش از همه يك جمله را در گوش جگر گوشه های شان تکرار مینمودند آن اینکه

« نامت را بخاطر داشته باش ! »

زیرا آن نهمایه پیروزی امپراتور بودند و می خواستند روز های بعد از جنگال ایسن زاده ناب سر مایه سالاری و امپراتور یا لیزم ، کودکان و اطفال شان نام های خود را بداند و از روی نام بایکدیگر آشنا باشند .

مادران ز یاد به این آر مان جان سپردند ولی مادران و کودکان زیاد نیز این پیروزی را دیدند و ما از آن پیروزی تا حال ۳۶ سال فاصله داریم اما با آن حوادث قلب و ضمیر ما را می آزارد .

جنگ جهانی و انسان سوز دوم نه تنها میلیون ها انسان پیر و جوان که از نا موس صلح و آزادی دفاع می نمودند در جنگال مرگ کشید ، بلکه میلیون ها کودک و طفل بیگناه را نیز به جرم اینکه از نژاد آریایی نبود و حشیانه در محاسن به کشتارگاه ها فرستادند و به حکم کشتار و اس ، اس هاین ماموران مرگ و شکنجه در اردو گاه های مرگ و وحشت فرستاده می شدند و زنده زنده

در فکر پیدا کردن نان و لباس خیلی ابتدایی بودند . پس چنین اشخاص محروم ، رنج کشیده و محتاج می توانست در مورد کودکان قانونی قد خود بیند یشد و چهل و بیسوازی و بی دانشی را از آنها دور نماید .

به هر حال آنچه مطلب اساسی را می رساند غذای معنوی کودکان است که باید برای شان تهیه شود و والدین مسؤول اند که دست به دست بادیولت انقلابی شان درین زمینه توجه جدی نمایند همان طور یکه دولت همه شرایط زیست و زندگی را برای کودکان هموار می سازد و آرزوی سعادت و پیروزی کودکان را دارد فامیل های محترم نیز درین زمینه مسؤولیت خویش را در دست انجام گیرند .

بیشتر آن است که در شیوه آموزش و ارتقای سطح دانش از تجارب و شیوه عملکرد کشور های مترقی استفاده نماییم و در اجراء آن اعمال کمر همت بیندیم و از نظریات علما ، دانشمندان و روانشناسان حد اکثر استفاده را بنماییم و از مطالعه آثار نوشته ها و تجارب آنها کودکان خود را غنی سازیم .

گرچه اطفالیکه در شهر ها زندگی می نمایند به یقین آثار نشر شده ، تلویزیون ، رادیو و غیره آثار سمعی و بصری بدسترس شان قرار گرفته و از آن مستفید می شوند . اما آن عده اطفالیکه ، در گوشه و کنار دور افتاده کشور زیست دارند باید جداگانه توجه به حال شان صورت گیرد که درین قسمت فامیل و مخصوصا عناصر آگاه و روشن مسؤولیت خاص دارند . در دها و در آن جا ها که محیط اجتماعی جمعی میسر نیست این مشکل کار و تلاش والدین را دو چندان می سازد .

بهر حال آنچه نوشته شد و آنچه گفته آمد فقط يك یاد آوری مختصر از يك ایده و نظر انسانی در باره تربیت روانی و معنوی کودکان است که در اثر مطالعه پیشگامان و تحقیق و ریسرچ عناصر مسؤول راه حل یافته می تواند تا در فر دای زندگانی فرزندان اجتماعی از ما به نیکویی یاد آوری نمایند تا اطفال فردای جامعه ما از هر نگاه سعادتمند و صحت مند بار آیند .

امید درین عرصه یکه بگرانداد تا ریاور باشیم و مسؤولیت های انسانی و اجتماعی خود را بد رستی درک نموده و نقش خود را فعالانه انجام دهیم . به امید پیروزی و بهروزی کودکان کشور مان .

در فکر ازدواج

دختری ایتالیایی روبه دوست خود کرد پرسید :

- خوب تو بالاخره تصمیم نداری با آن پسر جوان ازدواج کنی ؟

- نه جانم .

- چرا ... برای چی ؟

- برای اینکه پدرم میترسد مبادا از خاطر بولسم بمن اظهار علاقه کرده باشد ... مادرم میترسد که مبادا خانواده یی درست و خوب نداشته باشد ... برادرم از آن میترسد که او کاراته باز است ... خدوم هم از آن هیچ هیچ خوشم نمی آید و بعلاوه ...

دوستش حرف او را برید :

- بعلاوه چیست ؟

- بعلاوه اینکه او هنوز از من تقاضای ازدواج نکرده است !!



شاهد خوب

روزی شخصی را محکمه میکردند رئیس محکمه گفت :

- آقا شما شاهد هستید و سوگند یاد کردهاید که آنچه را چشم خود دیدهاید شرح بدهید

خوب حالا بگوئید که در چه تاریخی بدنیا آمدهاید ؟

- در اول ماه تور ۱۳۲۰ .. اما البته با چشم خودم ندیدم و بعداً اطلاع پیدا کردم که در این

روز بدنیا آمده ام .



بدون شرح

وقتی که بیدار شدم

بیا .

«اسمیت» وارد اتاق دوستش «ادوارد» شد و دید او روی تخت دراز کشیده، او را صدا کرد :

- ادوارد ؟

- چرا چه میگویند ؟

- بیدار هستی یانی ؟

- چی میگویی بگویم چی است ؟

- اگر بیدار هستی ، آن صد دالر را که

قبلاً برایت داده بودم پس بده !

- نه ... «اسمیت» ... فعلاً خو خواب هستم

وقتی که بیدار شدم بیا !!



بدون شرح

من او را خشک کردم

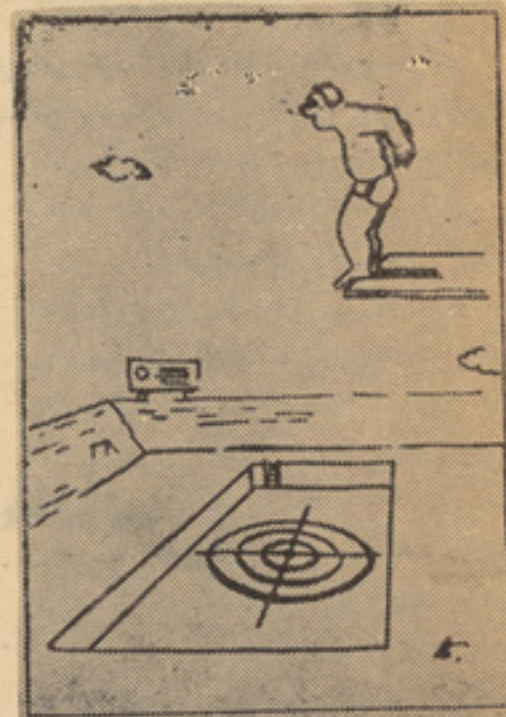
دیوانه نزد رئیس شفاخانه رفت و گفت:

آقای رئیس صاحب من دیگر هوشیار شدم مرا آزاد کنید که به خانه خود بروم، رئیس لبخندی زد و گفت :

ساز کجا بدانم که راست میگوی دیوانه گفت : دو ساعت پیش شخصی را که میخواست در آب غرق شود نجات دادم .

رئیس شفاخانه باخوشحالی توام با تعجب پرسید : خوب چه کاری را انجام دادی تا او از غرق شدن نجات پیدا کرد .

دیوانه گفت : هیچ آقای رئیس، گردنش در طنابی بستم و او را از درخت آویزان کردم تا خشک شود !



بدون شرح

در دیوانه خانه

داکتری در باره دیوانه یی که خود را «لونی شانزدهم» میدانست از پرستار توضیح خواست و پرسید :

- خوب ... حالش بهتر شده یانی ؟

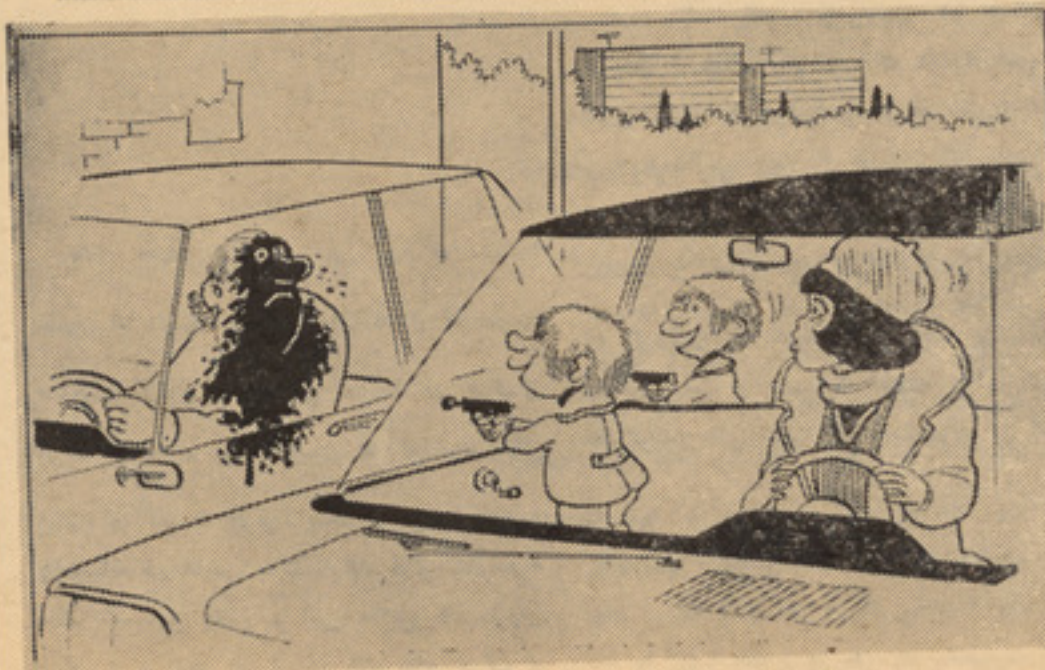
پرستار جواب داد :

- بلی آقای داکتر ... غلام بیپودی کم کم در آن دیده میشود .

دلیل این حرف را میدانی !

- برای اینکه از دیروز به اینطرف خودش

را «لونی چهاردهم» میداند !!



هائری راست میگوید بارتک میتوان خوبتر از آب با تفنگچه خود بازی کرد .

باید به موتر دیگر

بروم

مردی مستی سوار موتر شد و پهلوی پیره زنی نشست . پیر زن برای اینکه او را نصیحت کند گفت : شاید خودت ندانی ولی همیشه می دانم که تو یگراست به دوزخ میروی . مرد مست یکه رتبه از جایش بلند شد و به درپور گفت: برادر جان بسیار ببخشید من غلط کرده ام باید به موتر دیگر بروم .

نامزد خوش باور

جوانی که به مسافرت رفته بود ، تلگرافی به دختری که دوستش داشت مخابره کرده و پرسیده بود :

- آیا حاضر هستی با من ازدواج کنی ؟
و ضمناً پول جواب تلگراف را هم پرداخته بود ... دختر برای دادن جواب به اداره تلگراف مراجعه کرد و از متصدی مربوط پرسید:
- نامزد پول چندگانه تلگراف را پرداخته؟
متصدی تلگراف جواب داد :

- غیر از اسم و آدرس «ده» کلمه !
دختر کاغذی برداشت و صورت تلگراف را نوشت :

- بلی ... بلی ... بلی ... بلی ...
بلی ... بلی ... بلی ... بلی ...
بلی ... بلی !



بدون شرح

کیسه پر

کیسه بری را در یکی از محاکمه های شیکاگو محاکمه میکردند ... پس از ختم محاکمه رئیس روپا و کرد و گفت :

- تو پرداخت صد دالر محکوم هستی ...
کیسه پر، همه جیب های خود را پالید و بعد گفت :
قربان ... من بیشتر از هفتاد دالر ندارم.
رئیس محاکمه یکی از مأموران را صدا کرد و گفت :

- چند دقیقه ای با این مرد درجاده راه برو و از دور مراقب باش تا فرار نکند و بعد دو باره او را باینجا بیاور تا جریمه خود را بپردازد !!



بدون شرح



بدون شرح



بدون شرح

پسر هوشیار

پسر کوچکی دوان دوان خودش را به پدرش را صدمه زده به خانه آمده بود رساند و در حالیکه نفس میزد ، روبه او کرد گفت :
پدر جان پدر جان میدانی دیروز شیر س محله مابه خواهرم چی گفت ؟
نی ...

خواب پنج افغانی توبه من بده تا برایت

بر بلافاصله دست در جیب کرد و گفت :
بیا ... این پنج افغانی ... حالا بگو که گفت ؟
سرک در حالیکه پول را در جیبش می ...
ست ، باخونسردی گفت :
هیچ پدر جان ... شیر فروش به خواهرم که ... گفت که خانم جان ... برای امروز شیر میخورین !!



بدون شرح

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

نقش ادبیات متعهد در تکامل زندگی اجتماعی

در زمانی رسم معمول در بسا موارد چنین بوده که تکامل پدیده‌های هنری و منجمده ادبیات را بدون در نظر داشت تکامل ساختمان اقتصادی جامعه در نظر می‌گرفته‌اند. و این عقیده که دست اندر کاران فعالیت‌های ادبی صرفاً به کاوشگریهای زیبایی شناسانه آنهم در ورای قانون نمندی تکامل اقتصادی جامعه می‌پردازند، به سنت دیرین پادشاهی ریشه ای تبدیل شده که پی آمد ناگواری داشته و این گونه طرز نگرش ناسالم و بیمار گونه فوق‌العاده مضرو غالباً همراه‌کننده بوده است. قلم زنان ادبیات بورژوازی، پیوسته تلاشی ورزیده‌اند که ادبیات و هر گونه آفرینش ادبی، وسیله باشد برای ارضای نیاز مندی‌های طبقات و اقشار صاحب امتیاز جامعه. از همین رو ادبیات در مسیر تکامل قانونمند خود اندک زمانی در اندرون جنگل انبوه ابهام به مشکلات فراوانی مواجه شده و آنگونه که می‌بایست باسیر تند و شتاب زده به سوی پویایی و تکامل، به پیش تازد، نتوانسته است.

در جوامعی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و در رابطه با شکل خصوصی تملک وسایل تولید استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان بعثت یک پدیده عینی وجود داشته باشد طبیعی است که برای ثبات و پایداری موقعیت طبقاتی صاحبان خصوصی وسایل تولید و جلوگیری از تسریع پروسه زوال استثمار ادبیات نیز به بازی گرفته میشود و جانب داران طبقات حاکم جامعه در عرصه ادبیات به آرایش گری سیمای ادبیات دست می‌زنند و از سیمای راستین و بی‌آلایش ادبیات سیمای رنگ آمیزی شده ای را که غالباً به صورت یک مکیاز مضحک و خنده آور درمی‌آید، بدست میدهند از همین گونه است ادبیات بی‌رقم و کم توان جامعه سرمایه‌داری که در محدوده منافع طبقاتی بورژوازی پا گیر مانده و به سوی انحطاط و پوسیدگی سمت گیری نموده است.

صاحب نظران ادبیات بورژوازی، ظریفانه کوشش نموده‌اند تا ذوق مندان ادبیات را قسماً متقاعد سازند که گویا ادبیات هیچگونه رابطه ای و هیچگونه تأثیری به دیگر پدیده‌های زندگی اجتماعی ندارد و خود می‌تواند در چوکات قواعد وضابطه‌های مشخص مستقلاً تکامل نماید. گاهگاهی چنین اظهار عقیده میشود که ادبیات تنها با اخلاقیات و مسایل صرفاً روانی جامعه در ارتباط می‌تواند بود و از همین لحاظ است که ادبیات بکار تکامل جوامع انسانی کاری ندارد.

پایه گذاران مکتب‌های ادبی رمانتیسیم، سمبولیسیم، سوررئالیسم، ناتورالیسم و گونه گون مکتب‌های ادبی دیگری ازین قبیل چون ادبیات را بعثت وسیله تأمین منافع طبقاتی بورژوازی و توجیه ابدیت و زوال ناپذیری

سیطره سرمایه بکار گرفته‌اند، نتوانستند از سیمای روشن ادبیات رسالت مند امروز منظره دقیقی ترسیم نمایند و بر مبنای طرز نگرش واقع بینانه به چهره ادبیات آینده، به پایه گذاری مکتب ادبی دست بزنند که در رابطه با قواعد آن باروری و غنای هر چه بیشتر ادبیات همپای کاروان تکامل زمان، میسر افتد.

مسئله که درین بحث فشرده و کوتاه، که بدون تردید از نقایص فراوان به هیچ صورتی عاری نمیتواند بود، منظور نگارنده این نیست که ادبیات آنسو در کلیت مفهوم خود، درون پوسیده و خالی از هر گونه جنبه مفید است، بلکه اینست که در سایه سیاه و سنگین فرما نروایی سرمایه و استثمار انسان از انسان ادبیات نتوانسته در باز تاب دقیقانه واقعیت‌های زندگی سهم فعال داشته باشد.

نامه یک ریاضی دان به معشوقه اش

ای قطر اطول لوزی وای شعاع دائره دلم، از آنروز که قاعده متوازی الاضلاع پیشانیت رادیدم یک دل نه صد دل عاشق ارتفاع آن گشتم و اعتراف میکنم که ساینس بی‌نی‌کشیده‌ان رادوست دارم و آرزویم رسیدن به کوتاژ انت قلب توست.

محبوبم، غباری که هنگام خرامیدنات از مجموع افطار بیضی ته کفشت بلند میشود سرمه الفای چشم من است، بیا: و ترمثلت صورتت را بنما تا ثابت کنم که مساوی است به مربع مجموع دو ضلع دیگر...

آرزو دارم کسینوس وجودم را در پای سطح مقطع بی‌نی ات بریزم، بشرط آنکه پایه وقت رابه توان نرسانی. بیش از این از گویا کردن کسر های گنگ خودداری میکنم و فرمایشات را در رادیکال قلبم می پذیرم کسیکه تا آخر عمر عاشق زاویه خارجی دهانت خواهد بود. چند ضلعی محذب

«تنباهی»

آیا شنیده ای که گفته اند خداوند روزی هر کس را تنها میگذارد؟ بلی حالا تو مرا ترک کردی و تنها گذاشتی روزی میرسد که خداوند ترا تنها خواهد گذاشت آنوقت پشیمان بنزد من باز خواهی گشت و زنگ در را بصدا در خواهی آورد ولی آنوقت بتو خواهند گفت او دیگر نیست!

انتخاب از پیغله روشانه «رزین» و حمید «مبارزه» و تعلیمات صنف ۱۲ ساینس لیسه حوا بلخمری.

در جوامع سرمایه‌داری که انسان به زاید ماشین تبدیل میشود و هر چه هست حیثیت کالا را بخود میگیرد و سود اندوزی انحصار گران مقدم بر هر چیز دیگری وسیع میابد، تردیدی نمیتوان و نباید داشت که ادبیات نیز از شمار عناصر فرهنگی دیگری که بنابه اقتضای طبیعت درونی صورت بندی اقتصادی، اجتماعی جامعه وسیله تأمین و تسهیل نحوه بهره‌کشی قرار میگیرند مستثنی بوده نمی‌تواند.

از آنچه که گفته آمد واضح میشود که ادبیات بورژوازی، ادبیاتی است مسخ شده که نباید از زیان مندی تا ثیر آن بر ساحت وسیع ادبیات پویا و متعهد امروز، تصور روشنی نداشته بسا شیم، لازمه وارستن از این دام خطرناک، گرایش سریع به سوی ادبیات رئالیستی معاصر است که همواره از موانع و مشکلات موفقانه عبور کرده و تاپایه ادبیات متکامل امروز رسیده است.

بحث‌های فراوانی که توسط صاحب نظران ادبیات متعهد و رسالت مند در زمینه پویایی ادبیات صورت گرفته بیانگر آنست که ادبیات بعثت یک پدیده اصیل هنری، افزون بر اینکه با سایر پدیده‌های شامل اوساخت جامعه پیوند اورگانیك دارد، هم چنان با عناصر متشکله زیر بنای جامعه نیز سخت در ارتباط و پیوند و دیالکتیکی است.

اگر بدون دخالت بیش دآوری شخصی در زمینه تکامل ادبیات طی مراحل مختلف تاریخی آن مورد بحث شویم، بخوبی می‌توانیم دریافت که ادبیات به سهم خود در تهیه و تدارک مساعد ترین محمل ها و پیش زمینه های تکامل زندگی اجتماعی سخت موثر و کارا بوده است و هر گاهی که امکان استفاده از ادبیات بعثت وسیله موثر تأمین انسانی ترین نیاز های زندگی اجتماعی منظور بوده به خوب ترین وجه مورد استفاده قرار گرفته است.

قوانین حاکم بر سیر تکامل اشیا و پدیده

و چیزه‌ها

- فضیلت مرد ، از سخن او شناخته میشود .
- بهترین دارایی نام نیک است .
- آنچه کفش زیاد است دشمن است .
- آنچه قبل از مرگ آدمی را میکشد نوبیدی است .
- پاک رویی و بی دریائی بالا ترین درجه ایمان است .
- همشین بدمانند نکه آتش است .
- نشانه خرد ، مدارا کردن با مردم است .
- بدترین عادت درونی است .
- بزرگی مرده دانش اوست نه به دودمانش .
- بزرگترین گناه ترس است .
- احسان ، دلمه‌ها تسخیر می کند .
- آنچه پیش از مرگ آدمی را می کشد نوبیدی است .
- بهترین عبادت خدمت به خلق است .
- زبانی مرد در وقار اوست .
- دانش بزرگترین گنج است .
- شکیبایی ، میوه درخت ایمان است .
- گرد آورنده عبدالغنی (توخی)

• • •

سعادت دو جهان در رضای پدر و مادر است .
حکیم کسی است که دلها ی مردمان را بحکمت صید کند —
نیکی کردن ما نند اصره کردن پول نقد است .
مردم با فهم را ملا متی کافیهست و ابداً صد تاز یانه کم است
کسی که پیش نرود عقب میرزد
چراغ علم با مدد سعی و کوشش تا ریکی های جهل را از مردم بر میدارد .
ارسلای : شکر یه سعادت متعلم صنف دهم لیسه آمده فدوی

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری واپس جوار ریاست مطابع دولتی - کابل

تلفون مدیر مسوول: ۲۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
سوجبورده مطابع دولتی ۲۶۸۵۱
تلفون ارتباطی مدیریت ژوندون

یکی از صاحب نظران ادبیات متعهد عقیده اش را در همین زمینه چنین بیان میدارد .
«هنر آئینه حقیقی زندگی است . ولی هرچه این آئینه به سوی فرد بگراید ، دریافت آن از واقعیت بیشتر محدود به مضمون های کوچک میشود . اگر هنر متضمن ادراک جامعی از جهان باشد می بایست مفهوم تنوعی و یا تعریفی صریح از زندگی بر حسب تکامل تاریخی اش بدست دهد .»

طبیعی گرایی و شکل گرایی ، این هر دو سبک ادبی کم مایه که دیر گاهی در ادبیات مورد استفاده قرار گرفته ، نیز نتوانسته اند از واقعیت های پذیرفتنی دریافت عمیق داشته باشند .

شکل گرایی (فورمالیزم) در طول تاریخ تکامل ادبیات موفق شده با ارائه فرآورده های ادبی ، ماندگاری و بقای جاودانه اش را تضمین نماید . هر گونه اثر ادبی ای که مبتنی بر رعایت اسالیب سنتی این سبک بوجود آمده ، سطحی بی تناسب ، یک پهلوی و بی تنوع بوده و هیچگاهی عطر خواننده را بر طرف نه نموده است . چون درین گونه باز آفرینی ادبی ، به تأثیر متقابل و پیوند دیالکتیکی و شکل محتوا و نقش تعین کننده محتوا توجه نشده در غالب آثار ادبی ای ازین دست ، محتوا بار سنگین شکل را بر دوش می کشیده لذا آن سبک ادبی از هر گونه خصوصیت خوب و قابل پذیرش عاری بوده است ، جنبه های ضعیف و بی مایه این سبک ادبی را ، یکی از فلم زنان ادبیات راستین و هدف مند بدین سان باز گو می نماید .

«شکل گرایی و طبیعی گرایی هر دو از هر گونه دریافت عمیق عاری هستند ، در یافت آنها یا «ناآشنا و غریب» است یا بی رفق و ضعیف ، شکل گرایی و طبیعی گرایی هر دو از هر گونه دریافت عمیق عاری هستند ، در یافت آنها یا «ناآشنا و غریب» است یا بی رفق و ضعیف ،

گالخانه دل

ز هجرت در گرفته لا نه دل
نشد رو شن ز و صلت خا نه دل
ز برق آتشین سو ز نگه — اهت
فر و زان مجمر ی کا شا نه دل
بیا ر سا قی تو آن ج — ام بلو رین
ز نا رشعله مستا نه دل
نشد و ا غنچه با غ د ل من
چرا بی لاله شد گلخا نه دل
ز کین هر نگا هی با د ه خیزت
بود لبر یز می پیما نه دل
چو مجنون بر سرم سنگ گشت جفا ی
چه می خوا هی از ین دیوا نه دل
ز بو ی عطر گلها ی محبت
بو د گلخا نه ها گل خانه دل
بیا ی د ل فتا د ه حلقه زلف
خو شا دل و خو شا زولانه دل

نگو یم با ((نهیک)) راز دلم را
بعالم فاش کرد افسانه دل

های مادی طبیعت قبل از پیدایش انسان نیز وجود داشت و طبیعت تحت تاثیر این قوانین پیوسته به سوی تکامل پیش نا زید ولی قبل از پیدایش انسان طبیعت انسانی نبود و با پیدایش انسان طبیعت مادی نیز انسانی شد . لذا بدون ارائه هیچگونه دلیلی می توان پذیرفت که همه گونه پدیده های فرهنگی جامعه ثمره منطقی کار و فعالیت اجتماعی انسان است . هر چنان بسط و گسترش دامنه فرهنگ جامعه بر وسیع ترین گستره های زندگی اجتماعی آدمیان ، با سرشت ذاتی خلاقیت کار اجتماعی انسان تناسب دیالکتیکی دارد و همیشه و در همه موارد تکامل پدیده های فرهنگی از خصلت آفریننده کار اجتماعی مایه گرفته است . برای اینکه ادبیات در خدمت توده های زحمت کش جامعه ، قرار گیرد باید هنر مند ادبیات تمام فرآورده های هنری اش را در خدمت جامعه بگمارد و هر آفرینش هنری و ادبی موثر ترین وسیله باشد برای تسهیل شرایط لازم باروری هر چه بیشتر محصول کار اجتماعی انسان . ادبیات ریالیستیک و مردم گرایی قبول اصل تقدم جمع برای (کلکتویزم) بر فرد گرایی (اندیوید والیسم) همیشه در خدمت خلق و توده های زحمت کش جامعه قرار گرفته و زمینه تکامل جامعه را مساعد نموده است . در هر اثر ادبی ای که بر پایه اسلوب ریالیستیک ادبیات نگارش یافته باشد ، نویسنده کوشیده است به خواننده اش واقعیت های زندگی اجتماعی را بفهماند .

نویسنده متعهد قهرمان اثرش را از میان انبوه کثیری از آدم های معمولی جامعه اش برمی گزیند و این قهرمان به گونه اغراق آمیزی توصیف نمی شود که بهترین وجه تشبیهی با آدم های دیگر جامعه نداشته باشد و درین گونه آثار ادبی کلی ترین هدف نویسنده ، باز تاب دقیقانه واقعیت های زندگی است و این باز تاب در برگیرنده هدف نویسنده در تدارک مساعد ترین زمینه های تکامل زندگی اجتماعی نیز هست .

تعهد وعدم تعهد در ادبیات نمیتواند با موضوعگیری مشخص طبقاتی همراه نباشد برای نویسنده تعهد و التزام زمانی پذیرفتنی میتواند بود که منافع توده های زحمت کش جامعه را بر منافع مشتکی از افراد سته و ر و طفیلی ترجیح دهد و آفریده های هنری اش را در جهت تامین منافع توده های زحمت کش مورد کار برد و استفاده قرار دهد .

اگر پروسه تکامل ادبیات را طی مراحل مختلف تاریخی در نظر گیریم و گونه گونه شیوه ها و اسالیب نویسندگی را بنادانه بررسی نماییم ، همان شیوه های نویسندگی از پرمایگی فراوان بر خوردار بوده که بر جنبه های فرد گرایی کمتر اتکاء نموده است و فرآورده های ادبی ای از ینگونه را خوانندگان با اشتیاق زیادی پذیرا گشته اند و از همین جاست که



نشتنبه ۲۶۶ ثتور ۱۳۶۶

شماره ۸۸
مسئله ۳۳۳



۱۳۶۶
۱۹۶۶



فینتیک شاره
۱۳ افغانی



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library